

# اندازه گیری شاخص های فقر در ایران

کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر

۱۳۶۳-۱۳۷۹

فرهاد خداداد کاشی - فریده باقری - خلیل حیدری - امید خداداد کاشی

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پائیز ۱۳۸۱

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۵.....	فصل ۱: تعاریف و مفاهیم.....
۵.....	مقدمه.....
۹.....	۱-۱- تعریف فقر.....
۱۴.....	۱-۲- خط فقر: تعاریف و نحوه اندازه‌گیری.....
۱۷.....	۱-۳- تعریف خط فقر.....
۱۷.....	۱-۴- هزینه تأمین حداقل رفاه و مطلوبیت.....
۱۸.....	۱-۵- مشکل تعیین مرجع.....
۱۸.....	۱-۶- مشکل شناسایی.....
۱۹.....	۱-۷- خط فقرهای عینی.....
۲۰.....	۱-۸- قابلیت‌ها در مقابل درآمدها.....
۲۲.....	۱-۹- خط فقر ذهنی.....
۲۳.....	۱-۱۰- شاخص‌های وقوع فقر.....
۲۵.....	۱-۱۰-۱- شاخص نسبت افراد فقیر.....
۲۶.....	۱-۱۰-۲- شاخص نسبت شکاف درآمدی.....
۲۸.....	۱-۱۰-۳- شاخص فقر سن.....
۳۰.....	۱-۱۰-۴- شاخص تاکایاما.....
۳۰.....	۱-۱۰-۵- شاخص فقر فاستر، گریر و توربک.....
۳۲.....	فصل ۲: مروری بر ادبیات فقر در ایران.....
۶۶.....	فصل ۳: کاربرد انواع روشها برای محاسبه خط فقر در ایران.....

- ۳-۱- تعیین خط فقر در جوامع شهری و روستایی ..... ۶۷
- ۳-۱-۱- روش اندازه‌گیری خط فقر براساس نیاز کالری (روش پژویان) ..... ۶۷
- ۳-۱-۲- روش اندازه‌گیری خط فقر براساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج ..... ۶۸
- ۳-۱-۳- تعیین خط فقر براساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانه مخارج خانوارها ..... ۶۹
- ۳-۱-۴- تعیین خط فقر برپایه معکوس ضریب انگل ..... ۷۰
- ۳-۱-۵- تعیین خط فقر بر پایه معکوس ضریب انگل فقرا ..... ۷۲
- ۳-۲- خط فقر جوامع شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۶۳ ..... ۷۳
- ۳-۲-۱- برآورد خط فقر در جوامع شهری و روستایی براساس نیاز کالری ..... ۷۳
- ۳-۲-۲- برآورد خط فقر در جوامع شهری و روستایی بر پایه درصدی از میانه مخارج خانوارها ..... ۷۴
- ۳-۲-۳- برآورد خط فقر بر پایه درصدی از میانگین مخارج خانوارهای شهری و روستایی ..... ۷۵
- ۳-۲-۴- برآورد خط فقر بر پایه معکوس ضریب، انگل (روش اول) ..... ۷۶
- ۳-۲-۵- ارائه نتایج برآورد خط فقر برپایه معکوس ضریب انگل (روش دوم) ..... ۷۷
- ۳-۳- مقایسه خط فقر به روشهای مختلف ..... ۷۸
- فصل ۴: محاسبه شاخص‌های فقر در ایران ..... ۸۱**
- ۴-۱- شاخصهای فقر در جوامع شهری و روستایی ..... ۸۳
- ۴-۲- شاخصهای فقر برحسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها ..... ۸۶
- ۴-۳- بررسی سطح فقر در خانوارهای ایرانی ..... ۸۷
- ۴-۳-۱- درصد خانوارهای فقیر شهری و روستایی ..... ۸۸
- ۴-۳-۲- درصد خانوارهای فقیر بر حسب سن سرپرست خانوار ..... ۹۰

- ۹۲.....۴-۳-۳- بررسی درصد خانوارهای فقیر برحسب پایه تحصیلی
- ۹۴.....۴-۳-۴- بررسی درصد خانوارهای فقیر برحسب مناطق جغرافیایی
- ۹۷.....۴-۳-۵- بررسی درصد فقر خانوارها بر حسب نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار
- ۹۹.....۴-۳-۶- بررسی درصد فقر برحسب شغل دقیق سرپرست خانوار
- ۱۰۳.....۴-۳-۷- بررسی درصد فقر برحسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار
- ۱۰۵.....۴-۴- بررسی شدت فقر نزد خانوارهای ایرانی
- ۱۰۶.....۴-۴-۱- شدت فقر در مناطق شهری و روستایی
- ۱۰۷.....۴-۴-۲- بررسی شدت فقر برحسب گروههای سنی مختلف
- ۱۰۹.....۴-۴-۳- بررسی شدت فقر برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار
- ۱۱۰.....۴-۴-۴- بررسی شدت فقر برحسب مناطق جغرافیایی مختلف
- ۱۱۲.....۴-۴-۵- بررسی شدت فقر برحسب تصدی در شغل سرپرست خانوار
- ۱۱۴.....۴-۴-۶- بررسی شدت فقر برحسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار
- ۱۱۶.....۴-۴-۷- بررسی شدت فقر بر حسب نوع شغل دقیق سرپرست خانوار
- ۱۱۸.....۴-۵- بررسی اندازه فقر در ایران برپایه شاخص سن
- ۱۱۹.....۴-۵-۱- بررسی اندازه فقر در جوامع شهری و روستایی بر حسب شاخص "سن"
- ۱۲۰.....۴-۵-۲- بررسی اندازه فقر برحسب پایه تحصیلی
- ۱۲۱.....۴-۵-۳- بررسی اندازه فقر برحسب پایه تحصیلی
- ۱۲۲.....۴-۵-۴- بررسی اندازه فقر برحسب مناطق جغرافیایی مختلف
- ۱۲۵.....۴-۵-۵- بررسی اندازه فقر در بخشهای اقتصادی
- ۱۲۶.....۴-۵-۶- بررسی اندازه فقر برحسب نوع شغل سرپرست خانوار
- ۱۲۷.....۴-۵-۷- بررسی اندازه فقر برحسب نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار
- ۴-۶- مقایسه درصد خانوارهای فقیر، شدت فقر و اندازه فقر برحسب خط فقرهای  
مختلف در سال ۱۳۷۹..... ۱۲۸

۱۳۰.....	۴-۷- جمع‌بندی
۱۳۴.....	فصل ۵ : نحوه توزیع فقر بین خانوارها
۱۳۵.....	۵-۱- سهم خانوارهای فقیر شهری و روستایی از کل فقر جامعه
۱۳۶.....	۵-۲- سهم گروه‌های مختلف سنی از فقر جامعه
۱۳۷.....	۵-۳- سهم خانوارها از فقر جامعه برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار
۱۳۸.....	۵-۴- سهم خانوارها از فقر جامعه برحسب مناطق جغرافیایی مختلف
۱۴۱.....	۵-۵- سهم فقر خانوارها برحسب نوع شغل سرپرست خانوار
۱۴۲.....	۵-۶- سهم فقر خانوارها از فقر جامعه برحسب نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار
۱۴۳.....	۵-۷- جمع‌بندی
۱۴۴.....	منابع و مآخذ
۱۴۸.....	پیوستها
۱۴۹.....	جداول پیوست الف
۲۶۵.....	جداول پیوست ب
۳۰۱.....	داوری

# فصل ۱

## تعاریف و مفاهیم

### مقدمه

در سالهای اخیر فقر و روشهای اندازه‌گیری آن در دو حوزه سیاستگذاری و دانشگاهی کشورمان مورد توجه قرار گرفته است. بویژه آنکه از اواخر دهه ۶۰ و با شروع برنامه اول توسعه و آغاز برنامه تعدیل اقتصادی انتظار می‌رفت با در پیش گرفتن اصلاحات اقتصادی، بخشی از خانوارهای ایرانی در تأمین حداقل نیازهای خود دچار مشکل شوند. بر این اساس تلاشهای زیادی در قالب مطالعات پژوهشی، ارائه مقالات یا تألیف کتب، برگزاری همایش‌های مختلف، ادامه برنامه‌های فقرزدایی و... صورت گرفت. تا مقوله فقر در ایران از ابعاد مختلف بررسی گردد. تعداد قابل توجهی از پایان‌نامه‌های دانشجویی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری نیز به این امر اختصاص یافت. ناگفته نماند که توجه به مسئله فقر و فقرزدایی یک موضوع جهانی بود که ایران را نیز در بر گرفت. همواره فقر به عنوان یک مسئله جهانی مطرح بوده است اما از اواخر دهه ۷۰ و بویژه با شروع دهه ۸۰ بدلیل پذیرش برنامه اصلاح ساختاری، آزاد سازی و خصوصی سازی توسط بسیاری از کشورهای جهان فقر و حمایت از گروههای آسیب‌پذیر با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از اندیشمندان بر این گمان بودند و هستند که اجرای برنامه‌های اقتصادی فوق‌الذکر، گروههای کم درآمدرا متاثر می‌سازد و فقر را افزایش می‌دهد.

در پاسخ به چنین وضعیتی و به منظور جلوگیری از توسعه فقر، نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای اقدامات نمادین و عملی را در پیش گرفتند. برای مثال سازمان ملل دهه ۲۰۰۶-۱۹۷۷ را دهه ریشه کنی فقر نام نهاد. بانک جهانی برای تحقق دنیایی رها از فقر، جهانیان را برای اقدام مؤثر برای حذف گرسنگی با توسعه پناهگاه و مسکن و برخورداری عمومی از بهداشت، مسکن و آموزش

دعوت نمود. در همین راستا در سال ۱۹۹۶ OECD، هدف گزاری کرده است که از طریق مشارکت جهانی نیمی از افرادی که فقیر می‌باشند تا سال ۲۰۱۵ از شرایط فقر شدید خارج شوند. در نوامبر ۱۹۹۷ اعضای اسکاپ تعهد کردند که اقدامات لازم برای ریشه کنی فقر تا سال ۲۰۱۰ را انجام دهند.

اقدامات فقر زدایی از دهه ۸۰ به بعد در بسیاری مناطق جهان با موفقیت مواجه شد بطوریکه بنابر گزارش بانک توسعه آسیایی در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ تعداد فقیرهای شرق آسیا معادل ۲۲۰ میلیون نفر کاهش یافت و علاوه بر این در طی همین مدت ۴۲۵ میلیون نفر با سطح زندگی بالاتر از فقر به جمعیت این منطقه اضافه شد. بنابر همان مآخذ، در دهه ۹۰،  $\frac{۱}{۴}$  جمعیت آمریکای لاتین،  $\frac{۱}{۴}$  جمعیت جنوب آسیا و آفریقا و  $\frac{۱}{۱۰}$  جمعیت شرق آسیا در فقر مطلق بسر می‌برند. کشور چین در فاصله سالهای ۷۰ تا ۹۰ با وجود آنکه با افزایش جمعیتی معادل ۳۰۰ میلیون نفر مواجه بود، موفق شد جمعیت فقیر خود را در طی همان مدت از ۲۷۵ میلیون نفر به ۱۷۵ میلیون نفر کاهش دهد. در کشور اندونزی در دهه ۷۰ بیش از  $\frac{۱}{۴}$  جمعیت در فقر بسر می‌بردند و در طی دو دهه ۷۰ و ۸۰ جمعیت این کشور ۶۰ میلیون نفر افزایش یافت ولی علیرغم این افزایش، این کشور توانست از طریق برنامه‌های فقرزدایی میزان فقیرهای خود را به ۲۷ میلیون نفر کاهش دهد. بنابر گزارش بانک توسعه آسیایی در سال ۱۹۸۵، ۲۴ درصد جمعیت پاکستان، ۴۳ درصد جمعیت بنگلادش، ۴۴ درصد جمعیت هندوستان و ۱۲ درصد جمعیت چین فقیر بودند ولی در سال ۱۹۹۸، ۴۴ درصد جمعیت فقیر در پاکستان به ۲۲ درصد، در بنگلادش به ۴۴ درصد و در اندونزی به ۲۴ درصد در هندوستان به ۳۶ درصد و در چین به ۶ درصد تغییر یافت.

در ایران نیز برای مبارزه با فقر در قالب برنامه‌های توسعه طرح ساماندهی اقتصادی پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته است و چندین بار لایحه فقرزدایی تهیه و تنظیم شده است ولی این کوششها نهایتاً به اقدام موفق منجر نشد. در خصوص فقر و اندازه آن در ایران و همچنین تأثیر

سیاستهای اقتصادی مختلف بر فقر مطالعات مختلفی صورت گرفته است و نتایج این مطالعات به حوزه تصمیم‌گیری منعکس شده است.

با ملاحظه نتایج مطالعات مختلف متوجه می‌شویم که اندازه فقر در ایران طیف وسیعی را در بر می‌گیرد بطوریکه برای مثال بعضی محققین معتقدند کمتر از ۱۸ درصد جمعیت ایران فقیر می‌باشند و بعضی نتیجه گرفته‌اند ۷۰ درصد جمعیت درگیر فقر می‌باشند. علت تفاوت شدید در چیست؟ در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا با توجه به اطلاعات مربوط به فقر نواحی مختلف یا کشورهای مختلف واقعا می‌توان نتیجه گرفت کدام کشور از کدام کشور فقیرتر می‌باشد یا فقر در منطقه خاصی از یک کشور کمتر از میزان فقر در منطقه دیگری می‌باشد. با طرح این مسئله در واقع قصد داریم به موضوع قابلیت مقایسه ارقام فقر توجه نمائیم. تفاوت در نتایج مربوط به اندازه فقر که توسط محققین مختلف محاسبه شده است به چند علت می‌باشد. اول آنکه مفهوم فقر از نظر محققین مختلف ممکن است متفاوت باشد. نگاه اندیشمندان و محققین به فقر و طرز تلقی آنها از فقر و تعریف آنها از فقر متفاوت می‌باشد. بنابراین طبیعی است تفاوت در تعریف و مفهوم فقر موجب تفاوت در نتایج گردد. دوم آنکه برای اندازه‌گیری فقر روش واحد مورد توافقی وجود ندارد و هر محقق از یک روش خاص برای محاسبه فقر استفاده می‌کند. حتی دو محقق که راجع به مفهوم فقر توافق داشته باشند ممکن است بدلیل بکارگیری روشهای متفاوت اندازه‌های متفاوتی از فقر را گزارش نمایند. سوم آنکه متغیر یا متغیرهایی که به کمک آنها فقر ارزیابی می‌شود متعدد می‌باشند و همین امر موجب تفاوت در اندازه فقر در مطالعات مختلف می‌شود. برای مثال اگر در اندازه‌گیری فقر از درآمد استفاده شود نتایج متفاوت از زمانی خواهد شد که از متغیرمخارج استفاده شود. همچنین واحد تجزیه و تحلیل می‌تواند عامل بروز این تفاوت باشد. برای مثال یک محقق ممکن است فقر را برای خانوار و محقق دیگر در سطح فرد اندازه‌گیری نماید. علاوه بر موارد فوق علل دیگری همچون توجه یا عدم توجه به مقیاس معادل و ... می‌تواند موجب بروز اختلاف در نتایج شود.



با توجه به ضرورت مقابله با بحران فقر می‌باید از دو جنبه نظری و عملی موضوع فقر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. از جنبه نظری باید فقر و مؤلفه‌های آن بدقت تعریف و شناسایی گردند و از جنبه عملی باید بتوان میزان اندازه فقر در کشور یا جامعه مورد نظر اندازه‌گیری شود. برای اندازه‌گیری فقر شاخصهای مختلفی به ادبیات معرفی شده است و اقتصاددانان در خصوص فرم تبعی این شاخص‌ها مطالب زیادی را نوشته‌اند. برای مثال آنها در خصوص اینکه شاخص فقر نسبت به تغییر در توزیع درآمد یا نسبت به رشد اقتصادی چگونه می‌باید واکنش نشان دهد بسیار مطالعه نموده‌اند. نحوه واکنش شاخص فقر به توزیع درآمد و رشد اقتصادی در تصمیم‌گیری راجع به مسائل رفاهی و تأمین اجتماعی بسیار مهم می‌باشد. بعضی از اقتصاددانان معتقدند که با افزایش درآمد ملی مقدار واقعی خط فقر باید افزایش یابد. چنین فرضی به معنی آن است که فقر نسبت به رشد اقتصادی حساسیت ندارد و یا حساسیت اندک دارد. کمیسیون اروپا خط فقر را معادل میانگین درآمد هر کشور در نظر می‌گیرد که در واقع به معنی آن است که افزایش یکسان درآمد افراد جامعه (فقیر و غنی) تغییری در اندازه فقر ایجاد نمی‌کند. با توجه به نکات فوق ملاحظه می‌گردد که نحوه تعریف ما از فقر و فرم تبعی خط فقر چگونه بر اندازه فقر و ارزیابی ما از تأثیر رشد اقتصادی بر میزان فقر تأثیر گذار می‌باشد.

تصمیم‌گیری برای مبارزه با فقر و تخصیص اعتبار برای کاهش فقر به شاخص انتخابی برای اندازه‌گیری فقر و نحوه محاسبه خط فقر وابسته می‌باشد. بر این اساس شناخت انواع خط فقر و ویژگی‌های هر یک از آنها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بسیار تأثیر گذار می‌باشد.

پس از توافق راجع به مفهوم فقر و شاخص فقر می‌باید با استفاده از داده‌های مربوطه اقدام به اندازه‌گیری فقر نمود. برای این کار به داده‌های آماری دقیق و قابل اعتماد نیاز می‌باشد و لازم است استراتژی آماری بنحوی تدوین شود که اولاً امکان ارائه تصویری از فقر فراهم شود و ثانیاً بتوان نظارت دائمی بر اندازه فقر داشت و ثالثاً تحلیل فقر امکان پذیر گردد.

در ادامه این فصل مقدماتی در خصوص مفهوم فقر و تعاریف آن و شاخص‌های اندازه‌گیری آن ارائه می‌نمائیم.

بسیاری از اقشار مردم بویژه اندیشمندان و سیاستگذاران در خصوص مسئله فقر به بحث می‌پردازند و اساس بحث آنها این است که برای برخورد با مسئله فقر باید مشکل بدرستی شناسایی شود اما شناخت این افراد از مسئله فقر به یک میزان نمی‌باشد لذا برخورد آنها نیز در این خصوص یکسان نخواهد بود. البته بیشتر آنها ادعا می‌کنند که فهم آنها از فقر برپایه صحیح استدلالهای منطقی یا تحقیقات علمی است. اما بررسی ما نشان خواهد داد که تعریف صریح، علمی از فقر که توافق عمومی در مورد آن وجود داشته باشد در اختیار نمی‌باشد زیرا فقر به طور اجتناب‌ناپذیری یک مفهوم سیاسی است بنابراین ذاتا بحث برانگیز است. ممکن است بسیاری از مفسران ایده روشنی در خصوص نحوه برخورد با مسئله فقر داشته باشند و در نتیجه توصیف و تعریف آنها از فقر نیز توجیهی داشته باشد اما اینکه منظور مفسران از فقر چیست بستگی به این دارد که آنها چه چیزی را انتظار یا تمایل دارند در خصوص فقر انجام دهند.

به این ترتیب اولین چیزی که در مورد فقر متوجه می‌شویم این است که فقر پدیده ساده‌ای نیست که ما بتوانیم با بکارگیری یک دیدگاه آنرا تعریف کنیم. بدلیل طبیعت چند بعدی فقر و فقیر، ارائه تعریف جامع و دقیقی از آن مشکل است. فقر به خواسته‌های مادی مرتبط می‌شود که به دلیل ابزارهای ناکافی در برآورده شدن حداقل نیازها در زمینه تأمین خوراک، مسکن، بهداشت و تحصیل بوجود می‌آید و این وضعیت با عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی و اعمال تبعیض‌های مختلف حالت وخیم‌تری به خود می‌گیرد.

فقر در کلیه کشورها رخ می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه که متوسط درآمد در آنها پائین است شدت فقر بالا و در کشورهای پیشرفته که سطح درآمد آنها بالا است شدت فقر پائین می‌باشد. افرادی که در شرایط فقر به سر می‌برند باید بطور مداوم با سوء تغذیه و محرومیت در جدال باشند. در بین فقرا، افراد بسیار فقیری وجود دارند که قادر به دستیابی به بیشتر نیازهای اولیه و اساسی زندگی خود نمی‌باشند و در نتیجه بیشتر این افراد قادر به تأمین نیازهای اولیه حیات نیستند.

فقر علاوه بر کسانی که از نیاز مداوم، گسترده و عمیق رنج می‌برند شامل فقرایی می‌شود که مجبورند در سطحی کمتر از استانداردهای قابل قبول در یک دوره زمانی زندگی کنند و از ارزشهای اجتماعی نیز محروم باشند. در این حالت نمی‌توان فقر را به صورت مطلق در نظر گرفت و مسئله فقر نسبی مطرح می‌شود. نابرابری در درآمد و ثروت شرایط فقر نسبی را پدید می‌آورد.

### ۱-۱- تعریف فقر

فقر به صورتهای مختلف تعریف شده است البته این تعاریف برحسب مکان، زمان متفاوت از هم بوده‌اند و بین محققان اختلاف نظر وجود داشته است ولی اکثر این محققان و مفسران در خصوص نیاز به تعریف فقر اتفاق نظر دارند. تانسنده<sup>۱</sup> در مطالعات خود در خصوص فقر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تعریفی از فقر ارائه داد که با توجه به دیدگاه وی و یافته‌هایش بسیار مهم بود و بطور گسترده‌ای از آن استفاده شد: «افراد، خانواده‌ها و گروههای جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیتهای و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند». (تانسنده، ۱۹۷۹، ص ۳۱).

سن<sup>۲</sup> در مطالعات خود در سال ۱۹۸۱ اشاره کرده که کلیه تعاریف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعی به محرومیت اشاره می‌کنند. البته محرومیت خود یک مفهوم نسبی است که ممکن است در مکانها و زمانهای متفاوت کاملاً با هم فرق داشته باشند بدین معنی که در یک کشور در حال توسعه ممکن است فقر، محرومیت از امکانات تلقی شود که برای ادامه حیات ضروری است نظیر غذا، مسکن، دارو، در حالیکه در یک کشور توسعه یافته بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت دارد.

از دیدگاه بانک توسعه آسیا، فقر عبارت است از محرومیت از دارائیهای و فرصتهایی که هر فرد مستحق آنها می‌باشد.

---

<sup>1</sup> Townsend

<sup>2</sup> Sen

بوت و راونتری<sup>۱</sup> دو نفر از پیشگامان مطالعات فقر در کشور انگلستان در اواخر قرن نوزدهم سعی کردند که یک تعریف مناسبی از فقر ارائه دهند. این دو تلاش کردند که بین فقر مطلق و فقر نسبی تمایز قائل شوند. فقر مطلق یک موضوع عینی است و متضمن تعریف علمی که بر پایه حداقل معاش<sup>۲</sup> شکل گرفته است و منظور حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است. به این ترتیب فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. اگر فردی در سطحی کمتر از این حداقل باشد توان لازم را برای ادامه زندگی نخواهد داشت. براساس این تعریف این تناقض پیش می‌آید که چگونه افراد بدون داشتن حداقل نیازهای اولیه قادر به زندگی خواهند بود؟ جواب این سؤال مطابق با نظر نظریه پردازان فقر مطلق، این است که آنها برای مدت طولانی زنده نخواهند بود و اگر برای آنها حداقل معاش فراهم نشود از گرسنگی خواهند مرد و شاید در کشوری نظیر بریتانیا در زمستان یخ خواهند زد.

بنابراین تعریف، فقر مطلق بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد. برای این کار لازم است بدانیم مردم به چه چیز نیاز دارند و با دسترسی به چه میزان از کالاها و خدمات مشکل فقر آنها برطرف خواهد شد. این نوع ایده از فقر مطلق یا حداقل معاش با آخرین کار بوت (۱۸۸۹) و راونتری (۱۹۰۱ و ۱۹۴۱) مرتبط است.

در مقابل فقر مطلق فقر نسبی قرار دارد که یک موضوع نسبی است که در آن داورها بر تعیین سطح فقر مؤثر است. فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود تعریف شده است. در فقر نسبی که ناشی از اختلاف شدید درآمدی است فقر صرفاً ناشی از فقدان منابع جهت تأمین نیازهای اساسی نیست بلکه ناشی از کمبود منابع فرد جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه می‌باشد. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. به منظور دستیابی به عمق نابرابری در توزیع درآمد (یا مصرف) بین افراد یا خانوارها می‌توان درصد کل درآمد دریافت شده توسط فقیرترین قشر جامعه را با درصد

---

<sup>1</sup> Booth & Rowntree

<sup>2</sup> Subsistence

درآمد دریافت شده توسط ثروتمندترین قشر مقایسه کرد.<sup>۱</sup> البته باید توجه داشت که این مفهوم در کشورهای مختلف به صورتهای مختلف تعریف می‌شود و در طی زمان بر اثر تحولات اقتصادی نیز تغییر یافته است.

روانتری بین فقر اولیه و ثانویه نیز تفاوت قائل شده است. به نظر وی فقر اولیه فقری است که در آن افراد در تأمین نیازهای اولیه و اساسی دسترسی به منابع را ندارند و فقر ثانویه فقری است که در آن افراد دسترسی به منابع اولیه را دارند، ولی توانایی استفاده از آنها را برای افزایش سطح معاش خود ندارند.

نکته دیگری که در آن بین محققان و صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد رابطه فقر با رفاه اقتصادی است. برخی اعتقاد بر این دارند که فقر را باید از دیدگاه رفاهی نگریست و آن را به عنوان جزیی از رفاه و سلامت کلی خانوار اندازه گرفت. در کشورهای توسعه یافته بیشتر صاحب‌نظران در زمینه تعریف فقر و اندازه‌گیری آن از این دیدگاه پیروی می‌کنند. در مقابل افرادی نظیر بن (۱۹۷۷) معتقدند که بهتر آنست که تعریف و اندازه‌گیری فقر از دیدگاه غیررفاهی مورد بررسی قرار گیرد و معیار اصلی میزان منابع موجود در دسترس افراد خانواده صرفنظر از میزان رفاه آنها باشد. فقر را می‌توان به کمک تعدادی از شاخص‌های اجتماعی نیز اندازه‌گیری نمود. شاخص‌های اجتماعی که به کمک آنها می‌توان فقر را اندازه‌گیری نمود عبارتند از حداقل نیازهای اساسی<sup>۲</sup> (M.B.N)، مجموعه شاخص‌های OECD که از ۱۵ شاخص تشکیل شده است عبارتند از: ۱- امید به زندگی، ۲- نرخ مرگ و میر (نوزادان، بچه‌ها و بزرگسالان)، ۳- درصد کودکانی که دچار کم‌وزنی هستند، ۴- متوسط سالهای دبستان، ۵- GDP سرانه، ۶- درآمد سرانه خانوار، ۷- نرخ بیکاری، ۸- دسترسی به آب سالم، در سال ۱۹۹۰، UNDP شاخص ترکیبی بنام شاخص توسعه انسانی (HDI)<sup>۳</sup> را معرفی نمود.

---

یک روش معمول در این زمینه این است که جمعیت به گروههای با مضرب ۵ یا ۱۰ برحسب درآمد به ترتیب صعودی طبقه‌بندی شود و نسبت درآمد دریافت شده توسط گروههای مختلف درآمدی با هم مقایسه شود.

<sup>۲</sup> Minimum Basic Needs

<sup>۳</sup> Human Development Index

HDI بر سه مؤلفه استوار است: طول عمر که براساس امید به زندگی در بدو تولد تعریف می‌شود، میزان آموزش و با سواد و سطح زندگی (که برحسب GDP سرانه و قدرت خرید تعریف می‌شود).

UNDP علاوه بر معرفی HDI، شاخص فقر انسانی (HPI)<sup>1</sup> را تعریف نمود. این شاخص محرومیت زندگی را از سه بعد منعکس می‌کند: طول عمر، دانش و سطح زندگی. محرومیت از بعد طول عمر برحسب درصد افرادی که انتظار می‌رود قبل از ۴ سالگی بمیرند و محرومیت در دانش برحسب درصد افراد بالغ بی‌سواد و محرومیت در سطح زندگی از ترکیب سه متغیر درصد افرادی که به آب سالم دسترسی ندارند، درصد افرادی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند و درصد کودکان پنج ساله‌ای که دچار کم‌وزنی هستند بدست می‌آید. HDI میزان پیشرفت و توسعه انسانی یک کشور و HPI میزان محرومیت کشور را اندازه‌گیری می‌کند. علاوه بر این می‌توان اظهار داشت که فقر به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد یا خانوار از حداقل رفاه یا حداقل معاش برخوردار نباشد. اما حداقل رفاه یا حداقل معاش مفهومی است که تعریف واحدی برای آنها وجود ندارد. کوچکترین تغییر در مفهوم حداقل رفاه یا حداقل معاش موجب تغییر اساسی در اندازه فقر می‌شود. علیرغم عدم توافق راجع به حداقل معاش، هر محقق ناچار است یک تعریف عملیاتی از آن ارائه دهد تا به کمک آن امکان محاسبه اندازه فقر فراهم آید. پس از تعریف و تعیین حداقل معاش شرایط برای محاسبه ما به ازای ریالی آن فراهم می‌شود. هزینه ریالی تأمین حداقل معاش به خط فقر موسوم است. با توجه به اینکه فقر از ابعاد مختلفی همچون فقر مطلق، فقر نسبی و فقر ذهنی تعریف می‌شود بنابراین می‌توان انتظار داشت که با توجه به مفاهیم مختلف فقر انواع خط فقر را بتوان اندازه گرفت. در ادامه این گزارش خط فقر و روشهای اندازه‌گیری آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

---

<sup>1</sup> Human poverty Index

## ۲-۱- خط فقر: تعاریف و نحوه اندازه‌گیری

به عقیده مارتین راولیون<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح حداقل رفاه دسترسی دارند غیرفقیر می‌باشند. برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقیرها و تمیز آنها از غیرفقیرها به یک آستانه یا ملاک بنام خط فقر نیاز می‌باشد. این آستانه چیست و چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟ این آستانه را می‌توان براساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ارائه حیات تعریف نمود. اما ادامه حیات خود کاملاً روشن نمی‌باشد. همین ابهام موجب شده است که تعاریف مختلفی از فقر و خط فقر ارائه شود. بعضی از محققین حداقل معاش برای ادامه حیات را برحسب میزان انرژی و پروتئین مورد نیاز بدن تعریف می‌کنند. برای مثال در کشور چین حداقل معاش براساس نیاز بدن بر ۲۱۵۰ کالری در روز تعریف شده است بطوریکه ۹۰٪ آن از غلات و تنها ۱۰٪ دیگر با مصرف خوراکی‌هایی بجز غلات تأمین شده باشد. در کشور اندونزی خط فقر برحسب ۲۰۰۰ کالری تعریف می‌شود بطوریکه ۶۶ درصد آن از طریق غلات تأمین شده باشد.

در کشورهای تایلند و فیلیپین حداقل معاش برحسب ۲۰۰۰ کالری روزانه تعریف شده است. در کشور تایلند برای محاسبه هزینه ریالی تأمین ۲۰۰۰ کالری انرژی مورد نیاز فرض می‌شود که در مناطق شهری معادل ۷۰ درصد آن و در مناطق روستایی ۷۷ درصد آن از طریق مصرف غلات تأمین شده باشد.

بسته به این که فقر به مفهوم مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند. این آستانه «خط فقر»<sup>۲</sup> نامیده می‌شود. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که خط فقر نیز دارای دو مفهوم مطلق و نسبی است که انتخاب هر یک از این دو، در سیاست‌های عملی فقرزدایی حائز اهمیت می‌باشد. زیرا شاخص‌های فقر مبتنی بر

<sup>۱</sup> Ravallion, M., (1998) "Poverty Lines in Theory and Practice" World Bank, LSMS working paper, No. 133

<sup>۲</sup> Poverty line

هر یک از این دو مفهوم، حساسیتهای متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی - اجتماعی کوتاه مدت و بلند مدت و یا نابرابری درآمدی از خود نشان می‌دهند.

بر اساس تعریف، خط فقر مطلق «عبارت است از مقدار درآمدی است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی،... جامعه مورد بررسی برای تأمین حداقل نیازهای افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و...) لازم است و یا حداقل شرایطی (مانند حداقل میزان درآمد، تحصیلات، مسکن و...) است که عدم تأمین آن موجب می‌شود تا فرد مورد بررسی به عنوان فقیر در نظر گرفته شود، این روش تعیین خط فقر را «روش نیازهای اساسی»<sup>۱</sup> نیز می‌گویند»<sup>۲</sup>.

در این روش ابتدا یک میزانی از درآمد برای تأمین هزینه‌های غذایی مصرفی در نظر گرفته می‌شود سپس یا مقداری درآمد ثابت برای تأمین هزینه حداقل سایر نیازهای اساسی به آن افزوده می‌شود (روش روانتری) و یا میزان درآمد مورد نیاز برای تأمین هزینه‌های غذای لازم برای زنده ماندن فرد با استفاده از میانگین هندسی نسبت هزینه غذا به هزینه کل فرد در جامعه مورد بررسی به حداقل درآمد مورد نیاز برای تأمین هزینه نیازهای اساسی تبدیل می‌شود (روش ارشانسکی) و یا اینکه با توجه به تابع مصرف انگل در جامعه، اندازه مشخص و معمولی را برای نسبت هزینه غذا به حداقل درآمد مورد نیاز برای تأمین نیازهای اساسی در نظر گرفته و نسبت هزینه غذا به درآمد هر یک از افراد را با آن می‌سنجند. در صورتی که اندازه این نسبت برای هر فرد جامعه بزرگتر از اندازه مشخص و معلوم در نظر گرفته شده باشد وی فقیر محسوب می‌شود (روش نسبت غذا)<sup>۳</sup>. در برخی مواقع برای تعیین خط فقر روش ارشانسکی با اندکی تعدیل بکار گرفته می‌شود. به این صورت که به جای میانگین هندسی نسبت هزینه غذا به کل هزینه فرد در کل جامعه مورد بررسی از میانگین نسبت غذا به کل هزینه افراد پائین‌ترین طبقه درآمدی جامعه استفاده می‌شود.

---

<sup>۱</sup> Basic-Needs Approach

<sup>۲</sup> ابوالفتحی قمی، ابوالفضل. درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱، ص ۱۰۰

<sup>۳</sup> Food - Ratio Method



گاهی اوقات برای تعیین خط فقر مطلق از روش حداقل درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی استفاده نمی‌شود بلکه بر مشخص کردن حداقل نیازهای اساسی برای زندگی، حداقل ویژگیهای کیفی نظیر حداقل کالری و پروتئین دریافتی روزانه، حداقل سطح زیر بنای مسکونی سرانه، حداقل میزان تحصیلات سرپرست خانوار، حداقل تعداد افراد باسواد خانواده و... نیز در نظر گرفته می‌شوند و در صورتی که هر یک از افراد جامعه حداقل یکی از این ویژگیها را دارا نباشد فقیر محسوب می‌شود.

خط فقر نسبی یا به صورت درصد معینی (یا میانگین) درآمد جامعه و یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود.<sup>۱</sup> انتخاب خط فقر نسبی موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای از افراد به عنوان فقیر معرفی شوند. به عنوان نمونه براساس این تعریف از فقر نسبی حتی (در جامعه مرفهی نظیر آمریکا، علیرغم افزایش درآمدها و رفع نیازهای اساسی، همواره گروهی از جمعیت پایین‌تر از درصد معین میانه (در آمریکا نصف میانه) درآمد داشته و بنابراین فقیر محسوب می‌شوند.

ساهیل<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) در خصوص فقر نسبی این طور بیان می‌کند که هر قدر هم کل درآمد و درآمد متوسط افراد جامعه افزایش یابد «فقر به مفهوم نسبی کلمه، همیشه با ما خواهد بود».

این مسئله مهمترین اشکال خط فقر نسبی است که استفاده از آن را در سیاستهای فقرزدایی دچار مشکل می‌کند. زیرا کاربرد آن در اندازه‌گیری اثرات این سیاستها در کاهش فقر تناقضاتی را بوجود می‌آورد. خط فقر نسبی و شاخص‌های فقر نسبی بیش از آنکه نمایانگر فقر باشند میزان نابرابری توزیع درآمد در جامعه را نشان می‌دهند زیرا تنها تغییرات نابرابری توزیع درآمد در جامعه بر آنها اثر می‌گذارد و رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه اندازه آنها را تغییر نمی‌دهد. در حالیکه خط فقر مطلق در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی تغییر می‌کند. از اینرو انتخاب خط فقر

<sup>۱</sup> ابوالفتحی قمی، ابوالفضل. درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱

<sup>۲</sup> Sawhill

مطلق در مقایسه با خط فقر نسبی از مزایای قابل توجهی برخوردار است و به همین دلیل عمده بررسیهای انجام شده در خصوص فقر متکی بر کاربرد خط فقر مطلق است.

### ۱-۳- تعریف خط فقر

خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح رفاه حداقل و بالاتر از آن دسترسی دارند غیرفقیر می‌باشند.

### ۱-۴- هزینه تأمین حداقل رفاه و مطلوبیت

همانگونه که قبلاً اشاره شد بعضی از اقتصاددانان معتقدند فقر را باید از دیدگاه رفاهی تعریف نمود. در اقتصاد، رفاه برحسب تابع مطلوبیت مشخص می‌گردد و تابع مطلوبیت بر اساس مصرف کالاها و خدمات تعریف می‌شود و در واقع این تابع مطلوبیت ترجیحات افراد را نسبت به بسته‌های مختلف کالاها و خدمات مشخص می‌کند. بر این اساس خط فقر را می‌توان نقطه‌ای از تابع مخارج مصرف کننده تلقی کرد که کمترین هزینه را با توجه به قیمت‌های رایج برای رسیدن به یک سطح معین رفاه برای یک خانوار با مشخصات معین را مشخص می‌کند.

برای درک دقیقتر موضوع، خانواری با بردار خصوصیات  $x$  را که بردار مصرفی  $q$  را مصرف می‌کند در نظر بگیرید. ربحان مصرف کننده نسبت به بسته‌هایی که در دسترس وی می‌باشد بصورت تابع مطلوبیت  $u(q, x)$  نمایش داده می‌شود بطوریکه برحسب این تابع و برای خصوصیت  $x$  به هر بسته‌ای نظیر  $q$  عددی نسبت داده می‌شود.

تابع مخارج  $e(p, x, u)$  کمترین مخارج یک خانوار با خصوصیات  $x$  برای دسترسی به مطلوبیت  $u$  با توجه به بردار قیمت  $p$  را نمایش می‌دهد. اگر  $u_z$  سطحی از مطلوبیت باشد که مرز فقیر و غیرفقیر را مشخص نماید در این صورت خط فقر برابر خواهد بود با :

$$Z = e(p, x, u_z)$$

بر این اساس می‌توان اظهار داشت خط فقر با توجه به قیمت‌های رایج و خصوصیات معین خانوار، کمترین هزینه برای تأمین مطلوبیت متناظر با سطح فقر است. تابع فوق فقر را برحسب مطلوبیت و رفاه به فقر بر حسب پول تعریف می‌کند.

در محاسبه خط فقر با دو مشکل اساسی مواجه هستیم، مشکل تعیین مرجع و مشکل شناسایی.

### ۵-۱- مشکل تعیین مرجع

برای تعیین خط فقر ابتدا باید سطح مطلوبیت مرجع را تعیین کنیم تا برحسب آن بتوان خط فقر  $z = e(p, x, u_z)$  را محاسبه کنیم. ممکن است اظهار شود این سطح مطلوبیت را می‌توان بصورت اختیاری انتخاب کرد. در عمل به هنگام محاسبه خط فقر تعیین سطح مطلوبیت مرجع اختیاری نیست زیرا این سطح مطلوبیت اندازه فقر را به شدت متأثر می‌کند.

سطح مطلوبیت مرجع نه تنها بر میزان فقر اندازه‌گیری شده در یک محیط معین تأثیر می‌گذارد بلکه میزان منابع لازم برای حل مشکل فقر را نیز تعیین می‌کند. بنابراین در یک جامعه، توافق بر سطح مطلوبیت مرجع برای هدایت منابع برای مبارزه با فقر بسیار حساس می‌باشد.

### ۶-۱- مشکل شناسایی

حتی اگر در خصوص مقدار خط فقر در فضای مطلوبیت توافق وجود داشته باشد مشکل دیگری در مورد شناسایی تابع هزینه باقی است. روش استاندارد این است که پارامترهای تابع هزینه را برحسب رفتار تقاضای مصرف کننده اندازه‌گیری کنیم. مشکل این است که خصوصیات خانوارها به لحاظ اندازه بعد و ترکیب جمعیتی متفاوت می‌باشد و هر یک از این خصوصیات بر رفاه خانوار تأثیر می‌گذارند بدون آنکه در رفتار تقاضای مصرف کننده آشکار باشند. بنابراین شناسایی به عنوان یک مشکل بنیادی مطرح می‌باشد.

برای تعیین سطح مطلوبیت مرجع و شناسایی خصوصیات خانوار به اطلاعات زیادی نیاز است و نظریه رفتار مصرفی کفایت نمی‌کند. در واقع در دو حوزه باید بدنبال اطلاعات باشیم.

۱- اطلاعات عینی در خصوص الزامات دسترسی به توانایی و قابلیت‌های معین. در اندازه‌گیری فقر معمولاً خط فقر را به قابلیت‌های اساسی همچون زندگی سالم و فعال و مشارکت کامل در جامعه مرتبط می‌کند سن فقر را برحسب حداقل قابلیت‌های مادی تعریف نمود.

۲- اطلاعات ذهنی راجع به مفهوم رفاه

در ادامه بحث روش‌های عینی محاسبه فقر بررسی می‌شوند، در این روشها تصورات افراد از رفاه و فقر مورد توجه نمی‌باشد. در حالیکه در روش ذهنی محاسبه خط فقر، اطلاعاتی در مورد ذهنیت افراد راجع به رفاه و فقر مورد نیاز است. می‌توان نشان داد که برحسب هر دو روش می‌توان خط فقر را برحسب هزینه لازم برای تأمین سطح معینی از رفاه تعریف نمود.

### ۱-۷- خط فقرهای عینی

در روش‌های عینی محاسبه خط فقر کوشش می‌شود سطح مطلوبیت مرجع در رابطه  $z = e(p, x, u_z)$  به حصول قابلیت‌های اساسی معین همچون مصرف کافی برای حفظ سلامت و داشتن زندگی فعال و مشارکت در جامعه مرتبط شود. سن (۱۹۸۵، ۱۹۸۷) اظهار داشت که فقر را می‌باید برحسب مجموعه ثابتی از قابلیت‌ها و فعالیت‌هایی که شخص قادر به انجام آنها است تعریف نمود. از این دیدگاه کالاهایی که می‌توانند این قابلیت‌ها را تأمین کنند متغیر می‌باشند ولی قابلیت‌ها ثابت می‌باشند.

در این قسمت ابتدا اشاره می‌کنیم که ایده، «قابلیت‌ها» چگونه به رویکرد مرسوم اندازه‌گیری رفاه مرتبط می‌شود و سپس دو روش اساسی عملی برای تعیین خط فقر مبتنی بر قابلیت‌ها ارائه می‌شود.

## ۸-۱ - قابلیت‌ها در مقابل درآمدها

مفهوم رفاه بر پایه قابلیت متفاوت از اندازه‌گیری پولی رفاه است. اندازه‌گیری پولی رفاه مورد نظر اقتصاددانان است. در ادامه این بحث نشان می‌دهیم که چگونه قابلیت‌ها به درآمد واقعی مرتبط می‌شوند.

فرض کنید قابلیت‌های خانوار با بردار  $c$  نشان داده شود و این قابلیت‌ها تابعی از مقدار کالاهای مصرفی توسط خانوار  $q$ ، و خصوصیات خانوار  $(x)$  باشد. در این صورت تابع قابلیت‌ها را بصورت زیر می‌توان نوشت.

$$C = c(q, x) \quad (۱)$$

در این صورت مطلوبیت را می‌توان بصورت تابعی از قابلیت‌ها در نظر گرفت.

$$u = w(c) \quad (۲)$$

با قراردادن رابطه (۱) در رابطه (۲) به تابع مطلوب اصلی یعنی  $u(g, x)$  و تابع مخارج متناظر با آن یعنی  $e(p, x, u)$  دست می‌یابیم. بنابراین بطور ضمنی قابلیت‌های مشخصی در رفتار تقاضا و اندازه‌گیری پولی مطلوب لحاظ می‌شود.

در بسیاری از بحث‌های کاربردی اقتصاد رفاه، نیازی به تصریح قابلیت‌ها نمی‌باشد. اما در کاربردهای خاص رفاه نظیر اندازه‌گیری فقر، تصریح مفهوم قابلیت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در تعیین سطحی از مطلوبیت که مرز فقر را مشخص می‌سازد تعیین قابلیت‌ها ضروری است. تعریف فقر برحسب توانایی‌های که امکان زندگی سالم فعال همراه با مشارکت اجتماعی را فراهم می‌سازد بسیار روشن‌تر از مفهوم مجرد مطلوبیت است و از نظر اجتماع قابل پذیرش‌تر می‌باشد. اگر  $c_z$  میزان توانایی برای گریز از فقر باشد، مطلوبیت متناظر با خط فقر در رابطه  $z = e(p, x, u_z)$  را می‌توان بصورت  $u_z = w(c_z)$  نوشت.

برای اینکه چارچوب بحث فوق را دقیقتر نمائیم بحث را با توجه خط فقر مبتنی بر تغذیه ادامه می‌دهیم. در روش‌های عینی خط فقر، فعالیت‌های روزانه و کارکردهای فیزیکی مردم مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس بررسی می‌شود که برای انجام فعالیت‌های روزانه هر فرد به چه میزان مواد غذایی نیازمند است و سپس هزینه تأمین این مواد غذایی به عنوان خط فقر در نظر گرفته می‌شود.

در بحث فوق فعالیت‌های روزانه فرد در واقع همان قابلیت‌های فرد می‌باشند که میزان آنها به میزان مصرف مواد غذایی و خصوصیات افراد همچون سن، وزن، اشتغال وابسته است و توسط فرمول  $C = c(q, x)$  تعیین می‌شود. سطح فعالیت استاندارد که بر اساس آن نیازهای غذایی مشخص می‌شود با  $c_z$  نشان داده می‌شود.  $c_z$  نیز به طور ضمنی به سطح مطلوبیت مرجع  $u_z$  اشاره دارد که البته در مطالعات کاربردی و عملی نیازی به تعیین  $u_z$  نمی‌باشد. پس از آن بررسی می‌شود که برای دسترسی به سطح مطلوبیت مرجع چه میزان هزینه نیاز است  $[z = e(p, u, u_z)]$ .

بر این اساس ملاحظه می‌شود که تعیین سطح فعالیت و نیازهای تغذیه‌ای مربوطه یک روش عملی برای تعیین خط فقر در رویکرد عینی است. در این روش برای تعیین خط فقر نیازی نیست که خود را به قابلیت‌های معینی محدود کنیم بلکه دامنه قابلیت‌ها را می‌توان به مسائلی همچون مشارکت‌های اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی گسترش داد.

بحث فوق دلالت بر آن داشت که تعیین فقر برحسب قابلیت‌ها الزاما به معنی کنار گذاردن روش‌های اندازه‌گیری پولی فقر نمی‌باشد. در واقع در بحث فوق قابلیت‌های فرد رابطی بین مطلوبیت و میزان کالاهای مصرف شده می‌باشد و این امکان را فراهم می‌سازد که فقیر شناخته شود. در رویکرد فوق مطلوبیت براساس رجحان افراد نسبت به مجموعه‌ای از قابلیت‌ها تعریف می‌شود و به عنوان یک شاخص رفاه مطرح می‌باشد. همچنین در این رویکرد مفهوم «قابلیت‌ها» به عنوان یک شاخص رفاه جانشین مطلوبیت نمی‌شود بلکه بواسطه معرفی اطلاعات زیادی برای ارزیابی فقر، مفهوم مطلوبیت را کامل می‌کند.

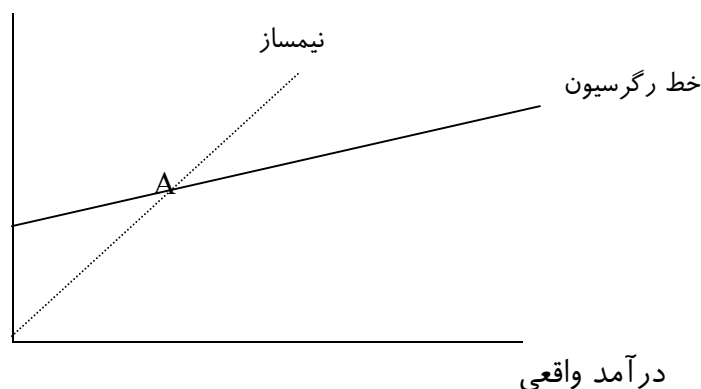
در این خصوص نکات زیادی قابل طرح است که از این میان دو موضوع عمده عبارتند از: ۱- در خصوص سطح استاندارد قابلیت‌ها توافقی وجود ندارد و همچنین برای تعیین نیازهای تغذیه‌ای باید سطح فعالیت‌ها مشخص شود که در این مورد نیز توافقی وجود ندارد ۲- مشکل دوم این است که پس از تعیین «قابلیت‌های استاندارد» چگونه می‌توان به درآمد و میزان مصرف متناظر با آن رسید.

در رویکرد عینی خط فقر روشهای مختلفی را برای اندازه‌گیری می‌توان معرفی نمود که از این جمله می‌توان به روش میزان دریافت انرژی غذایی (F.E.I.) و روش هزینه نیازهای اساسی (C.B.N.) اشاره نمود.

#### ۹-۱- خط فقر ذهنی

محاسبه خط فقر ذهنی بر پایه این سؤال استوار است که حداقل درآمد لازم (M.I.Q) برای ادامه حیات چقدر می‌باشد. برای مثال از فرد پرسیده می‌شود بنظر شما چه سطحی از درآمد را به عنوان حداقل در نظر می‌گیرید. در واقع این سؤال آن سطحی از درآمد را جستجو می‌کند که فرد با کمتر از آن قادر به پاسخگویی به نیازهای خود نیست. بر این اساس از نظر فرد سؤال شونده هر فرد که درآمدش کمتر از حداقل درآمد باشد فقیر تلقی می‌شود. البته این روش ممکن است ما را به نتایج ناسازگاری رهنمون سازد، برای مثال با افراد با سطوح درآمد یکسان و یا با وضعیت رفاهی یکسان ممکن است برخوردهای حمایتی متفاوت صورت گیرد. برای محاسبه خط فقر ذهنی معمولاً حداقل درآمد مورد نیاز (MI) بر بعد خانوار و درآمد خانوار برآزش می‌شود. درآمد خانوار و بعد خانوار تأثیر مثبت بر «حداقل درآمد» دارند. به عبارت دیگر خانوارهای پر درآمد که به سطح زندگی بالاعادت دارند حداقل درآمد مورد نیازشان بیشتر از خانوارهای کم درآمد می‌باشد. با برآزش کردن حداقل درآمد مورد نیاز بر درآمد واقعی می‌توان خط فقر ذهنی اجتماعی را بدست آورد. این خط فقر در محل برخورد خط رگرسیون و نیمساز بدست می‌آید.

حداقل درآمد مورد نیاز



$$\ln MI = f(\ln y, \ln N)$$

درآمد خانوارهایی که سمت چپ A قرار دارند کمتر از حداقل مورد نیاز است و این خانوارها فقیر تلقی می‌شوند. از طرف دیگر خانوارهایی که درآمدها در سمت راست نقطه A قرار دارد بیشتر از حداقل درآمد مورد نیاز، درآمد دارند و به لحاظ اجتماعی فقیر می‌باشد، حتی اگر خود را فقیر در نظر بگیرند.

### ۱-۱۰- شاخص‌های وقوع فقر

در حالیکه فقر مفهومی وسیع‌تر از صرف نداشتن پول دارد، بروز کلی آن آنچنان که به روش سنتی اندازه‌گیری می‌شود اشاره به درصدی از مردم می‌کند که درآمد یا مصرف آنها زیر خط فقری است که برحسب شاخص‌های استاندارد زندگی بدست آمده است. این خط فقر ممکن است به روشهای مختلف زیر تعریف شود:



۱- روش نیازهای اساسی<sup>۱</sup>: در این روش فرض می‌شود که باید یک حداقلی از نیازهای خوراکی و غیرخوراکی تأمین شود. این سبب حداقل، حداقل سطح درآمد یا مصرف مورد نیاز را تأمین می‌کند.

۲- روش نسبت غذا<sup>۲</sup>: براساس این روش همواره یک نسبت ثابتی بین مخارج خوراکی و درآمد (سایر هزینه‌ها) برقرار است. این روش از الگوی هزینه‌های واقعی برای تعیین خط فقر و اجتناب از مشکلات تعیین حداقل نیازهای غذایی استفاده می‌کند.

۳- روش درصدی از میانه (میانگین) درآمد: این روش فقر را به صورت وضعیتی از محرومیت نسبی توصیف می‌کند. در این روش باید یک شاخص درآمدی مثل میانه یا نمای توزیع درآمد مشخص شود و سپس ۵۰ یا ۶۰ درصد اندازه میانه (نما) به عنوان خط فقر لحاظ شود.

۴- روش صدک: در این روش افراد برحسب درآمد رتبه‌بندی می‌شوند و برحسب کمترین صدک توزیع افراد فقیر شناسایی می‌شوند.

نکته قابل توجه این است که تعداد افراد فقیر و خط فقر به تنهایی نمی‌تواند الگوی فقر را توصیف کند زیرا به ازای خط فقر و تعداد فقیران مشابه در دو یا چند جامعه شدت فقر در این جوامع می‌تواند متفاوت باشد لذا برای درک اندازه فقر در هر جامعه شاخص‌هایی داریم که شدت فقر را نشان دهند. میزان نابرابری درآمد در بین افراد فقیر، متوسط درآمد افراد فقیر، اندازه خط فقر، تعداد کل فقیران و تعداد کل افراد جامعه از جمله مؤلفه‌هایی هستند که بر میزان شدت فقر تأثیر دارند و تفاوت هر یک از آنها موجب تفاوت در اندازه شدت فقر می‌شود. در این قسمت به برخی از شاخص‌های فقر که در این بررسی از آنها استفاده خواهد شد. ویژگی‌های این شاخص‌ها اشاره‌ای خواهیم داشت.

---

<sup>1</sup>Basic -Needs Approach

<sup>2</sup>Food -Ratio Approach

### ۱-۱۰-۱- شاخص نسبت افراد فقیر<sup>۱</sup>

ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین روش اندازه‌گیری شدت فقر، شاخص نسبت افراد فقیر است. این شاخص به صورت نسبت تعداد افراد فقیر به کل جامعه تعریف شده است. به این ترتیب:

$$H = q / n$$

که در آن  $q$  تعداد افراد فقیر و  $n$  تعداد کل افراد جامعه است.

این شاخص نشان می‌دهد که چه نسبتی از افراد زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اندازه این شاخص بین صفر (حالتی که هیچ تغییری در جامعه وجود نداشته باشد) و یک (حالتی که کلیه افراد در جامعه فقیر باشند یعنی درآمد کلیه افراد جامعه کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد) تغییر می‌کند. اشکال عمده این شاخص این است که افزایش یا کاهش میزان درآمد افراد فقیر و غیر فقیر جامعه مشروط بر آنکه موجب جابجایی افراد حول خط فقر نشود. هیچگونه تأثیری در اندازه شاخص نسبت افراد فقیر ندارد. در واقع اشکال این شاخص آن است که نسبت به انتقال درآمد بین فقیرها و حتی بین فقیرها و غیرفقیرها حساس نمی‌باشد و علاوه بر این شاخص نسبت به کاهش درآمد فقرا نیز حساس نمی‌باشد. اشکالات فوق، کاربرد این شاخص را محدود می‌نماید.

### ۱-۱۰-۲- شاخص نسبت شکاف درآمدی<sup>۲</sup>

این شاخص به صورت نسبت میانگین شکاف درآمدی افراد فقیر به خط فقر تعریف شده است. به این ترتیب:

$$I = \frac{1}{q} \sum_{i=1}^q (z - y_i) / z = (z - \bar{y}_p) / z = 1 - \bar{y}_p / z$$

که در آن  $I$  شاخص نسبت شکاف درآمدی،  $\bar{y}_p = \frac{1}{q} \sum_{i=1}^q y_i$  متوسط درآمد افراد فقیر

---

<sup>1</sup>Head- Count Ratio

<sup>2</sup> Income - Gap Ratio

$z$  خط فقر و  $z - y_i$  شکاف فقر

که شکاف فقر  $i$  امین فرد به صورت زیر تعریف می شود:

$$g_i = z - y_i, \quad i = 1, 2, \dots, q$$

و مجموع فقر بصورت زیر:

$$g = \sum_{i=1}^q g_i = \sum_{i=1}^q (z - y_i)$$

این شاخص برخلاف نسبت افراد فقیر تحت شرایطی نسبت به انتقال درآمد از یک فرد فقیر به فرد فقیر دیگر حساس نمی باشد.

چنانچه دو شاخص مذکور با همدیگر بکار برده شوند می توانند تصویر نسبتاً بهتری از فقر را ارائه دهند سن (۱۹۷۳) اشاره می کند که این دو شاخص، نابرابری درآمد بین افراد فقیر را نادیده می گیرند.

### ۳-۱۰-۱- شاخص فقر سن

«سن» در سال ۱۹۷۶ شاخص فقری ارائه داد که برپایه مفهوم رتبه‌ای رفاه قرار داشت. این شاخص محرومیت نسبی افراد فقیر را در مقابل سایر افراد جامعه در نظر می گیرد. وی اولین بار شاخص فقر را به صورت زیر ارائه کرد:

$$P = A \sum_{i=1}^q v_i g_i$$

که در آن  $v_i$  وزن شکاف فقر ( $g_i = z - y_i$ )  $i$  امین فرد فقیر و  $A$  جزء ثابت نرمال شده است که به  $n, q$  و  $z$  بستگی دارد. وی سپس دو اصل موضوعه زیر را پیشنهاد کرد:

اصل موضوعه<sup>1</sup> R: محرومیت نسبی رتبه‌بندی شده، وزن  $v_i$  در شاخص p ممکن است به عنوان رتبه درآمد فرد بین افراد فقیر در نظر گرفته شود.

$$v_i = i \quad (i = 1, 2, \dots, q)$$

اصل موضوعه A: محرومیت مطلق نرمال شده، اگر کلیه افراد فقیر درآمد یکسان  $\bar{y}_p$  را داشته باشند پس:

$$P = HI$$

این دو اصل ما را به نتیجه‌گیری زیر می‌رساند:

قضیه: تنها معیار فقری که دو اصل R و A را تأیید می‌کند توسط رابطه زیر تعیین می‌شود.

$$P = \frac{2}{(q+1)n_z} \sum_{i=1}^q (z - y_i)i$$

این شاخص را به شکل دیگری نیز می‌توان بدست آورد. اگر ضریب جینی درآمدهای افراد فقیر به شکل زیر نوشته شود:

$$G = 1 + \frac{1}{q} - \frac{2}{q \bar{y}_p} (y_1 + 2y_2 + 3y_3 + \dots + qy_q)$$

در این صورت خواهیم داشت:

$$P = H \left[ 1 - (1 - I) \left( 1 - \frac{Gq}{q+1} \right) \right]$$

اگر مقدار q به اندازه کافی زیاد باشد در این صورت  $\frac{q}{q+1} \cong 1$  و بنابراین:

<sup>1</sup> Axiom

$$P = H[I + (1 - I)G]$$

این شاخص فقر (p) به هر سه معیار I, H و G وابسته است.

اگر به جای I، مقدار  $1 - \bar{y}_p / z$  را جایگزین کنیم شکل دیگری از شاخص P بدست خواهد آمد:

$$P = H\left(1 - \frac{\bar{y}_p(1 - G)}{z}\right)$$

از ویژگیهای شاخص سن آن است که اندازه آن بین صفر (در حالتی که فرد فقیر در جامعه وجود نداشته باشد) و یک (در حالتی که درآمد کلیه افراد جامعه مساوی صفر باشد) تغییر می‌کند.

#### ۴-۱۰-۱- شاخص تاکایاما

تاکایاما به شاخص فقر سن دو اشکال گرفت و سعی کرد شاخص فقری ارائه کند که دارای این اشکالات نباشد. این دو اشکال عبارتند از:

۱- در شاخص سن ضرایب وزنی اختصاص یافته به شکاف فقر هر یک از افراد جامعه بر اساس رتبه‌بندی درآمد وی در «توزیع درآمد بریده»<sup>۱</sup> شده است و وجود افراد غیرفقیر در جامعه نادیده گرفته می‌شود در حالیکه فقر مشکل کل جامعه است. زیرا در صورتی که فقر را یک مفهوم نسبی از تفاوت درآمدها در نظر بگیریم هر فرد فقیر جامعه درآمد خود را تنها با درآمد افراد فقیر جامعه نمی‌سنجد بلکه درآمد افراد غیرفقیر را نیز در این ارزیابی در نظر می‌گیرد.

۲- در شاخص سن چنانچه میانگین درآمد جامعه را جایگزین درآمد متناظر با خط فقر و کل افراد جامعه را جایگزین افراد فقیر نمائیم، شاخص تقریباً به ضریب جینی تبدیل می‌شود. شاخص نابرابری درآمد حاصل از این جایگزینی در حالتیکه درآمد همه افراد جامعه مساوی باشد برابر با صفر می‌شود.

<sup>1</sup> Truncated Distribution

به این ترتیب تاکایاما مجموعه‌ای از اصلها را در نظر می‌گیرد که شاخص فقر ارائه شده توسط وی را تأیید کنند. وی شاخص نابرابر توزیع درآمد را به صورت کلی زیر فرض می‌کند.

$$T = B \sum_{i=1}^n v_i g_i + C$$

که در آن  $T$  شاخص نابرابری،  $B$  و  $C$  پارامترهای رابطه و  $v_i$  ضرایب وزنی غیرمنفی هستند. همانطور که رابطه فوق نشان می‌دهد اندازه نابرابری و درآمدی یک توزیع عبارت است از اندازه موزون کل شکاف درآمدی مربوط به همه افراد جامعه.

اصولی را که تاکایاما برای تعیین شاخص خود در نظر می‌گیرد عبارتند از:

**اصل اول:** ضریب وزنی  $v_i$  مربوط به شکاف درآمدی  $i$  امین فرد جامعه برابر است با رتبه این فرد در رتبه‌بندی رفاه فردی کل جامعه. به ترتیب  $v_i = n + 1 - i$  خواهد بود.

**اصل دوم:** زمانی که کلیه افراد جامعه درآمد یکسانی داشته باشند اندازه میزان نابرابری مساوی صفر خواهد شد ( $T=0$ ).

**اصل سوم:** در صورتی که کل درآمد جامعه به یک فرد از جامعه اختصاص داده شود و بقیه افراد جامعه هیچگونه درآمدی نداشته باشند اندازه میزان نابرابری از رابطه  $T = 1 - \frac{1}{n}$  بدست می‌آید.

تاکایاما اثبات می‌کند که شاخص نابرابری  $T$  همان ضریب جینی است و بر این اساس شاخص فقر خود را برپایه مفهوم «توزیع درآمد منقطع شده»<sup>۱</sup> ارائه می‌کند. وی با وجود این که اعتقاد دارد تغییرات درآمد افراد غیرفقیر نباید در اندازه شاخص فقر تغییری ایجاد کند ولی در عین حال بر این باور است که در تعیین شاخص فقر نمی‌توان وجود افراد غیرفقیر را نادیده گرفت. وی بردار درآمدی منقطع  $X^*(z)$  را به صورت زیر تعریف می‌کند.

---

<sup>1</sup> Censored Income Distribution

$$X^*(z) = (x_1^*, x_2^*, \dots, x_q^*, x_{q+1}^*, \dots, x_n^*)$$

از نظر تاکایاما، توزیع درآمد منقطع یک مفهوم بنیادین و کلیدی است که از طریق آن می‌توان از شاخص‌های نابرابری درآمدی برای اندازه‌گیری شدت فقر استفاده کرد. بر این اساس تاکایاما شاخص فقر خود را به صورت زیر ارائه می‌دهد:

$$T_a = D \sum_{IES(x_n^*)} v_i (\mu_z - x_i^*) + E$$

که در آن  $\mu_z$  میانگین درآمد کل افراد جامعه و  $D, E$  پارامترهای رابطه هستند.

#### ۵-۱۰-۱- شاخص فقر فاستر، گریر و توربک

دسته دیگری از شاخص‌های فقر که در سالهای اخیر کاربرد زیادی پیدا کرده است توسط فاستر، گریر و توربک پیشنهاد شده‌اند. این سه محقق روش خود را برای ارائه شاخص فقر بر این باور می‌گذارند که تجزیه‌پذیری از ویژگیهای مهم یک شاخص فقر مطلوب است. این گروه از شاخص‌ها (که با علامت FGT نمایش داده می‌شوند) بیانگر آن هستند که میزان فقر حاصل از بررسی زیر گروههای مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت. فاستر و همکاران وی شاخص فقر خود را بصورت زیر ارائه می‌دهند.

$$FGT = \frac{1}{nz} \sum_{i=1}^q g_i^z$$

این شاخص میزان فقر در جامعه را به صورت مجموع موزون (و نرمال شده) شکاف فقر افراد فقیر در نظر می‌گیرد که ضریب وزنی هر شکاف فقر همان شکاف فقر است. در نتیجه میزان محرومیت هر فرد فقیر تابعی از میزان شکاف فقر او است.

در ادامه بحث با توجه به مفاهیم نظری ارائه شده در این بخش، انواع خط فقر (سازگار با مفهوم مطلق و نسبی فقر) معرفی و محاسبه خواهند شد و علاوه بر این، شاخص‌های فقر همچون درصد افراد فقیر، شکاف درآمدی، شاخص سن برحسب تقسیم‌بندی‌های مختلف از خانوارهای ایرانی ارائه خواهد شد و همچنین سهم گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی از میزان فقر طی سالهای مورد مطالعه نیز برآورد می‌شود.



## فصل ۲

# مروری بر ادبیات فقر در ایران

### مقدمه

پیرامون فقر و توزیع درآمد مطالعات زیادی صورت گرفته است. قبل از انقلاب کارهای تجربی محدودی در این خصوص صورت گرفت که عمدتاً توسط کارشناسان سازمان برنامه، مرکز آمار ایران و بانک مرکزی و تعدادی از دانشگاهیان سازماندهی شده بودند. پس از انقلاب و بویژه بعد از اجرای برنامه تعدیل اقتصادی تعداد مطالعات تجربی پیرامون فقر، در موسسات تحقیقاتی دولتی و غیر دولتی و دانشگاهیان افزایش یافت.

در بعضی از این کارهای تجربی به فقر به عنوان یک معضل و آسیب اجتماعی و در برخی دیگر به عنوان یک پدیده اقتصادی توجه شده است. با بررسی مطالعات انجام شده توسط محققان مختلف در می یابیم که فقر یک پدیده چند وجهی است که مورد مطالعه اقتصاددانان، جامعه شناسان، متخصصین تغذیه و بهداشت، برنامه ریزان شهری و روستایی، متخصصین محیط زیست و... قرار گرفته است.

اقتصاددانان معضل فقر در ایران را از جنبه های مختلف و به روشهای متفاوت مورد بررسی قرار داده اند. در بعضی از این مطالعات خط فقر محاسبه شده و در بعضی دیگر خط فقر و درصد افراد فقیر ارزیابی شده است. در تعداد اندکی از مطالعات از جمله این مطالعه شاخص های فقر همچون شاخص سن، درصد فقیرها و شکاف فقر محاسبه شده است. مطالعات انجام شده پیرامون فقر در ایران نتایج متفاوتی را به همراه داشته است که خواننده عادی و ناآشنا به ادبیات فقر را دچار سردرگمی می کنند، در بعضی از مطالعات کمتر از ۱۸ درصد جامعه فقیر ارزیابی شده اند در

حالیکه در مطالعه دیگر و برای همان سال حدود ۷۰ درصد جامعه مورد نظر فقیر ارزیابی شده اند. علت این تفاوت در نتایج روش شناسی متفاوت آنها می باشد. در تعدادی از مطالعات خط فقر بر اساس مفهوم مطلق و در تعدادی دیگر بر پایه مفهوم نسبی محاسبه شده است. همچنین با بررسی مطالعات مختلف متوجه می شویم که بعضی از محققین از روشهای عینی و بعضی دیگر از روشهای ذهنی استفاده نموده اند. در تعدادی از مطالعات از شاخص های مبتنی بر رفاه استفاده شده و در تعدادی دیگر صرفاً به آمار مصرف توجه شده است. بعضی از پایان نامه های تحصیلی برای محاسبه خط فقر از معادلات تقاضا و بویژه مدل مخارج خطی استفاده نموده اند. در این فصل به تعدادی از مطالعات انجام شده پیرامون فقر در ایران اشاره می کنیم.

**اخوی (۱۳۷۵)** در مقاله‌ای پیرامون تغییرات فقر غذایی در طول برنامه اول توسعه تحت عنوان "آیا فقیران افزایش یافته‌اند؟" تغییرات فقر غذایی خانوارهای شهری و روستائی را طی برنامه اول توسعه با استفاده از شاخص‌ها و معیارهای متعدد بررسی نمود. برای اینکار، وی از داده‌های طرح آماري بودجه خانوار مرکز آمار استفاده نموده است.<sup>۱</sup>

وی اشاره می‌کند که سازمان ملل طی قطعنامه ۲۶۲۶ کسی را فقیر دانسته است "که از حداقل زندگی در شأن انسان محروم باشد". اما این حداقل چیست و آن شأن کدام، چیزی است نامعین و در هر تحقیق به سلیقه محقق بر می‌گردد و در برخی مواقع حدود و اجزاء آن با استفاده از استانداردها تعریف می‌شود. در این نوشتار «حداقل» را میزانی در نظر می‌گیرد که نیاز متعارف بدن به ۲۵۰۰ کالری از طریق ارزاترین، در دسترس‌ترین و ضمناً متعارف‌ترین انرژی یا ماده حاوی انرژی تأمین می‌گردد. وی در ابتدا فرض می‌کند که "اگر قرار باشد تمامی این میزان کالری از مصرف نان بدست آید" چه میزان فقیر وجود دارد. وی نتیجه می‌گیرد در صورتیکه کل ۲۵۰۰ کالری از محل نان تأمین گردد در جامعه شهری فقیر وجود نخواهد داشت. در ستاریوی

---

<sup>۱</sup> اخوی، احمد. «آیا فقیران افزایش یافته‌اند؟». تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. ۱۳۷۵. ص.

دیگر وی دو سبد مصرفی دیگر را در نظر می‌گیرد که اولاً حاوی مواد غذایی ارزانی باشند و علاوه بر این تا حد کمی تنوع را در بر داشته باشند، با محاسبه هزینه ریالی تأمین ۲۵۰۰ کالری از طریق این دو سبد به این نتیجه می‌رسند که در مناطق شهری هزینه سرانه این فرمول تعذیه ۲۴۸/۵ ریال در روز و ۹۰۷۰۳ ریال در سال است که چنانچه با هزینه سرانه گروههای درآمدی مقایسه شود حدود ۳۶/۵ درصد مردم فقیر خواهند بود. ثانیاً برای مناطق روستایی ارقام فوق برابر با ۲۰۲ ریال - روز، ۷۳۶۹۴ ریال - سال و ۳۱ درصد می‌باشد.

در سناریوی دیگر وی گوشت را تا حدی جانشین نان در نظر می‌گیرد بطوریکه مصرف گوشت نسبت به سناریوی قبل دو برابر گردد و سپس هزینه ریالی سبد جدید که تأمین کننده ۲۵۰۰ کالری انرژی است را محاسبه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند. که خط فقر شهر به ۱۳۱۲۱۸ ریال و جمعیت زیر خط فقر شهری به ۵۹/۶ درصد افزایش می‌یابد. همچنین جمعیت زیر خط فقر روستایی به ۵۸/۹ درصد افزایش می‌یابد. چنانکه دیدیم اندازه خط فقر نسبت به تعریف مورد استفاده حساس است. در مجموع وی با توجه به سناریوهای مختلف به این نتیجه می‌رسد که در طول برنامه اول درصد فقر کاهش یافته است.

پروین و زیدی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان "اثر سیاستهای تعدیل بر فقر و توزیع درآمد" با استفاده از اطلاعات آماری دوره (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) در چارچوب یک مدل تعادل عمومی (IS-LM) با استفاده از روش شبیه‌سازی توسط معیارهای مختلف، هفت گزینه بر مبنای اهداف برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران و سیاست جاری اقتصاد در دوره این برنامه را مد نظر قرار دادند.<sup>۱</sup> نتایج شبیه‌سازی حاکی از آن بود که:

۱- سیاست کاهش ارزش پول ملی بیشترین و سیاست افزایش مخارج دولت کمترین تأثیر را بر گسترش فقر و نابرابری دارد.

---

۱ پروین، سهیلا و زیدی، رضیه. «اثر سیاستهای تعدیل بر فقر و توزیع درآمد». مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۸، بهار و تابستان ۸۰. ص ۱۱۳-۱۴۶.

۲- تأخیر در اجرای سیاست‌های تعدیل، باعث افزایش نابرابری درآمد می‌گردد و سیاست‌های جاری دولت نسبت به اهداف برنامه، تأثیر کمتری بر افزایش نابرابری درآمد دارد.

۳- شاخص نسبت افراد فقیر و شکاف درآمدی نشان می‌دهد که تأخیر در اجرای سیاست‌های تعدیل در مقایسه با اجرای اهداف برنامه، به رغم بهبود در نابرابری توزیع درآمد، فقر را گسترش می‌دهد و اگر اهداف برنامه بطور کامل اجرا می‌شد، فقر بیشتر از زمان اجرای سیاست‌های جاری گسترش می‌یافت.

۴- شاخص‌های سن و فوستر، گریر، توربک به دلیل اینکه اثر توزیع درآمد و فقر را بطور همزمان در نظر می‌گیرند، دلالت بر آن داشتند که سیاست‌های جاری دولت نسبت به سیاست‌های برنامه تأثیر کمتری بر افزایش فقر دارد. تأخیر در اجرای سیاست‌های برنامه باعث کاهش فقر می‌شود.

نگارنده بیان می‌کند که در صورت اجرای کامل سیاست‌های پیش‌بینی شده در برنامه اول، نابرابری توزیع درآمد تا ۰/۳۳ تغییر می‌یافت.

حسن‌زاده (۷۳) در رساله تحقیقی خود بنام «اثرات تعدیل اقتصادی بر فقر» در سال ۷۲ به برآورد حجم فقر و محرومیت جامعه شهری براساس خط فقر تغذیه در طی دوره ۶۹-۱۳۶۲ پرداخت. نگارنده این رساله هدف از این پژوهش را «ارزیابی آثار سیاست کاهش ارزش ریال بر فقر تغذیه‌ای گروه‌های کم درآمد شهری» عنوان می‌کند.<sup>۱</sup>

وی در تحقیق خود «خط فقر مطلق» را مد نظر قرار داده و اظهار می‌دارد برای تعیین این خط فقر می‌توان از روش‌های زیر استفاده نمود:

۱- روش نیازهای اساسی (روش راونتری)<sup>۲</sup>

---

۱ حسن‌زاده، علی. «اثرات تعدیل اقتصاد بر فقر». پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی سال ۷۳-۷۲، استاد راهنما جمشید پژوهان. شماره پایان‌نامه ۲۴۷

<sup>۲</sup> Basic - Needs Approach (Rowntery Method)

۲- روش ارشانسکی<sup>۱</sup>

۳- روش نسبت مخارج غذا<sup>۲</sup>

همچنین برای تعیین خط فقر نسبی می‌توان به صورت درصد معینی از میانه ( یا میانگین ) درآمد جامعه و یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند تعریف کرد.

در این پژوهش، محقق با توجه به این که « شاخص‌های سطح تغذیه » را معیار مناسبی برای برآورد « حجم فقر مطلق » دانسته اقدام به برآورد حجم فقر و محرومیت براساس این شاخص نموده است.

نتایج برآورد حجم فقر و محرومیت در جامعه شهری در طی سالهای ۶۲ تا ۶۹ و براساس خط فقر تغذیه به شرح زیر می‌باشد:

۱- در این فاصله قریب به ۴۰ درصد از هزینه‌های خانوار شهری را مخارج خوراکی به خود اختصاص داده است ولی بسیاری از خانوارهای شهری قادر به تأمین کالری و پروتئین مصرفی خود در حد استاندارد نبوده‌اند.

۲- در طی این دوره بطور متوسط ۵۰ درصد از جمعیت شهری دچار کمبود مصرف کالری و ۲۰٪ جامعه دچار کمبود پروتئین بوده‌اند. به عبارت دیگر تقریباً ۶۰٪ از جامعه شهری در فقر ناشی از کمبود کالری و پروتئین بسر برده‌اند.

۳- نان بعنوان مهم‌ترین ماده در تأمین نیازهای غذایی شهرنشینان مطرح بوده است بطوری که حدوداً ۵۵ درصد از انرژی مصرفی و ۶۰ درصد از پروتئین مورد نیاز سرانه خانوارهای شهری را تأمین نموده است.

فاتحی ( ۱۳۷۵ ) در مقاله‌ای به نام « بررسی تعادل فقر از دیدگاه سیستمی » که در سال ۱۳۷۵ انتشار یافت به بحث « ثبات تعادل » و یا از لحاظ سیستمی « کاربرد باز خورد های

<sup>1</sup> Orshansky Method

<sup>2</sup> Food - Ratio Method

مثبت و منفی“ پرداخت.<sup>۱</sup> وی در این مقاله بطور خلاصه تئوریهای مهم اقتصاد فقر ( از جمله دایره بسته یا شوم نرکس، چرخه تراکم میردال، تئوری دام تعادل در سطح پائین، نظریه حداقل تلاش بحرانی لیبنشتاین و ایده تعادل فقر گالبرایت) را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. وی نتایج راهبردی زیر را بر مبنای تحلیل خود ارائه می کند:

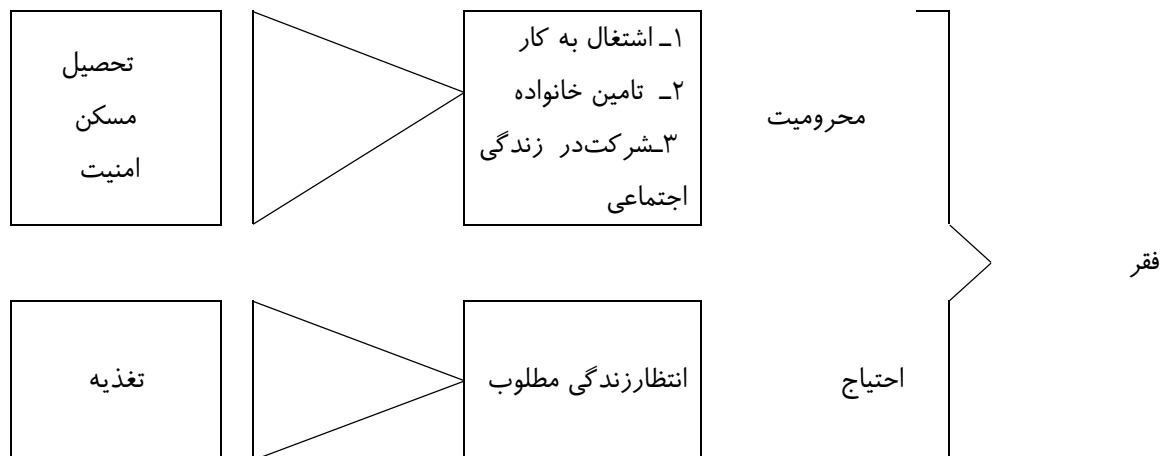
- ۱- برای بررسی مسئله فقر بایستی با یک دید سیستمی به این معضل نگریست.
  - ۲- تمام سیاست‌هایی که در جهت فقرزدایی اتخاذ می‌گردد بایستی توانایی انتقال از یک وضعیت تعادل سطح پائین درآمد به یک تعادل پایدار سطح بالای درآمد را داشته باشد.
  - ۳- برای شناخت نوع حرکت و گریز از دام فقر در جامعه، بررسی و شناخت نوع رفتار درآمد سرانه از قبیل انواع رفتارهای بی‌نظم، رفتارهای نوسانی و ... از جمله موارد الزامی می‌باشد.
- فطرس (۱۳۷۵)** در مقاله‌ای بنام «بررسی برخی عوامل ایجاد فقر در اقتصاد ایران» چارچوبی خاص برای طرح این مسئله ارائه کرد.<sup>۲</sup> به عقیده ایشان چون فقر پدیده‌ای چند بعدی است، درک و تبیین آن مستلزم بررسی «میان رشته‌ای» آن توسط کارشناسان علوم اجتماعی است.
- وی عوامل گوناگونی را در ایجاد و تشدید فقر مؤثر می‌داند. تشدید فشار تورم، قدرت خرید حقوق و دستمزد کارکنان و مستمری بگیران را کاهش می‌دهد و «فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر می‌کند». بحرانها و رکود اقتصادی بیکاری را دامن می‌زند و گروههای جدیدی را به زیر «خط فقر» می‌راند. عدم تعادل در مصرف بین گروهها و طبقات اجتماعی پدیده «احساس محرومیت» و فقر را دامن می‌زند.

---

۱ فاتحی، علی. «بررسی تعادل فقر از دیدگاه سیستمی». مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم). سازمان برنامه و بودجه ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۵. صفحه ۴۹-۶۲

۲ دکتر فطرس، محمد حسن. «بررسی برخی عوامل ایجاد فقر در اقتصاد ایران». مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم). سازمان برنامه و بودجه ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۵. صفحه ۳۵-۴۷

### ساختار فقر:



سپس «موضوع اشتغال و فقر» در اقتصاد در حال گذار ایران را مورد تحلیل قرار می‌دهد. وی معتقد است در اقتصاد ایران پدیده فقر از دو جهت، یکی رشد شدید تقاضا (بدلیل رشد جمعیت، بالا بودن بار تکفل، تغییر در الگوی مصرف) و دیگری ساختار تورم زای آن، به مسئله‌ای جدی تبدیل شده است.

وی در چارچوب این تحلیل (مسئله فقر از زاویه بیکاری) اشاره‌ای به دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ می‌کند که طی این دوره تغییرات سالانه جمعیت بیکار ۶/۵ درصد بوده است. نرخ بیکاری نیز از ۱۰/۲ درصد به ۱۴/۲ درصد رسیده که درصد تغییرات سالانه آن ۳/۵ درصد بوده است و اظهار می‌دارد که در حال حاضر «سالانه حدود یک میلیون نفر وارد بازار کار می‌شوند، در حالی که میزان اشتغال جدید ۳۰۰ هزار نفر است که این عدم اشتغال بیشتر از همه، خانوارهای فقیر را در بر گرفته است. وی با بررسی ارقام در طی این دوره به این نتیجه می‌رسد که «رابطه معکوس طبقات درآمدی و عدم اشتغال در هر دو منطقه روستایی و شهری وجود دارد.»

پژویان در زمینه محاسبه خط فقر مطالعات جامعی انجام داده است. او در گزارش خود ابتدا تعریفی از فرد فقیر ارائه کرده است. به نظر وی کسانی که قادر به فراهم نمودن نیازهای عادی

اساسی خود خصوصاً اولین نیاز (سلامت جسم و تغذیه مناسب) نباشند، فقیر محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup> در مرحله بعد هزینه لازم برای تامین سبد حداقل مواد غذایی ضروری که از سوی متخصصین و سازمانهای ذیصلاح بهداشتی و تغذیه‌ای ضروری تلقی می‌شود، محاسبه نمود. براساس نظر کارشناسان بهداشت و تغذیه، حداقل انرژی مورد نیاز هر فرد در روز ۲۲۰۹ کیلو کالری می‌باشد. بدین ترتیب، اگر اعضای خانوار نتوانند مقدار کالری مورد نیاز را از طریق مواد غذایی مصرف شده فراهم نمایند، فقیر محسوب می‌شوند. پژوهان با محاسبه ارزشهای غذایی دریافتی خانوارهای موجود در گروههای مختلف درآمدی و با توجه به مخارج این گروهها خط فقر ریالی را محاسبه نمود.

خط فقر در سال ۱۳۷۳ (مخارج سرانه سالانه به ریال)

مناطق	خط فقر
شهری	۴۸۱۹۹۵
روستایی	۳۶۶۵۵۸

**کاظمی (۸۰)** در مقاله‌ای با عنوان «اثرات پرداخت یارانه کالاهای اساسی بر فقر و شاخص‌های فقر» که در سال ۱۳۸۰ انتشار یافت، بررسی پرداخت یارانه و چگونگی تخصیص بهینه و همچنین محاسبه شاخص‌هایی مثل شدت فقر به شکاف فقر و شاخص کاکوانی برای مناطق شهری و روستایی پرداخت.<sup>۲</sup>

وی در این تحقیق به این نتیجه رسید که خط فقر سرانه شهری و روستایی در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است که اهم دلایل آن را در دو موضوع زیر بیان می‌کند:

۱- افزایش قیمت آزاد اکثر کالاهای اساسی

۲- افزایش قیمت کوپنی و تعادلی برخی از کالاهای اساسی

۱ اقتباس از رساله دکتر سعید صمدی با عنوان «کاهش فقر، کارایی و نابرابری در ایران». دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. شماره پایان‌نامه ۶۳۵، ۱۳۷۸. ص ۸۲

۲ سید کاظمی، مهدی. «اثرات پرداخت یارانه کالاهای اساسی بر فقر و شاخص‌های فقر». فصلنامه ناظر اقتصاد شماره ۳. تابستان ۸۰. ص ۱۳



وی در تحلیل شاخص کاکوانی به این نتیجه رسید که شاخص کاکوانی در شهرها (بعلت بالا بودن سطح درآمد در شهرها) کمتر از روستاها می‌باشد.

**اسلامی (۱۳۷۹)** در مقاله‌ای با عنوان «بررسی یارانه و خط فقر» به بررسی فقر، خط فقر و اثر حذف یارانه کالاهای اساسی پرداخت.<sup>۱</sup>

نگارنده در این مقاله بیان می‌کند که در شرایط کنونی، برخی پیشنهادها حکایت از حذف یارانه‌ها و پرداخت نقدی آن به اقشار آسیب‌پذیر دارد. باید توجه داشت که اگر چه ممکن است در مصرف انرژی، طبقات بالای درآمدی از یارانه بیشتری بهره‌مند شوند، ولی این امر در زمینه کالاهایی نظیر نان و شیر صدق نمی‌کند.

طبق این تحقیق خط فقر مطلق برای یک خانوار ۵ نفره در سال ۱۳۷۷ در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۹/۴ و ۵/۹ میلیون ریال بوده است. و با توجه به حجم نمونه و جامعه آماری کشور در همین سال افراد زیر خط فقر در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲۴/۵ و ۲۷/۹ درصد برآورد شده است. در سال ۱۳۷۷ مبلغ ۶۸۶۶ میلیارد ریال نیاز بوده تا افراد زیر خط فقر به بالای آن منتقل شوند. در صورتی که کل یارانه کالاهای اساسی غذایی برای این سال در حدود ۵۸۰۶ میلیارد ریال بوده است. این در حالی است که آثار حذف یارانه کالاهای اساسی بر افزایش قیمت آن‌ها مد نظر قرار نگرفته است و در صورت مدنظر قرار دادن این عامل، شکاف مذکور عمیق‌تر خواهد شد. لازم به ذکر است که در این مقاله، از معیارهای تامین کالری و پروتئین برای نیازهای انسان و با استفاده از کالری و پروتئین‌های موجود در کالاهای اساسی و قیمت کالاهای مذکور و همچنین ملحوظ کردن یارانه‌های پرداختی به کالاهای اساسی برای هر خانوار، خط فقر مطلق بدست آمده است.

**ملک (۱۳۷۸)** در مقاله‌ای با عنوان «اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل فقر و نابرابری» که در سال ۱۳۷۸ انتشار یافت با بیان مفهوم فقر و شیوه اندازه‌گیری آن به بررسی «درصد خانوارهای

---

۱ اسلامی، سیفا... «بررسی یارانه و خط فقر»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی (فصلنامه عملی - ترویجی) سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹، ص ۲۷-۵۰.

استفاده‌کننده از لوازم و تسهیلات بر مبنای هزینه خانوار در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۷۶» پرداخت.<sup>۱</sup>

وی بیان می‌کند در تجزیه و تحلیل فقر و نابرابری، خانوار واحد مناسب‌تری نسبت به فرد می‌باشد و درآمد و هزینه خانوار نماگر کاملاً مناسبی برای نشان دادن استاندارد زندگی می‌باشد. از دو خانوار با درآمد مساوی، خانواری که دارای دو عضو می‌باشد نسبت به خانواری با شش عضو، از استاندارد زندگی بهتری برخوردار می‌باشد. مقیاس اقتصادی می‌تواند از راه‌های متفاوتی ارزیابی شود. در ارزیابی که بوسیله مقیاس OECD که توسط سازمان آمار اروپا (EUROSTAT) بکار برده می‌شود، سرپرست خانوار وزن ۱ و دیگر اعضای بالغ خانوار (بالای ۱۴ سال) وزن ۰/۷ می‌گیرند و به اعضای زیر چهارده سال وزن ۰/۵ داده می‌شود.

نگارنده در ادامه بیان می‌کند در کشورهایی که خط فقر مطلق در آنها محاسبه نشده تنها راه ممکن، مطالعه فقر نسبی از دیدگاه «نماگرهای مادی» می‌باشد. وی در ادامه با تحلیل جدولی شامل ۲۶ قلم، خانوارهای استفاده‌کننده از این تسهیلات و لوازم را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کند. وی بیان می‌کند که ۱۶/۱ درصد از خانوارها دارای اتومبیل شخصی می‌باشند. حال آنکه فقط ۲/۵ درصد از خانوارهایی که هزینه آنها کمتر از نصف متوسط کل هزینه خانوارها می‌باشد (کمتر از ۸۵۸۰۰۰۰ ریال هزینه در سال دارای اتومبیل شخصی می‌باشند) و ۰/۴ درصد از خانوارهایی که متوسط هزینه آنها کمتر از  $\frac{1}{4}$  متوسط کل هزینه خانوارها (کمتر از ۴۲۹۰۰۰۰ ریال هزینه در سال) می‌باشد، دارای اتومبیل شخصی هستند، این بدین معنی است که خانوارهایی که دارای اتومبیل شخصی می‌باشند اکثراً خانوارهایی هستند که هزینه سالانه آنها از متوسط کل هزینه بیشتر و مخارج آنها بسیار بالا می‌باشد.

---

۱ ملک، فردریک. «اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل فقر و نابرابری». نشریه روند (تخصصی بانک مرکزی ج.ا.ا.)، شماره ۲۶ و ۲۷، سال

۱۳۷۸، ص ۹۶ - ۱۰۸

خانقاهی (۱۳۷۸) در مطالعه خود به نقل از گزارش توسعه انسانی سازمان ملل سال ۱۹۹۸، روش تعیین شاخص فقر را برای کشورهای صنعتی و در حال توسعه به شرح زیر بیان می‌کند.<sup>۱</sup> محاسبه شاخص فقر انسانی برای کشورهای در حال توسعه (HPI-1):  
 شاخص فقر انسانی در کشورهای در حال توسعه، محرومیت انسان‌ها را در ۳ زمینه اصلی زندگی مطالعه می‌کند:

۱- طول عمر ۲- دانش ۳- استاندارد زندگی مناسب

محرومیت اول در رابطه با احتمال بقاء و عواملی است که انسانها را در سنین کودکی عمر خود در معرض خطر مرگ و میر قرار می‌دهد. محرومیت دوم، ناتوانی در خواندن و نوشتن و از این طریق ارتباط با دیگران می‌باشد و محرومیت سوم مربوط به سطح زندگی مناسب است که بر حسب امکانات کلی اقتصادی ارزیابی می‌شود.

فرمول برآورد شاخص فقر انسانی در کشورهای در حال توسعه بشرح زیر است:

$$(HPI - 1) = \left[ \frac{1}{3}(P_{13} + P_{23} + P_{33}) \right]^{\frac{1}{3}}$$

$P_{13}$  = درصد مردمی که به آب سالم دسترسی ندارند

$P_{23}$  = درصد مردمی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند

$P_{33}$  = درصد کودکان کم‌وزن زیر ۵ سال (کودکانی که وزن آنها کمتر از وزن متعارف سن آنها

می‌باشد)

فرمول برآورد شاخص فقر انسانی در کشورهای صنعتی عبارت است از:

$$(HPI - 1) = \left[ \frac{1}{4}(P_{13} + P_{23} + P_{33} + P_{43}) \right]^{\frac{1}{4}}$$

$P_{13}$  = احتمال مرگ و میر تا سن ۶۰ سالگی

۱ خانقاهی، سیروس. «شاخص فقر انسانی HPI»، گزیده مطالب آماری تابستان ۷۸، شماره ۴۱، ص ۸۷ - ۹۶

$P_{23}$  = درصد مردمی (بین ۱۶ تا ۶۵ سال سن) که طبق تعریف EOCED عملاً بیسواد می‌باشند (محرومیت از دانش)

$P_{33}$  = درصد مردمی که زیر خط فقر درآمد زندگی می‌کنند. خط فقر یاد شده در سطح ۵۰ درصد میانه درآمد قابل تصرف تعریف می‌شود. (محرومیت از استاندارد زندگی مناسب)

$P_{43}$  = میزان بیکاری بلندمدت (۱۲ ماه و بیشتر) افراد بیکار از کل نیروی کار (عدم مداخله و مشارکت یا محرومیت اجتماعی)

«نیلی» در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه وضعیت رفاهی خانوارهای شهری در شروع و پایان برنامه اول» به بررسی تغییرات هزینه خانوار، میزان مصرف و نیز توزیع هزینه‌های مصرفی خانوارهای شهری در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ پرداخت.<sup>۱</sup>

وی در این مقاله نشان داد که یک خانوار شهری در سال ۱۳۷۲ در مقایسه با سال ۱۳۶۸ بطور متوسط از کالاها و خدمات مصرفی بهره‌مندتر شده و نیز توزیع هزینه‌های مصرفی در بین خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۱۳۶۸ متعادل‌تر گردیده است. همچنین از طریق مقایسه نرخ رشد هزینه‌های مصرفی و درآمد یک خانوار متوسط شهری نتیجه گرفت که این بهره‌مندی از رفاه بیشتر به قیمت «لطمه به منابع پس‌اندازی» جامعه صورت گرفته است. در این مقاله با استفاده از داده‌های خام بودجه خانوار شهری در سال ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ نشان داده شده که در دوره ۷۲-۱۳۶۸:

- ۱- متوسط هزینه خانوار به قیمت ثابت سالانه ۵/۹ درصد رشد کرده است.
- ۲- ضریب انگل از ۴۲/۳ درصد به ۳۱/۸ درصد تقلیل یافته است.
- ۳- متوسط فضای مسکونی سرانه از ۱۹/۶ مترمربع به ۲۰/۴ مترمربع افزایش یافته است.
- ۴- آهنگ رشد مصرف گروههای کم درآمد، تندتر از آهنگ رشد مصرف گروههای پردرآمد بوده است.

---

۱ نیلی، فرهاد. «مقایسه وضعیت رفاهی خانوارهای شهری در شروع و پایان برنامه اول، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم)، سازمان برنامه و بودجه ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۵. صفحه ۶۳-۷۴

۵- شکاف هزینه در اکثر گروههای درآمدی کاهش یافته و توزیع هزینه زندگی به وضعیت متعادلتر و منطقیتر تبدیل شده است. بخصوص در این دوره ضریب جینی هزینه سرانه از ۰/۴۳۶ به ۰/۴۰۷ تقلیل یافته است.

**خداداد** در مقاله‌ای با عنوان «اندازه‌گیری فقر در ایران بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها» که در سال ۱۳۷۷ انتشار یافت. اقدام به محاسبه شاخص فقر بر مبنای شاخص سن برای سالهای ۷۰-۱۳۶۴ نمود.<sup>۱</sup> در این مقاله اشاره می‌شود که سن با توجه به اصول متعارف، معیاری برای اندازه‌گیری رتبه‌ای فقر ارائه نمود که مجموعه این اصول متعارف یک مفهوم رتبه‌ای از رفاه را ارائه می‌دهند.

یافته‌های این مقاله دلالت بر آن دارد که در فاصله سالهای ۶۴ تا ۶۸:

۱- فقر در ایران افزایش یافته ولی پس از آن، رو به کاهش گذارده است. این گرایش در مناطق مختلف جغرافیایی، برای مشاغل مختلف، گروههای سنی مختلف و برای سطوح مختلف سواد مورد تأیید تجربی قرار گرفته است.

۲- اندازه فقر در جوامع شهری بیشتر از جوامع روستایی بوده است.

۳- در مناطق مختلف جغرافیایی، این بررسی نشان می‌دهد که بیشترین میزان فقر مربوط به استان‌های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و سیستان و بلوچستان است و استان‌های تهران، فارس و اصفهان در مقایسه با سایر مناطق کشور از فقر کمتری برخوردار می‌باشند.

۴- خانوارهایی که سرپرست آنها دارای مشاغل علمی، فنی و تخصصی است در مقایسه با سایر حرف، کمتر دچار فقر می‌باشند و بیشترین فقر مربوط به خانوارهایی است که شغل سرپرست آنها تحت عنوان «سایر مشاغل» طبقه‌بندی شده است. سایر مشاغل را شاید بتوان به بیکار و کارگران فصلی و افرادی که فاقد شغل معین می‌باشند، تعبیر نمود.

---

۱ خداداد کاشی، فرهاد. «اندازه‌گیری فقر در ایران بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص «سن» در ایران» پژوهشنامه بازرگانی، فصلنامه شماره ۸، پائیز ۱۳۷۷، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. ص ۶۱-۸۳

۵- بیشترین میزان فقر نزد خانوارهایی است که سرپرست آنها بی‌سواد می‌باشد.  
۶- به اعتبار سن سرپرست خانوارها مشخص شد که خانوارهایی که سن سرپرست آنها بیش از ۵۶ است در مقایسه با سایر گروههای سنی، فقیرتر می‌باشند، و در واقع شدت فقر نزد خانوارهایی که سرپرست آنها بازنشسته می‌باشد، شدیدتر است.

غلامی در رساله خود با عنوان «بررسی مقایسه‌ای فقر در مناطق شهری استان مازندران و کشور» اظهار می‌دارد: مطالعات جدی فقرشناسی در ایران را می‌توان به سال‌های بعد از ۱۳۵۱ نسبت داد. براساس مطالعه‌ای که در سالهای ۱۳۵۳-۵۴ توسط موسسه برنامه ریزی ایران به عمل آمد و نتایج آن در همان زمان منتشر شد حجم فقر بسیار قابل توجه بود. در سال ۵۱ مطالعه‌ای که روی حدود ۳۰ هزار «پرسشنامه» بودجه خانوار مرکز آمار ایران صورت گرفت نشان داد که چیزی در حدود ۴۶٪ از کل جمعیت کشور زیر «خط فقر معیشتی» زندگی می‌کردند.<sup>۱</sup>

غلامی در رساله خود «فقر ذهنی» را مورد توجه قرار داده و بوسیله مدل (LES) استون‌گری خط فقر را تخمین زده است. براساس برآوردهای بدست آمده، حداقل مخارج الزامی سالانه برای یک خانوار شهری با متوسط بعد خانوار ۴/۹ نفر در استان مازندران در سال ۱۳۶۹ معادل ۱۵۵۱۴۰۰ ریال یا ماهانه ۱۲۹۳۰ تومان بوده است که در سال ۱۳۷۵ به رقم ۶۳۱۱۸۴۰ ریال یعنی به حدود ۵۲۶۰۰ تومان در ماه برای خانواری با متوسط بعد ۴/۷ نفر رسیده است. یعنی رقم حداقل مخارج برای زیستن در جامعه شهری استان از ۱۲۹۳۰ تومان در ماه با رشدی معادل ۳۰۶ درصد به حدود ۵۲۶۰۰ تومان در سال ۷۵ رسید.

پروین (۱۳۷۲) در رساله دکتری خود با عنوان زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران ضمن مروری بر ادبیات فقر و توزیع درآمد، ساختار اقتصاد ایران را از دیدگاه فقر و توزیع درآمد بررسی می‌کند

---

۱ غلامی نتاج امیری، سعید. «بررسی مقایسه‌ای فقر در مناطق شهری استان مازندران و کشور» رساله مقطع کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۷. شماره پایان‌نامه ۵۵۷. دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

در این رساله توزیع درآمد و مصرف و همچنین تورم، توزیع درآمد و هزینه و آثار توزیعی مالیات مورد توجه قرار گرفته است. نتایج و یافته‌های این رساله عبارت است از:<sup>۱</sup>

۱- از عوامل موثر در توزیع نابرابر درآمد می‌توان به ساختار بازار کار و قوانین حاکم بر آن اشاره نمود. این عامل می‌تواند در قالب انتخاب شیوه مالکیت و نوع درآمد (سود بهره، اجاره یا دستمزد) در ایجاد و تشدید نابرابری تاثیر داشته باشد. شرایط توسعه اقتصادی نیز عامل دیگری است که در کیفیت توزیع درآمد نقش عمده دارد.

۲- بررسی توزیع درآمد و هزینه در ایران حکایت از گستردگی نابرابری در توزیع درآمد و هزینه دارد. برآوردها نشان داد که در سال ۱۳۶۸ ضریب جینی توزیع درآمد، بزرگتر از ضریب جینی توزیع هزینه می‌باشد بطوریکه بیش از ۴۰ درصد درآمد در اختیار ۱۰ درصد ثروتمندان و کمتر از ۴۵ درصد درآمد در اختیار ۸۰ درصد از جامعه می‌باشد. سهم ده درصد فقیر از کل درآمد، فقط ۱/۶ درصد است.

۳- در بعد توزیع هزینه نیز علی‌رغم اعمال سیاست‌های حمایتی هنوز شاخص نابرابری ارقام بزرگی را نشان می‌دهد. بطوریکه در سال ۶۸، تقریباً ۶/۵ درصد از هزینه کل مربوط به یک درصد ثروتمندان بوده است. در حالی که سهم بیست درصد قشر کم درآمد از هزینه کل، کمتر از ۵ درصد می‌باشد.

۴- از ویژگی طبقات کم درآمد، گستردگی تعداد خانوارهای بدون عضو شاغل و باسواد می‌باشد. بیش از ۱/۳ میلیون خانوار بدون عضو شاغل وجود دارد که تقریباً ۷۰ درصد از آنها در مناطق شهری سکونت دارند. شدت بیکاری نزد خانوارهای کم درآمد بسیار گسترده‌تر است، بطوریکه ۴۰ درصد از خانوارهای گروه اول (ده درصد فقیرترین) فاقد عضو شاغل هستند.

۵- حدود ۱۵ درصد از کل خانوارها فاقد عضو باسواد هستند. این نسبت در ده درصد خانوارهای فقیر، بیش از ۵۵ درصد است. گستردگی این خانوارها در مناطق روستایی بسیار بیشتر است.

---

۱ پروین، سهیلا. «زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران»، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس. سال ۱۳۷۲

نجم‌آبادی در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت تغذیه کودکان ۲ تا ۵ ساله روستاهای حومه بندرعباس و عوامل موثر بر آن» در یک مطالعه مقطعی - توصیفی - تحلیلی، ۲۹۷ کودک (۱۵۹ پسر و ۱۳۸ دختر) سنین ۲ تا ۵ سال را به طور تصادفی از جامعه موردنظر انتخاب نمود و، مورد ارزیابی قرار داد.<sup>۱</sup>

در این مطالعه با استفاده از روش تن سنجی / وضعیت تغذیه کودکان مورد ارزیابی قرار گرفت و مشاهده شد که ۷۴/۸ درصد کودکان مورد مطالعه دچار کمبود وزن برای سن (طبقه‌بندی گونر) و ۵۴/۱ درصد کودکان مورد بررسی دچار بازمندگی از رشد (طبقه‌بندی واترلو) و ۴۳/۱ درصد کودکان مورد مطالعه دچار از دست‌دهی وزن (طبقه‌بندی واترلو) بودند.

ارزیابی میزان هموگلوبین و هماتوکریت در کودکان، نشان داد که ۳۳ درصد کودکان دچار کم‌خونی بودند. اختلاف آماری معنی‌داری بین شیوع سوء تغذیه پروتئین - انرژی در دختران و پسران مشاهده شد و دختران بیش از پسران دچار سوء تغذیه پروتئین - انرژی بودند.

تفاوت آماری معنی‌داری بین وضعیت تغذیه‌ای کودکانی که پدرانشان در مشاغل مختلف (کارمند، کارگر، کشاورز و بیکار) بودند مشاهده گردید. کمترین میزان سوء تغذیه بین فرزندان که پدران آنها کارمند بودند و بیشترین میزان در بین فرزندان پدرهای بیکار مشاهده شد.

**حکمتی (۱۳۷۹)** در پایان‌نامه خود تحت‌عنوان برآورد خط فقر در مناطق شهری استان تهران و مقایسه تطبیقی آن با کل کشور و در راستای تعیین گستره فقر به برآورد خط فقر، از روش «خط فقر ذهنی» توجه نموده است.<sup>۲</sup>

وی در این پایان‌نامه به کمک سیستم مخارج خطی (LES) هزینه‌ای را که خانوارهای شهری به عنوان حداقلی از مخارج که تجربه کرده‌اند، بدست آورد. در این پایان‌نامه برای تخمین خط فقر از

---

۱ نجم‌آبادی، شهان‌دخت. «وضعیت تغذیه کودکان ۲ تا ۵ ساله روستاهای حومه بندرعباس و عوامل موثر بر آن». مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم)، سازمان برنامه و بودجه، اردیبهشت ۷۵. ص ۲۰۸-۱۹۹

۲ حکمتی فرید، صمد. «برآورد خط فقر در مناطق شهری استان تهران و مقایسه تطبیقی آن با کل کشور». دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره پایان‌نامه ۶۹۲. سال ۱۳۷۹



آمار مخارج سالهای ۶۹-۷۸ در ۸ گروه کالایی استفاده گردیده است و علاوه بر برآورد خط فقر، شاخص‌های دیگر همچون کشش‌ها و درصد خانوارهای زیرخط فقر نیز محاسبه شد. برآوردها نشان می‌دهند که خط فقر مناطق شهری کل کشور در سال ۱۳۷۸ برای هر خانوار با بعد ۴/۷۶ نفر، سالانه برابر ۱۶,۹۹۷,۹۳۲ ریال می‌باشد که بیانگر این مطلب است که ۵۳/۳۱ درصد خانوارها در این سال زیرخط فقر می‌باشند. قابل ذکر است که این رقم در استان تهران برای هر خانوار با بعد ۴/۲۸ نفر سالانه برابر ۲۴,۴۰۷,۷۷۹ ریال برآورد شده است.

آمار بدست آمده نشانگر این مطلب است که گروه «مسکن، سوخت و روشنایی» بالاترین سهم از خط فقر مناطق شهری را دارا می‌باشد به طوری که در سال ۱۳۷۸ در استان تهران و کل کشور سهم این گروه، از خط فقر به ترتیب برابر ۴۳/۶ و ۳۶/۳۱ درصد بوده است. نتایج محاسبات کشش‌ها نشان می‌دهد که در استان تهران و کل کشور دو گروه «خوراکی، آشامیدنی و دخانیات» و «مسکن، سوخت و روشنایی» ضروری‌ترین گروه‌های کالایی و گروه «حمل و نقل و ارتباطات» لوکس‌ترین گروه کالایی می‌باشند.

**اصغرزاده (۱۳۷۵)** در مقاله‌ای با نام نقش الگوی مناسب و متعادل مصرف خوراک در امحاء فقر شهری (فقرزدایی) با توجه به پیشنهادات موسسه تغذیه در خصوص میزان نیاز افراد به مواد مغذی در صدد تخمین نیاز غذایی یک خانوار ۵ نفری با ترکیب سنی و جمعیتی سال ۱۳۶۵ برآمد.<sup>۱</sup> وی با استفاده از اطلاعات ستاد بسیج اقتصادی و معاونت بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی هزینه تامین الگوی مناسب غذا را محاسبه نمود و از این روش به برآوردی از خط فقر رسید. در این مقاله حداقل نیاز خانوارها به گروه‌های غذایی همچون لبنیات، سبزی‌ها و میوه‌ها که تامین کننده اصلی مواد مغذی می‌باشند برآورد شد و سپس یک الگوی تغذیه‌ای پیشنهاد شد. وی با توجه به قیمت‌های فرودین ماه ۱۳۷۵ نتیجه می‌گیرد اگر فردی بخواهد از این الگوی تغذیه تبعیت را تبعیت کند بالغ بر ۴۷ هزار ریال نیاز دارد. حال اگر بعد خانوار را ۵ نفر در نظر بگیریم، خواهیم

<sup>۱</sup> اصغرزاده، عبدا... «نقش الگوی مناسب و متعادل مصرف خوراک در امحاء فقر شهری». تحلیل و بررسی اقتصادی فقر. دی ۱۳۷۵. ص

دید که یک خانوار برای داشتن چنین الگوی غذایی می‌باید بالغ بر ۲۳۰ هزار و ۵۰۰ ریال هزینه مواد خوراکی را تقبل نماید. در ادامه تحقیق، دوسناریوی دیگر را مطرح می‌کند یکی «جانشینی کالای گران با کالای هم‌گروه ارزان» و دوم «جانشینی کالای گران با کالای غیر هم‌گروه ارزان» و سپس هزینه این دو سناریو را نیز محاسبه می‌کند و در یک جمع‌بندی خط فقر را با این روش می‌سنجد.

**علافر (۱۳۷۵)** در مقاله‌ای با عنوان «مبارزه با فقر از طریق ایجاد اشتغال» که در سال ۱۳۷۵ انتشار یافت توجه ویژه‌ای به اشتغال سرپرست و افراد خانوار فاقد درآمد یا کم درآمد مبذول داشت.<sup>۱</sup>

نگارنده با پذیرش مفهوم فقر بعنوان مقوله‌ای کیفی و نسبی در قالب پائین بودن سطح درآمد خانوارها تا سطح زیرخط فقر و تأثیر بیکاری سرپرست یا افراد خانواده در کاهش درآمد خانوار، ایجاد اشتغال را بعنوان نمود عینی مبارزه با فقر قلمداد کرده است و بیان می‌کند که باید با شناخت صحیح چگونگی پراکندگی افراد کم‌درآمد جامعه شهری و روستایی راه‌کارهای مناسب اشتغال، متناسب با شرایط، مقتضیات و امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهر و روستا طراحی و ارائه گردد. برای این منظور در وهله نخست لازم است منشاء بیکاری مورد بررسی قرار گیرد و پس از آگاهی از کم و کیف بیکاری و انواع آن اعم از ساختاری، تکنولوژیکی، دائمی، فصلی، ادواری، پنهان و ... راههای برخورد با این پدیده جستجو گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

وی بخش کشاورزی و دامپروری را از جمله بخش‌های اقتصادی کشور می‌داند که توانایی ایجاد اشتغال را دارد و بیان می‌کند که برطبق تحقیقات صورت گرفته در سال ۷۰ تنها  $\frac{۱}{۳}$  زمین‌های قابل کشت ایران ( $\frac{۱۸}{۵}$  میلیون هکتار) زراعت شده و حدود  $\frac{۲}{۳}$  دیگر آن (۳۳ میلیون هکتار) بدون

---

<sup>۱</sup> علافر، الهه. «مبارزه با فقر از طریق ایجاد اشتغال». مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم). سازمان برنامه و بودجه. اردیبهشت ۷۵. ص ۲۳۷-۲۴۹

مصرف باقی مانده است. همچنین ۳۱ درصد از خاک ایران (یعنی ۵۰ میلیون هکتار) قابلیت احیاء شدن به زمین‌های کشاورزی را دارند.

وی در ادامه اشاره می‌کند که طبق آمار سال ۷۰، از ۱۴,۷۳۶,۷۰۴ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ۱۱/۱ درصد را بیکاران کل کشور تشکیل می‌دهند. این نسبت برای مناطق شهری ۱۰/۴ درصد و برای مناطق روستایی ۱۲/۱ درصد بوده است و یادآوری می‌کند که با توجه به استقرار صنایع بزرگ و کوچک در شهرها، مقوله آموزش فنی و حرفه‌ای از جایگاه خاصی برخوردار است. در پایان اشاره می‌کند که با ایجاد اشتغال و تأمین اعتبار مورد نیاز آن از طریق طراحی سیستم مالیاتی نوین و وضع قوانین خاص برای اخذ مالیات بیشتر از اقشار پردرآمد جامعه می‌توان در جهت رفع فقر و محرومیت گام‌های مهمی برداشت.

**دادش‌زاده (۱۳۶۹)** در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی ریشه فقر و آثار آن در ایران» بعد از اشاره به مفاهیم کلی در زمینه فقر به روشهای اندازه‌گیری فقر اشاره می‌کند.<sup>۱</sup> وی برای اندازه‌گیری فقر دو بعد را در نظر می‌گیرد. بعد اول، مرز فقر و بعد دوم تعیین عمق آن و بیان می‌کند که فقر را می‌توان هم از طریق شاخص واحد (مانند درآمد) و هم از طریق شاخص مضاعف اندازه‌گیری نمود. (منظور از شاخص‌های مضاعف همان شاخص سطح زندگی است که با استفاده از شاخص‌های اجتماعی بدست می‌آید). برای بررسی نابرابری به شاخص‌های توزیع درآمد از جمله منحنی لورنز، ضریب جینی و نسبت کوزنش و دهک‌ها اشاره می‌کند. در این تحقیق ضریب جینی کل کشور برای سال ۵۸ در حدود ۰/۵۱۲ و نسبت کوزنتش در همین سال ۰/۴۲۵ محاسبه شده است.

وی سپس به ریشه‌های عمده فقر در ایران اشاره می‌کند که عبارتند از:

۱- رکود شدید درآمد ملی و کاهش درآمد سرانه

۱-۱- کاهش سرمایه‌گذاری واقعی و تشکیل سرمایه

۱-۲- گسترش بی‌رویه بخش خدمات

---

<sup>۱</sup> دادش‌زاده، نوروز. «بررسی ریشه فقر و آثار آن در ایران». دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران مقطع کارشناسی ارشد شماره پایان‌نامه ۲۷۰ . سال ۱۳۶۹

۳-۱- گسترش حجم نقدینگی بخش خصوصی و تورم

۴-۱- تحولات سیاسی

۲- توزیع غیرعادلانه درآمد

۳- بیکاری

رحیمی (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان «ساختار بازرگانی و مقایسه تطبیقی خط فقر در کالاهای اساسی طی برنامه اول توسعه» ابتدا به عملکرد بازرگانی کالاهای اساسی خوراکی طی برنامه اول می‌پردازد، سپس میزان واردات کالاهای اساسی، شاخص قیمت این گروه کالاها در مناطق شهری و روستایی کشور، ساختار نظام سهمیه بندی و تغییرات آن میزان یارانه اختصاص یافته و میزان خود اتکایی کالاهای اساسی طی برنامه را مورد بررسی قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

وی در ادامه بیان می‌کند که بدلیل وجود تعاریف مختلف در مورد فقر می‌توان برآوردهای مختلف نیز از خط فقر انجام داد. برخی از این روش‌های برآورد عبارتند از:

۱- محاسبه خط فقر براساس حداقل معیشت

۲- محاسبه خط فقر براساس تأمین مواد غذایی در حد نرمال

۳- محاسبه خط فقر براساس کالری مورد نیاز روزانه

۴- برآورد خانوارهای آسیب‌پذیر براساس نماگرهای رفاه

وی در این مقاله به محاسبه خط فقر براساس «تأمین مواد غذایی» در حد نرمال پرداخته است و دلیل انتخاب این معیار را هماهنگ بودن آن با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بیان می‌کند.

در این تحقیق برای بررسی خط فقر ابتدا هزینه سالانه یک تغذیه نرمال برآورد شده و سپس این هزینه با هزینه خوراکی خانوارها در گروه‌های مختلف هزینه‌ای که توسط مرکز آمار ایران تهیه می‌گردد مقایسه شده است.

---

<sup>۱</sup> رحیمی، عباس. «ساختار بازرگانی و مقایسه تطبیقی خط فقر در کالاهای اساسی طی برنامه اول توسعه». بررسی و تحلیل اقتصادی فقر، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ۱۳۷۵، ص ۸۳-۱۰۶

روش محاسبه خط فقر بر مبنای تغذیه نرمال که در این مقاله استفاده شده است، ابتدا یک برنامه غذایی که تأمین کننده کالری مورد نیاز برای گروههای سنی مختلف می باشد را مشخص می کند (براساس پیشنهادات موسسات تحقیقاتی علوم تغذیه) سپس براساس این جیره غذایی نرمال و براساس قیمت های بازار، هزینه تغذیه خانوار مشخص می گردد. با محاسبات انجام شده در این تحقیق مشخص می شود که ۷۴/۳ درصد از خانوارهای شهری و ۷۵ درصد از خانوارهای روستایی فاقد توان مالی کافی برای تأمین تغذیه نرمال بوده اند. به عبارت دیگر بعبارتی در سال ۱۳۷۳ نسبت به سال ۱۳۶۸ حدود ۲۹/۳ درصد از خانوارهای شهری و ۲۳/۳ درصد از خانوارهای روستایی به جمعیتی که فاقد تهیه تغذیه نرمال بوده اند، افزوده شده است.

**حاجعلی (۱۳۷۳)** در مقاله «فقر و شناسایی ویژگی های خانوارهای زیر خط فقر» به محاسبه خط فقر اقدام نموده است.<sup>۱</sup> وی در گزارش خود اشاره می کند که باید در ابتدا یک سبد فرضی در نظر گرفته شود، که در آن نیازهای اساسی و اولیه یک خانوار تعریف گردد. پس از تعیین ارزش ریالی این سبد کلیه خانوارهایی که کمتر از این میزان هزینه می کنند فقیر محسوب می شوند.

در گزارش وی سبد فرضی شامل سبدهای است که در آن برای هر فرد روزانه ۲۲۰۹ کالری انرژی، ۳۸ گرم پروتئین، ۵۰۰ میلی گرم کلسیم و ۱۴/۷ میلی گرم آهن وجود داشته باشد. در مرحله بعد هزینه های مصرفی ۴۰ قلم از کالاها که می تواند در تأمین سبد مذکور مورد استفاده خانوار قرار گیرند برآورد و با استفاده از آن خط فقر تخمین زده شده است و بر این مبنا خط فقر در سال ۱۳۷۳ برحسب اقلام تشکیل دهنده (مخارج سرانه سالانه به ریال) برآورد شده است.

اقلام	متوسط هزینه کل (خط فقر)	متوسط هزینه خوراکی و دخانی	متوسط هزینه تفریحات	متوسط هزینه بهداشت	و ...
شهری	۴۸۱,۸۲۰	۲۰۸,۸۵۰	۱۰,۴۰۸	۱۵,۷۸۳	
روستایی	۳۶۶,۵۵۷	۲۰۹,۰۳۲	۶,۷۲۶	۱۲,۵۲۵	

<sup>۱</sup> برگرفته شده از رساله دکتری سعید صمدی با عنوان «کاهش فقر، کارایی و برابری در ایران». دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. شماره پایان نامه ۶۳۵، ۱۳۷۸. ص ۸۴

**نوروزی و صمیمی** در تحقیقی بنام «ارزیابی الگوی مصرفی مواد غذایی» که در سال ۱۳۷۵ انتشار یافت وضعیت مصرفی در طی برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸) را مورد بررسی قرار دادند و براساس آن دورنمای برنامه دوم عمرانی کشور براساس ترازنامه غذایی را ارائه کردند.<sup>۱</sup>

نتایج این بررسی در طی دوره ۷۲-۶۸ (برنامه اول) نشان می‌دهد که:

ارزش کالریک غذایی در ایران در آغاز برنامه اول (۱۳۶۸) معادل ۲۹۸۷ کالری بود که طی مدت ۵ سال به ۳۲۲۷ کالری در سال ۱۳۷۲ رسید و از رشدی معادل ۳ درصد برخوردار بود که با توجه به برآورد نیاز سرانه در کشور عرضه غذا در سال ۱۳۶۸ معادل ۱۳۰ درصد نیاز بود که در سال ۱۳۷۲ به ۱۴۵ درصد افزایش یافت.

بیشترین دریافت انرژی عمدتاً از فرآورده‌های گیاهی با منشاء زراعی بوده است و فرآورده‌های حیوانی سهم اندکی را در انرژی دریافتی (حدود ۱۰ درصد) بخود اختصاص داده بودند. ضمناً پروتئین موجود در عرضه سرانه غذا در سال ۱۳۶۸ معادل ۷۶/۸ گرم بود. که در سال ۱۳۷۲ به ۸۵/۲ گرم افزایش یافت. از این مقدار ۶۴/۴ گرم آن با منشاء گیاهی و حدود ۲۱ گرم ( $\frac{1}{4}$ ) با منشاء حیوانی بوده است. طی دوره مورد بررسی مصرف غلات، حبوبات، میوه و سبزی، سیب‌زمینی، قند و شکر، روغن نباتی و لبنیات، گوشت سفید و تخم‌مرغ افزایش یافته و مصرف گوشت قرمز از کاهش مختصری برخوردار بوده است.

با توجه به این بررسی ارزیابی روند عرضه سرانه مواد غذایی به کمک ترازنامه غذایی در برنامه دوم نشان می‌دهد که در صورت تحقق برنامه‌های مصوب، عرضه سرانه گندم و برنج از روند کاهشی و حبوبات، سبزی و میوه، روغن نباتی و قند و شکر از روند افزایش برخوردار خواهند بود.

انرژی و پروتئین سرانه در پایان برنامه در مقایسه با وضع موجود تقریباً ثابت مانده، لیکن سهم مواد حیوانی در تأمین انرژی و پروتئین افزایش یافته است.

---

<sup>۱</sup> نوروزی، فرح‌آرا و صمیمی، بیتا. ارزیابی وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی در برنامه اول و دورنمای آن در برنامه دوم عمرانی کشور، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم)، سازمان برنامه و بودجه، اردیبهشت ۷۵. ص ۱۶۱-۱۷۹

بررسی کیفی الگوی مصرف مواد غذایی در دوران برنامه نشان می‌دهد که کربوهیدرات حدود ۱/۷ درصد کاهش، چربی حدود ۱/۴ درصد افزایش و پروتئین حدود ۰/۳ درصد افزایش یافته است.

در طی سالهای ۱۳۷۴-۷۸ تغییرات منبع دریافت انرژی به سمت افزایش مصرف حبوبات، سیب‌زمینی، روغن‌نباتی، قند و شکر، میوه، مرغ و تخم‌مرغ، ماهی و شیر و کاهش مصرف گندم و برنج می‌باشد.

**کازرونی** در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر اندازه و منشاء فقر و سیاست‌های فقرزدایی در ایران» که در سال ۱۳۷۵ انتشار یافت به بررسی روش اندازه‌گیری خط فقر، عوامل مؤثر بر شدت فقر و سیاست‌های فقرزدایی در ایران پرداخت.<sup>۱</sup>

در این مقاله روند «شدت فقر» در ایران از طریق سه شاخص نابرابری ضریب جینی، درآمد سرانه واقعی و کسری بودجه خانوارها در بعد از انقلاب مورد تحلیل قرار گرفته که تمام این شاخص‌ها بر گستردگی و شدت فقر در اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد دلالت می‌کنند.

در این مقاله خط فقر بصورت زیر تعریف شده است:

«خط فقر مقدار درآمدی است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مورد بررسی، برای تامین حداقل نیازهای ضروری افراد مانند غذا، پوشاک و مسکن لازم است». این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی گویند.

وی در مورد چگونگی محاسبه خط فقر می‌گوید، نخستین قدم برای این منظور محاسبه حداقل هزینه یک رژیم غذایی (FC) می‌باشد که جوابگوی استاندارد تغذیه‌ای باشد، در مرحله دوم لازم است تا تخمین نسبتی از درآمد (FR) را که خانوارهای با ابعاد گوناگون بر روی غذا صرف می‌کنند بدست آوریم. آنگاه خط فقر (PL) از حاصلضرب معکوس نسبت فوق در هزینه رژیم غذایی بدست می‌آید.

---

<sup>۱</sup> دکتر کازرونی، علیرضا. «تحلیلی بر اندازه‌گیری و منشاء فقر و سیاست‌های فقرزدایی در ایران»، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم)، سازمان برنامه و بودجه، اردیبهشت ۷۵. ص ۲۰۹-۲۲۳

$$PL = \frac{FC}{FR}$$

پیشنهاداتی که نگارنده این مقاله با اعتقاد بر اینکه سیاست‌های همه‌جانبه دولت در جهت فقرزدایی الزامی است، ارائه می‌کند عبارتند از:

الف) یکی از سیاست‌های دولت در این زمینه تغییر سوبسیدهای پنهان به سوبسیدهای مستقیم برای خانوارهای زیرخط فقر می‌باشد.

ب) یکی دیگر از سیاست‌ها، افزایش سطح اشتغال و بالا بردن بهره‌وری نیروی کار است.

ج) تثبیت سطح قیمت‌ها قدمی در جهت حفظ قدرت خرید قشر فقیر محسوب می‌شود.

د) دولت می‌تواند سوبسید را با مالیات سنگین بر اغنیا و یا با اتکا به درآمدهای نفتی تامین کرده و قدرت خریدی را به طبقه فقیر انتقال دهد. بنابراین سوبسید در کوتاه مدت ابزار مفیدی بوده ولی در بلندمدت باید با اصلاح بازار کار، سیاست‌های اشتغال کامل و افزایش بهره‌وری، درآمد اولیه افراد فقیر را افزایش داد.

میرخانی در مقاله‌ای با عنوان «فقر و معلولیت» که در سال ۱۳۷۵ انتشار یافت رابطه فقر و معلولیت و تأثیر و تأثر متقابل این دو مفهوم بر یکدیگر و آثار و نتایج ناشی از وجود هر کدام در ایجاد دیگری چه از نظر شدت و گستردگی و چه از لحاظ کاهش و محدودیت بررسی نمود.<sup>۱</sup> وی اشاره می‌کند که براساس آمارهای جهانی، معلولان در جامعه جهانی حتی بیش از ۱۰ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. بانک جهانی بنابر یک برآورد، حدود ۱/۲ میلیارد نفر از جمعیت دنیا را به علت مصرف کمتر از یک دلار در روز فقیر دانسته است که از این جمعیت ۲۰۰ میلیون نفر آن را افرادی با معلولیت‌های شدید و متوسط تشکیل می‌دهند. بنابراین از ۶ فقیر یک نفر آنها دارای معلولیت‌های شدید و متوسط هستند.

<sup>۱</sup> میرخانی، سید مجید. «فقر و معلولیت». مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم)، سازمان برنامه و بودجه.



نگارنده معتقد است که معلولیت در اکثریت نزدیک به اتفاق موارد به فقر و محرومیت می‌انجامد و یا حداقل می‌توان فرجام غالب معلولین را زندگی در حاشیه و پیرامون خط فقر پیش‌بینی کرد و بیان می‌کند که شاید به دلیل وجود این رابطه یا چرخهٔ شوم بین فقر و معلولیت و نقش ایجاد و تشدید کنندگی هر یک در مورد دیگری است که در دنیای کنونی، معلولین و معلولیت‌ها را در سطح موضوعی جهانی و متعلق به جامعه بشری مورد مطالعه و دقت قرار می‌دهند.

نویسنده مقاله اظهار می‌دارد برای مقابله و رویارویی با ابعاد اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی فقر ناشی از معلولیت و معلولیت‌های ناشی از فقر باید اقدامات ضروری در نظر گرفت. نگارنده در پایان پیشنهادهایی در قالب ۲ برنامه «کوتاه مدت» و «میان مدت و بلندمدت» ارائه می‌کند.

صمدی در رساله دکتری خود (۱۳۷۸) ابتدا به مسأله فقر و ضرورت توجه به سیاست‌های کاهش فقر و پس از آن به ادبیات فقر در اندیشه‌های اقتصادی، از دورهٔ اقتصاددانان کلاسیک تا پایان دههٔ ۱۹۹۰ پرداخته است.<sup>۱</sup> در بخش‌های بعدی ارتباطات متقابل بین دو مؤلفه کارایی و برابری به عنوان عناصر اصلی تعیین‌کننده شدت فقر در جوامع تحلیل شده است. نتیجه حاصل از این بخش، مشخص شدن عدم وجود بده‌بستان معنادار بین دو مقوله کارایی و برابری در اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۵ است. در ادامهٔ کار، گسترهٔ فقر در ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی برآورد شده است. مدل اصلی مورد استفاده، الگوی سیستم مخارج خطی (LES) بوده که در این راستا خط فقر، درصد جمعیت فقیر و شاخص‌هایی نظیر شکاف فقر و نسبت شکاف درآمدی، به تفکیک مناطق شهری و روستایی برآورد شده است.

وی روش‌های اندازه‌گیری فقر در مطالعات اقتصادی را به دو بخش تقسیم می‌کند:

۱- معیارهای متکی بر مصرف

---

<sup>۱</sup> صمدی، سعید. «کاهش فقر، کارایی و برابری در ایران»، رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. ۱۳۷۸

۲- معیارهای مبتنی بر شاخص‌های رفاه

معیار متکی بر مصرف به ۳ موضوع توجه دارد.

الف - مطالعات بودجه خانوار

ب - اندازه‌گیری فقر (که در راستای تعیین خط فقر به ملاک‌های زیستی، ملاک‌های درآمدی و

... توجه می‌کند)

ج - معیارهای اندازه‌گیری فقر: درصد افراد فقیر، شکاف فقر، نسبت شکاف درآمدی

(PG) Poverty gap و I نسبت شکاف درآمدی)

۱-۲- معیارهای مبتنی بر شاخص رفاه عبارتند از:

الف - شاخص توسعه انسانی: این معیار توسط UNDP محاسبه شده و ترکیبی از ۳ جزء اساسی

توسعه انسانی یعنی طول عمر، آگاهی‌های جامعه و استاندارد زندگی می‌باشد. طول عمر از طریق

امید به زندگی محاسبه می‌شود. آگاهی‌های جامعه بوسیله ترکیبی از نرخ باسوادی بزرگسالان (با

وزن  $\frac{2}{3}$ ) و متوسط سالهای مدرسه رفتن با سوادان (با وزن  $\frac{1}{3}$ ) محاسبه می‌شود. استاندارد زندگی

از طریق برابری قدرت خرید بر مبنای GDP واقعی سرانه تعدیل شده است.

ب - شاخص فقر سن:

$$P = H[I + (1-I)GP]$$

صمدی برای سنجش خط فقر بر تخمین تابع تقاضای خانوار براساس (LES) تاکید دارد و خط

فقر را با استفاده از پارامترهای تخمین‌زده شده در تابع تقاضا استخراج کرد. وی برای این کار

مراحل زیر را به منظور دستیابی به مقدار کمی خط فقر طی کرد.

۱- انتخاب تابع مطلوبیت ۲- تعیین تابع تقاضا ۳- برآورد پارامترهای تابع تقاضا

صمدی برای تخمین تابع تقاضا از تابع مطلوبیت، «استون - گری» استفاده کرد.

خط فقر شهری ماهانه (تومان)		
هزینه ضروری خوراکی	خط فقر	سال
۱۷۷۰	۴۰۱۴	۶۱ و ....
۲۵۹۱۳	۶۰۳۷۴	۷۵
۲۹۵۱۵	۷۱۳۶۱	۷۶

خط فقر در مناطق شهری سالانه (ریال)		
هزینه ضروری خوراک	خط فقر	سال
۲۱۲۴۰۸	۴۸۱۷۲۸	۶۱ و ....
۳۱۰۹۵۰۱	۷۲۴۴۸۷۰	۷۵
۳۵۴۱۸۰۹	۸۵۶۳۳۰۵	۷۶

وی نتیجه گرفت که خط فقر در مناطق روستایی حدوداً ۴۰ درصد پائین از خط فقر در مناطق شهری است.

**کشاورز حداد (۱۳۷۹)** در مقاله‌ای با عنوان «گستره و عمق فقر در استان سیستان و بلوچستان»

که در سال ۷۹ انتشار یافت به سنجش خط فقر این استان طی دوره ۷۶-۱۳۶۳ مبادرت ورزید.<sup>۱</sup> در این تحقیق با استفاده از آمار بودجه خانوار و شاخص قیمت ابتدا گستره و سپس عمق فقر در مناطق شهری و روستایی استان برآورد گردیده است.

این محقق مشابه صمدی برای سنجش خط فقر کاربرد «سیستم مخارج خطی استون - گری» را مناسب دانسته است و با استفاده از این روش خط فقر و فقر مطلق را محاسبه کرده است. نتایج این تحقیق:

۱- در سال ۱۳۷۵ جمعیت مناطق شهری استان ۷۹۴,۵۳۰ نفر بوده است و خط فقر محاسبه شده برای یکسال یک فرد شاخص معادل ۱,۴۳۱,۸۰۲ ریال محاسبه شد. بدین ترتیب در سال موردنظر ۷۲/۱ درصد جمعیت و ۵۷۲۸۵۶ نفر فقیر تلقی می‌شوند.

۲- در سال ۱۳۷۵ کل جمعیت مناطق روستایی ساکن و غیرساکن ۹۲۸,۰۵۱ نفر بوده است. در همین سال خط فقر برای تامین هزینه‌های یکسال یک فرد شاخص ۸۲۷,۷۱۷ ریال و جمعیت فقیر

<sup>۱</sup> کشاورز حداد، غلامرضا. «گستره و عمق فقر در سیستان و بلوچستان»، مجموعه مقالات همایش شناخت استعدادهای بازرگانی - اقتصادی سازمان برنامه و بودجه، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۲۴۳-۲۸۴.

۶۸/۳ درصد و تعداد افراد فقیر ۶۳۳,۸۵۹ نفر می‌باشد. با استفاده از این اطلاعات می‌توان بودجه لازم برای حذف کامل فقر در مناطق روستایی را مبلغ یازده میلیارد و ششصد و هفتاد و دو میلیون تومان برآورد نمود.

۳- در طول سالهای ۱۳۶۳-۷۶ کمترین میزان نابرابری (براساس ضریب جینی) مربوط به سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ است که ضریب جینی در مناطق شهری به ترتیب برابر ۰/۳۱۲ و ۰/۳۵۴ بوده است و بیشترین میزان نابرابری مربوط به سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۸ با ضریب جینی به ترتیب برابر ۰/۵۰۸ و ۰/۵۱۳ است. که نشان دهنده عمق فقر مناطق شهری در استان نسبت به میانگین مناطق شهری کل کشور می‌باشد.

**تقوی (۱۳۷۷)** در مقاله‌ای با عنوان «فقر از نگاه اسلام» که در سال ۱۳۷۵ انتشار یافت به بررسی معانی فقر و انواع فقر و عوارض فقر از نگاه اسلام پرداخت. وی بیان می‌کند که ریشه‌های فقر اقتصادی را باید در بسیاری از موارد در «فقر فرهنگی» جستجو کرد، در حقیقت انسان‌ها ابتدا مبتلا به فقر فرهنگی می‌شوند و سپس فقر اقتصادی زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

**صمیمی و جزایری (۱۳۷۱)** در مقاله‌ای با عنوان «بررسی الگوی مصرف مواد غذایی در گروه‌های کم‌درآمد شهری و روستایی در سال ۱۳۷۱ و مقایسه با یک الگوی پیشنهادی مصرف خوراک» که در سال ۱۳۷۵ انتشار یافت به بررسی الگوی مصرف مواد غذایی گروه‌های کم‌درآمد شهری و روستایی در سال ۱۳۷۱ پرداختند.<sup>۲</sup> این مطالعه بر پایه داده‌های طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران انجام شده است. به منظور انجام این بررسی، ابتدا متوسط مصرف سرانه انواع مواد خوراکی به گرم در روز برای مناطق شهری و روستایی به تفکیک گروه‌های هزینه در سال ۱۳۷۱ محاسبه شد. سپس متوسط مقدار مصرف

---

۱ تقوی، سیدرضا. «فقر از نگاه اسلام». مجموعه مقالات گردهمایی بررسی فقر و فقرزدایی (جلد دوم)، سازمان برنامه و بودجه، اردیبهشت ۷۵. ص ۱۳-۳۴

۲ جزایری، ابوالقاسم و صمیمی، بیتا. «بررسی الگوی مصرف مواد غذایی در گروه‌های کم‌درآمد شهری و روستایی در سال ۱۳۷۱ و مقایسه با یک الگوی پیشنهادی مصرف خوراک»، مجموعه مقالات فقر و فقرزدایی (جلد دوم) برنامه و بودجه، ۱۳۷۵. ص ۱۸۱-۱۹۷

سرانه انرژی و مواد مغذی در هر یک از گروههای هزینه محاسبه و با حداقل نیاز مقایسه گردیده و در مرحله بعد یک الگوی متعادل مصرف خوراک و تأمین کننده حداقل نیاز سرانه پیشنهاد شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۱، در مناطق شهری ۳۰ درصد پائین گروههای هزینه‌ای از نظر دریافت انرژی و کلسیم، ۱۵ درصد از نظر ویتامین A و ۷۳ درصد از نظر ریوفلاوین دچار کمبود بوده‌اند. به همین ترتیب در مناطق روستایی ۳۳ درصد پائین گروههای هزینه‌ای از نظر دریافت انرژی و کلسیم، ۲۴ درصد از نظر دریافت پروتئین، حدود ۵۰ درصد از نظر ویتامین A و ۸۲ درصد از نظر ریوفلاوین دچار کمبود بوده‌اند.

دینی (۱۳۷۱) در پایان‌نامه تحصیلی خود تحت‌عنوان تأثیر حذف سوبسید کالاهای اساسی بر میزان فقر مطلق بدنبال آن بود که تأثیر حذف سوبسید بر وضعیت فقر را نشان دهد.<sup>۱</sup> در این تحقیق توابع تقاضا کالاهای اساسی (نان، برنج، گوشت قرمز، روغن نباتی و قند و شکر) برآورد شده است تا از کشش‌های قیمتی و درآمدی جهت پیش‌بینی میزان مصرف و قیمت‌ها استفاده شود. وی با مبنا قرار دادن «فقر مطلق» و متناظر دانستن آن با «عدم تأمین نیازهای اساسی» از معیار «تغذیه» نرمال جهت برآورد یک شاخص کمی استفاده نمود. وی میزان فقر را در شرایط عدم حذف سوبسید و پس از حذف سوبسید برآورد کرده است. نتیجه محاسبات انجام شده این تحقیق نشان می‌دهد که درصد فقر مطلق در هر دو جامعه شهری و روستایی از سال ۱۳۶۸ به بعد رو به افزایش بوده است، یعنی از ۳۷ درصد در سال ۶۸ در جامعه روستایی به ۵۱ درصد در سال ۷۱، افزایش پیدا کرده است و اما چنانچه سوبسید کالاهای اساسی حذف گردد در این صورت با توجه به اطلاعات سال ۶۹ و تعدیل آن برای سال ۷۱ درصد فقر مطلق در جامعه شهری به حدود ۸۱ درصد و در جامعه روستایی به حدود ۷۶ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر چنین اقدامی درصد فقر در جامعه شهری را حدود ۲۴ درصد و در جامعه روستایی در حدود ۲۵ درصد افزایش می‌دهد.

<sup>۱</sup> دینی ترکمانی. علی. رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره پایان‌نامه ۳۴۵. سال ۱۳۷۱

وی در این تحقیق با توجه به هزینه لازم برای تامین تغذیه نرمال ۵ قلم کالای اساسی مورد مطالعه (گوشت قرمز، نان، روغن نباتی، برنج، قند و شکر) خط فقر را برآورد کرده و سپس با توجه به رابطه مخارج خوراک و بویژه کالاهای اساسی خوراکی با کل مخارج خوراکی و غیرخوراکی خط فقر کلی را محاسبه نموده است.

دینی (۱۳۷۵) در مقاله «بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران» به بررسی فقر غذایی براساس معیار «تغذیه نرمال» می‌پردازد.<sup>۱</sup> در این بررسی ابتدا وضعیت الگوی غذایی و تغییرات آن طی سالهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و سپس برآوردی از درصد فقر غذایی جامعه ارائه شده است. همچنین در بخش دیگر به دورنمای آینده فقر غذایی در چارچوب سیاست‌های تعدیل پرداخته می‌شود. وی با بیان این مطلب که «گوشت قرمز و سفید، غلات، موادچربی و قندی، مواد نشاسته‌ای، حبوبات و سبزیجات از جمله مواد غذایی مصرفی خانوارهای ایرانی است به نا مناسب بودن ترکیب مواد غذایی سبد خانوار اشاره می‌کند و بخصوص به جانشین شدن نان بدلیل ارزان بودن به جای سایر مواد غذایی در دو دهه اخیر در سبد مصرفی خانوار اشاره می‌کند.

وی با تحلیلی از ارقام نشان می‌دهد که در مجموع شاخص انگل جامعه روستایی طی سالهای ۷۱-۷۳ روندی صعودی داشته است که دال بر نامناسب‌تر شدن وضعیت رفاهی خانوارهاست. در جامعه شهری در حالی که شاخص انگل از ۳۲/۶ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۳۷/۸ درصد در سال ۱۳۷۱ و سپس به ۲۹/۹ درصد در سال ۱۳۷۳ کاهش یافته، سهم نان در کل مخارج خوراکی خانوارهای گروههای هزینه‌ای ۲ الی ۹ در سال ۷۳ نسبت به سال ۶۹ افزایش یافته است، یعنی وضعیت تغذیه نامناسب‌تر گردیده است.

در مقاله دینی، مفهوم فقر غذایی در این مقاله به معنای «عدم تامین تغذیه نرمال» است که از سری مراکز بهداشتی برای سنین مختلف اعلام می‌گردد. برای محاسبه میزان آن به شرح زیر عمل می‌شود:

---

<sup>۱</sup> دینی ترکمانی، علی. «بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران»، تحلیل و بررسی اقتصادی فقر. ۱۳۷۵

- ۱- براساس معیار تغذیه نرمال حداقل میزان مصرف سرانه لازم مشخص می‌شود. معیار مذکور علاوه بر کمیت، «ترکیب بهینه مواد غذایی» را نیز مدنظر قرار می‌دهد.
- ۲- مقدار هزینه لازم برای تأمین مقادیر جدول مذکور را می‌توان با داشتن قیمت‌های کوپنی و آزاد بدست آورد. هزینه محاسبه شده، خط فقر است.

واحد: ریال

روستایی	شهری
۳۲۰۰۰۰	۳۶۰۰۰۰

«خط فقر سرانه غذایی در مناطق در سال ۷۳»

- ۳- با مقایسه، خط فقر برآورد شده با مخارج سرانه خوراکی خانوارها در گروه‌های هزینه‌ای مختلف می‌توان، تعداد افرادی که از نظر تغذیه نرمال هستند را مشخص کرد. برآورد انجام شده براین اساس، نشان می‌دهد که ۵۵ درصد از جامعه شهری و ۶۵ درصد از جامعه روستایی با معیار تغذیه نرمال (در سال ۷۳) زیرخط فقر بوده‌اند.
- کارشناسان موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه در مقاله‌ای تحت عنوان خط فقر و مشخصات اقشار فقیر اقدام به اندازه‌گیری خط فقر و درصد اقرار فقیر نمودند.<sup>۱</sup> در این تحقیق خط فقر و درصد جمعیت فقیر برای دوره ۶۷-۷۵ به تفکیک مناطق شهری و روستایی برآورد شده است. روش شناسی مورد استفاده برای تخمین خط فقر عبارت است از درنظر گرفتن دو حالت ۲۵ درصد و ۵۰ درصد میانه درآمدی جامعه به عنوان خط فقر. در مرحله بعد با استفاده از خط فقر استخراج شده در دو حالت اقدام به برآورد درصد جمعیت فقیر شده است.

نتایج این گزارش به شرح ذیل می‌باشد:

<sup>۱</sup> برگرفته شده از رساله دکتر سعید صمدی با عنوان «کاهش فقر، کارایی و برابری در ایران»، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره پایان‌نامه ۶۳۵، ۱۳۷۸، ص ۸۵

خط فقر برای سالهای ۶۷ و ۷۵

سال	خط فقر اول (۲۵ درصد میانه درآمدی)	خط فقر دوم (۵۰ درصد میانه درآمدی)
۶۷	۲۳۲۷۹	۴۶۵۵۹
۷۵	۱۵۷۳۱۹	۳۱۴۴۶۳۹

درصد جمعیت فقیر در سالهای ۶۷ و ۷۵

سال	مناطق شهری		مناطق روستایی	
	خط فقر اول	خط فقر دوم	خط فقر اول	خط فقر دوم
۶۷	۳/۵	۱۲/۹	۷/۷	۲۱/۴
۷۵	۲/۶	۱۲/۱	۷/۸	۲۲/۹

اولین محقق که مسئله فقر و محاسبه خط فقر را در ایران به صورت جامع و علمی بررسی کرد دکتر حسین عظیمی بود.<sup>۱</sup> مطالعه وی براساس آمارهای مصرف خانوارهای شهری و روستایی ایران، طی سالهای ۵۴-۱۳۵۳ انتشار یافت. در این مطالعه ضمن بررسی تفصیلی ابعاد مختلف فقر و ارتباط آن با مسائل توسعه اقتصادی و الگوی توزیع درآمد، مشخص گردید که حجم فقر در ایران آن زمان، همانگونه که از تحلیل نظری مباحث توسعه اقتصادی نیز برمی آمد بسیار گسترده است.

براساس نتایج گزارش مذکور از کل جمعیت ۳۰/۸ میلیون نفری کشور در سال ۱۳۵۱، ۱۷/۹ میلیون نفر را جمعیت شهری و ۱۲/۹ میلیون نفر را جمعیت روستایی تشکیل می داد که حدود ۴۷

<sup>۱</sup> برگرفته شده از رساله دکتری سعیدی صمدی با عنوان «کاهش فقر، کارایی و برابری در ایران». دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره پایان نامه ۶۳۵، سال ۱۳۷۸. ص ۸۴



درصد از جمعیت شهری و ۴۸ درصد از جمعیت روستایی کشور در آن زمان دچار «فقر تغذیه» بودند.

خط فقر سال ۵۱ (مخارج سرانه سالانه به ریال)

مناطق	حداقل	حداکثر
شهری	۱۲۴۰۰	۳۰۸۷۰
روستایی	۹۶۳۰	۲۱۹۱۰

دکتر عظیمی در سال ۶۷ در مطالعه دیگری به برآورد «حجم فقر» اقدام نمود. وی براساس چندین شاخص حجم فقر را سنجید:

- ۱- مصرف سرانه
- ۲- اشتغال و بیکاری
- ۳- وضعیت مسکن
- ۴- مقدار مصرف قشرهای مختلف
- ۵- خانوارهای تحت پوشش سازمان حمایت از محرومان

حجم فقر و محرومیت سال ۶۷

براساس شاخص	میلیون خانوار	نفر
اشتغال و بیکاری	۲/۷	-
وضعیت مسکن	۲/۷	۱۶/۴
مصرف قشرهای مختلف جمعیت	۳/۷	۱۵/۲
جمعیت تحت پوشش	۱/۷	۳/۴

در رابطه با جدول بالا باید این نکته را مدنظر داشت که بعد خانوار براساس شاخصهای مختلف را نباید یکسان فرض کرد. به عنوان مثال خانوارهایی که از نظر شاخص وضعیت مسکن فقیر تلقی می‌شوند عموماً دارای بعد خانوار بالا هستند. تلاش این تحقیق عمدتاً به برآورد «حجم فقر» متمرکز شده نه خط فقر.

در کتاب «مدارهای توسعه نیافتگی اقتصاد ایران (حسین عظیمی)» نویسنده پس از محاسبه هزینه لازم برای تامین حداقل نیازهای اساسی از کالاهای نان، گوشت قرمز، روغن نباتی و قند و

شکر رقم بدست آمده را با این فرض که هزینه سایر اقلام حداقل برابر با هزینه این چهار قلم کالا می‌باشد در عدد ۲ ضرب و بدین شکل خط فقر را برآورد نموده است.

## فصل ۳

# کاربرد انواع روشها برای محاسبه خط فقر در ایران

### ۱-۳- تعیین خط فقر در جوامع شهری و روستایی

همانطور که در بخشهای پیشین بیان شد در تحلیل پدیده فقر یکی از سؤالات محوری آنست که چگونه می‌توان افراد فقیر را از غیر فقیر بازشناخت؟ برای این منظور ابتدا باید فقر را تعریف نمود. در تعریف فقر نظرات متعددی ارائه شده است برای مثال پیگو و پیروانش فقر را وضعیتی می‌دانند که خانوار از یک سطح رفاه حداقل برخوردار باشد. البته در این تعریف سطح حداقل رفاه خود نیازمند تعریف مجددی است که توافق کلی در مورد آن وجود ندارد. بنابراین برای تعیین فقیر از غیر فقیر ابتدا باید یک آستانه‌ای از امکانات خانوار را تعریف کرد. این آستانه امکانات همان خط فقر است. خط فقر به معنای میزان منابعی از درآمد و ثروت است که یک خانوار برای رسیدن به یک سطح معین از رفاه نیاز دارد. خانوارهایی که منابع کافی برای سطح معین از رفاه را نداشته باشند فقیر تلقی خواهند شد. بنابراین یکی از مهمترین گامهای تحلیل پدیده فقر تعیین خط فقر است.

روشهای محاسبه خط فقر بسیار متنوع است. بسته به اینکه کدام مفهوم از فقر موردنظر باشد روش محاسبه نیز فرق خواهد داشت. برای مثال توجه به مفهوم فقر مطلق یا نسبی و یا مفهوم عینی و ذهنی بودن فقر هر کدام می‌تواند تعیین کننده روش محاسبه خط فقر باشد. به عبارت دیگر خط فقر مقدار معین و غیر قابل تغییر نیست، بلکه بسته به مفهومی که از فقر در نظر است، روش محاسبه آن نیز متفاوت خواهد بود. در ادامه ابتدا روشهای مورد استفاده در این مطالعه برای

اندازه‌گیری خط فقر به تفصیل بررسی می‌گردد سپس نتایج حاصل از اندازه‌گیری خط فقر در جوامع شهری و روستایی کشور طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ ارائه می‌گردد. قبل از محاسبه خط فقر به روشهای مختلف لازم به توضیح است که تمامی محاسبات براساس داده‌های طرح آماری هزینه و درآمد خانوار می‌باشد و خانوارها بر حسب مخارج سرانه خود در قالب دهکهای درآمدی جای گرفته‌اند.

### ۱-۱-۳- روش اندازه‌گیری خط فقر براساس نیاز کالری (روش پژوهش)

اندازه‌گیری خط فقر براساس نیاز کالری بر مفهوم فقر مطلق و نیازهای اساسی استوار است، به این صورت که ابتدا فرض می‌گردد (براساس نظر متخصصان تغذیه) هر فرد روزانه به مقدار معین کالری نیاز دارد. در این مطالعه فرض نیاز ۲۱۷۹ کالری و ۲۳۰۰ کالری در نظر گرفته شده است. سپس خانوارهای مورد مطالعه براساس سطح درآمد در ده گروه هزینه‌ای طبقه‌بندی می‌گردند. پس از برآورد ارزشهای غذایی دریافتی هر دهک درآمدی، اولین دهک که انرژی دریافتی آن بیشتر از انرژی استاندارد یعنی ۲۱۷۹ کالری یا ۲۳۰۰ کالری باشد را در نظر می‌گیریم. اختلاف انرژی دریافتی دهک مورد نظر با مقدار استاندارد محاسبه می‌شود. بدنبال آن قیمت هر واحد کالری دریافتی از تقسیم مخارج کل دهک بر مقدار انرژی دریافتی دهک بدست می‌آید. حاصل ضرب قیمت هر واحد کالری در مابه‌التفاوت انرژی دریافتی با مقدار استاندارد برابر مخارج انرژی دریافتی مازاد بر نیاز می‌باشد. تفاضل این مخارج از هزینه کل دهک برابر خط فقر خواهد بود.

مثال:

۱- برآورد انرژی دریافتی خانوارهای شهری بر حسب دهک در سال ۱۳۶۳

دهک	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
انرژی دریافتی	۱۴۵۵	۲۱۴۴	۲۱۵۴	۲۳۳۱	۲۷۳۸	۲۶۵۴	۲۹۸۸	۳۲۷۱	۴۵۶۴	۵۸۶۸

۲- انتخاب اولین دهکی که بیش از ۲۳۰۰ کالری انرژی دریافت داشته است.

$$۲۳۳۱ = \text{انرژی دهک چهارم}$$

۳- محاسبه تفاوت انرژی دریافتی دهک چهارم از انرژی استاندارد (۲۳۰۰)

$$۲۳۱۱ - ۲۳۰۰ = ۳۱$$

۴- محاسبه قیمت هر واحد کالری

$$= ۵۹/۸ = \frac{139494}{2331} = (\text{انرژی دریافتی دهک چهارم} / \text{مخارج کل دهک چهارم}) = \text{قیمت هر واحد کالری}$$

دریافتی دهک چهارم

۵- محاسبه مخارج انرژی دریافتی مازاد نیاز

$$= ۱۸۵۳/۸ = ۳۱ \times ۵۹/۸ = \text{مخارج انرژی دریافتی مازاد نیاز دهک چهارم}$$

۶- محاسبه خط فقر

مخارج انرژی دریافتی مازاد نیاز دهک چهارم - مخارج کل دهک چهارم = خط فقر سرانه - سالانه

جامعه شهری در سال ۶۳

$$= ۱۳۷۶۴ = ۱۳۹۴۹۴ - ۱۸۵۳/۸$$

۲-۱-۳- روش اندازه‌گیری خط فقر براساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج

به منظور اندازه‌گیری خط فقر بر پایه مفهوم نسبی می‌توان با محاسبه میانگین مخارج خانوارها و

تعیین درصدی از آن بعنوان خط فقر اقدام نمود. البته در این روش اگرچه به مفهوم نسبی فقر

تاکید شده اما دیدگاه نظری مستدلی برای تعیین درصد مورد نظر وجود ندارد، و در واقع تعیین

۵۰ درصد و یا ۶۶ درصد اختیاری و تجربی است و هر محقق می‌تواند آن را برای خود تعیین نماید.

باینحال بر اساس مطالعات گذشته، در این تحقیق از ۵۰ درصد و ۶۶ درصد میانگین مخارج

بعنوان دو معیار تعیین خط فقر استفاده شده است. در این روش ابتدا میانگین مخارج محاسبه

می‌شود سپس در مرحله بعد ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج بعنوان خط فقر در نظر گرفته می‌شود.

مثال:

۱- تعیین میانگین مخارج خانوارها شهری در سال ۱۳۶۳

دهک	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
مخارج کل	۶۴۸۸۴	۸۸۳۴۱	۱۱۲۹۹۸	۱۳۹۴۹۴	۱۷۰۸۸۹	۲۰۴۸۸۳	۲۴۹۵۶۷	۳۰۹۹۸۰	۴۱۲۵۳۴	۸۱۹۶۹۶

$$\bar{X} = \frac{648848834411299813949417088920488324956730998011253481966}{10} = 257351 \quad (=257351)$$

خانوارها

۲- تعیین خط فقر براساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارها

$$\text{سرانه - سالانه} = 128675/5 = 257351 \times \frac{50}{100} = \text{خط فقر براساس } 50 \text{ درصد میانگین مخارج}$$

$$\text{سرانه - سالانه} = 169851/66 = 257351 \times \frac{66}{100} = \text{خط فقر براساس } 66 \text{ درصد میانگین مخارج}$$

۳-۱-۳- تعیین خط فقر براساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانه مخارج خانوارها

همانطور که در مبانی نظری روشهای اندازه‌گیری خط فقر بیان گردید، از دیگر روشهای تعیین خط فقر که بر پایه مفهوم فقر نسبی استوار است، تعیین میانه مخارج خانوارهای مورد مطالعه و محاسبه ۵۰ درصد یا ۶۶ درصد آن بعنوان خط فقر است. در این روش نیز همانند روش قبلی معیار خاصی برای محاسبه درصدی از میانه مخارج بعنوان خط فقر وجود ندارد بلکه محقق براساس تجربیات و شناختی که از جامعه مورد مطالعه دارد و برپایه نتایج مربوط به مطالعات گذشته "درصد" مورد نظر را بصورت اختیاری تعیین می‌کنند.

به منظور تعیین خط فقر در روش فوق‌الذکر ابتدا مخارج خانوارها در ده دهک درآمدی (هزینه‌ای) مرتب گردید، سپس از مخارج دهکهای پنجم و ششم میانگین‌گیری شد و این میانگین

بعنوان میانه مخارج خانوارها در نظر گرفته شد. در نهایت یک بار ۵۰ درصد و یک بار ۶۶ درصد میانه مخارج محاسبه گردید که به این ترتیب دو خط فقر بر پایه ملاکهای فوق محاسبه شد.  
مثال:

۱- تعیین میانه مخارج خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۳

دهک	دهک اول	دهک دوم	دهک سوم	دهک چهارم	دهک پنجم	دهک ششم	دهک هفتم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
مخارج	۶۴۸۸۴/۳	۸۸۳۴۱	۱۱۲۹۹۸	۱۳۹۴۹۴	۱۷۰۸۸۹	۲۰۴۸۸۳	۲۴۹۵۶۷	۳۰۹۹۸۰	۴۱۲۵۳۴	۸۱۹۶۹۶

$$۲ = \frac{170889 + 204883}{2} = 187886 \text{ = مخارج دهک ششم + مخارج دهک پنجم = میانه مخارج خانوارهای شهری}$$

۲- محاسبه ۵۰ درصد یا ۶۶ درصد میانه مخارج بعنوان خط فقر

$$\text{سرانه - سالانه: } 93943 = 187886 \times \frac{50}{100} = \text{خط فقر خانوارهای شهری در سال ۶۳ بر پایه ۵۰ درصد میانه مخارج}$$

$$\text{سرانه - سالانه: } 124004/76 = 187886 \times \frac{66}{100} = \text{خط فقر خانوارهای شهری در سال ۶۳ بر پایه ۶۶ درصد میانه مخارج}$$

۴-۱-۳- تعیین خط فقر بر پایه معکوس ضریب انگل

ارنست انگل به منظور ارزیابی رابطه مخارج خوراکی خانوارها و درآمد آنها از شاخص نسبت مخارج خوراکی به درآمد خانوارها استفاده نمود. این روش بعدها بعنوان معیاری برای محاسبه خط فقر مورد استفاده قرار گرفت. این رویه بر پایه مفهوم عینی فقر استوار است. در این روش ابتدا ضریب انگل براساس مدلهای اقتصادسنجی برآورد می‌گردد، سپس مخارج خوراکی خانوار در معکوس ضریب انگل ضرب می‌شود. حاصل این محاسبه معادل با خط فقر برآوردی خواهد بود.  
مثال:

۱- برآورد ضریب انگل برای مخارج خوراکی خانوارهای شهری در سال ۷۹

برای برآورد ضریب انگل ابتدا مخارج خوراکی و مخارج کل خانوارهای مورد مطالعه به ده گروه درآمدی تقسیم و سپس ۴ مدل زیر به روشهای اقتصادسنجی برآورد شدند.

$$1) F = \alpha_0 + \alpha_1 I + \varepsilon$$

$$2) \ln F = \beta_0 + \beta_1 \ln I + \mu$$

$$3) \ln F = \gamma_0 + \gamma_1 I + \theta$$

$$4) F = \eta_0 + \eta_1 \ln I + \vartheta$$

در تمام مدل‌های فوق F برابر مخارج خوراکی خانوارهای هر دهک و I برابر مخارج کل هر دهک می‌باشد.  $\vartheta, \theta, \mu, \varepsilon$  نیز جملات پسماند مدل هستند. این مدل‌ها به روش OLS تخمین زده شده و پس از بررسی فرض روش تخمین OLS، بهترین مدل انتخاب و ضریب انگل محاسبه گردید.

$$1) F = 56626 + 0.18I \quad R^2 = 0.95$$

$$(4/96) \quad (11/8)$$

$$2) \ln F = 2.47 + 0.76 \ln I \quad R^2 = 0.99$$

$$(5/1) \quad (23/9)$$

$$3) \ln F = 1.3/5 + 1.04 E^{-y} I \quad R^2 = 0.76$$

$$(88/9) \quad (4/98)$$

$$4) F = -16728885 + 1200948 \ln I \quad R^2 = 0.96$$

$$(-13/4) \quad (14/7)$$

با توجه به مقادیر t (اعداد داخل پرانتز) و  $R^2$  مدل‌ها، دومین مدل بعنوان بهترین انتخاب و بر این اساس ضریب انگل به صورت زیر محاسبه می‌گردد.

$$\alpha_1 = \frac{E_I}{\overline{I}} = \frac{0.76}{3/5} = 0.217 \quad \text{ضریب انگل}$$

۲- محاسبه معکوس ضریب انگل

$$\text{معکوس ضریب انگل} = \frac{1}{\alpha_1} = \frac{1}{0.217} = 4.6$$

۳- محاسبه خط فقر

$$1379 \times 4.6 = 6343.4 = \text{خط فقر شهری در سال } 79$$



### ۵-۱-۳- تعیین خط فقر بر پایه معکوس ضریب انگل فقرا

محاسبه خط فقر براساس معکوس ضریب انگل از آن جهت که کلیه گروههای درآمدی را در محاسبه ضریب انگل لحاظ می‌کند مورد انتقاد می‌باشد زیرا این روش خط فقر را بیش از اندازه تعیین می‌کند. برای رفع این مشکل در محاسبه ضریب انگل پیشنهاد می‌شود که از مخارج گروههای فقیر استفاده شود. کاربرد این پیشنهاد خود مستلزم تعیین فقرا از قبل می‌باشد و در واقع باید به ترتیبی فقیرها را شناسایی کنیم، در صورتیکه هدف تعیین خط فقر و سپس شناسایی فقیرها می‌باشد. برای رفع این مشکل مخارج دهک اول درآمدی را به عنوان شاخصی از مخارج فقیرها در نظر می‌گیریم. کاربرد روش اخیر موجب تخمین پائینی از خط فقر نسبی برحسب معیار معکوس ضریب انگل می‌باشد.

مثال:

۱- محاسبه ضریب انگل بر پایه مخارج دهک اول شهری در سال ۷۹

$$\alpha_1 = \frac{\frac{E_1}{I_1}}{\frac{F_1}{I_1}} = \frac{\frac{0/76}{1303908}}{\frac{0/76}{504525}} = \frac{0/76}{2/6} = 0/294$$

۲- محاسبه معکوس ضریب انگل

$$\text{معکوس ضریب انگل مخارج دهک اول} = \frac{1}{\alpha_1} = \frac{1}{0/294} = 3/4$$

۳- محاسبه خط فقر

$$1604336 \times 3/4 = 1203252 \times 3/4 = 902439 \text{ (سرانه - سالانه)}$$

جدول مخارج کل خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک دهکهای درآمدی در سال ۱۳۷۹

دهک	متوسط	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
شهری	۵۶۲۰۷۸۵	۱۳۰۳۹۰۸	۱۹۴۵۶۷۷	۲۵۸۸۵۷۸	۷۱۳۰۱۱۸	۳۷۲۵۷۸۴	۴۴۵۶۶۲۷	۵۳۶۲۶۳۵	۶۶۹۷۰۴۴	۸۹۶۵۳۰۰	۱۸۰۱۸۹۰۷
روستایی	۳۱۳۰۷۳۳	۶۹۸۷۳۴	۱۱۰۹۸۸۰	۱۴۴۸۶۶۳	۱۷۸۲۸۱۵	۲۱۵۰۳۰۴	۲۵۷۰۲۰۰	۳۰۸۵۵۹۳	۳۷۸۰۰۰۹	۴۹۰۳۱۹۶	۹۷۸۲۸۴۷

## ۲-۳- خط فقر جوامع شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۷۹

همانطور که در قسمت قبل ملاحظه گردید روشهای متعددی برای اندازه‌گیری خط فقر وجود دارد و نتایج حاصل نیز متفاوت خواهد بود. بر این اساس در ادامه این گزارش نتایج مربوط به برآورد خط فقر در جوامع شهری و روستایی کشور طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ به تفکیک هر روش ارائه و مقایسه می‌گردد.

### ۱-۲-۳- برآورد خط فقر در جوامع شهری و روستایی براساس نیاز کالری

اگر فرض شود هر نفر در روز تنها به ۲۱۷۹ کالری انرژی نیاز دارد در آن صورت میزان خط فقر برآوردی در طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ در جدول (۱) نشان داده شده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که خط فقر در جوامع شهری طی سالهای مطالعه روند صعودی داشته است بطوریکه مقدار ماهانه آن برای یک فرد شهری از ۱۰۸۶۷ ریال در سال ۱۳۶۳ به ۱۵۳۴۰۸ ریال در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است، یعنی سالانه رشدی نزدیک به ۱۸ درصد داشته است که با توجه به تورم دو رقمی در تمامی سالهای مطالعه، این رشد دور از انتظار نیست. در جوامع روستایی خط فقر برای یک نفر در هر ماه در سال ۶۳ حدود ۳۵۰۳/۴ ریال برآورد گردیده که در سال ۷۹ ۸۴۶۸۴/۵ ریال افزایش یافته است، یعنی سالانه رشدی نزدیک به ۲۲ درصد داشته که رشد سالانه آن بیشتر از جوامع شهری است ولی مقدار مطلق خط فقر شهری در تمامی سالهای مطالعه ۱/۲ تا ۳ برابر بیشتر از جوامع روستایی بوده است.

جدول (۱)- برآورد خط فقر جوامع شهری و روستایی بر پایه نیاز به ۲۱۷۹ کالری در روز طی سالهای ۶۳-۷۹

(سرانه- ماهانه - ریال)

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	۱۰۸۶۷	۱۱۶۰۸	۱۲۶۵۷	۱۴۲۵۵	۲۵۰۰۷	۲۰۴۵۵	۲۱۰۳۰	۱۷۶۶۳	۳۱۵۰۲	۳۷۴۷۰	۶۳۳۵۵	۵۶۳۷۶	۷۷۲۳۴	۴۰۲۶۴	۱۱۰۷۵۲	۱۱۳۳۸۰	۱۵۳۴۰۸
روستایی	۳۵۰۳	۴۳۲۰	۹۲۰۸	۹۰۷۹	۱۲۷۵۴	۸۸۵۱	۱۱۶۷۸	۱۰۱۱۹	۱۹۰۴۶	۲۵۶۳۹	۳۹۱۶۲	۴۰۱۲۰	۴۵۸۵۲	۵۰۱۷۷	۶۱۳۱۶	۶۴۴۷۱	۸۴۶۸۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

اگر نیاز روزانه هر فرد به کالری را معادل ۲۳۰۰ کالری در نظر بگیریم در این صورت مقدار مطلق خط فقر نسبت به فرض قبلی (۲۱۷۹ کالری) افزایش خواهد یافت. نتایج حاصل از برآورد

خط فقر با این فرض برای جوامع شهری و روستایی در جدول (۲) درج گردیده است. این نتایج نشان می‌دهد یک نفر شهری در ماه برای تامین حداقل رفاه خود نیاز به ۱۱۴۷۰ ریال در سال ۱۳۶۳ داشته است که در سال ۱۳۷۹ این رقم به ۱۶۱۹۲۸/۵ ریال افزایش یافته است. رشد سالانه خط فقر ۱۸ درصد بوده است. برای جوامع روستایی خط فقر بر پایه نیاز به ۲۳۰۰ کالری در سال ۶۳ برای هر نفر در ماه ۳۶۹۸ ریال برآورد گردیده که در سال ۷۹ این رقم به ۸۹۳۸۳ ریال افزایش یافته، یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است.

جدول (۲) - برآورد خط فقر جوامع شهری و روستایی بر پایه نیاز به ۲۳۰۰ کالری در روز طی سالهای ۶۳ تا ۷۹ سرانه - ماهانه - ریال

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	۱۱۴۷۰	۱۳۹۳۹	۱۳۳۶۰	۲۲۵۳۹	۲۶۳۹۶	۲۱۵۷۲	۲۳۴۲۷	۲۱۸۷۵	۳۳۲۵۱	۵۱۶۹۱	۷۵۹۸۴	۵۹۵۰۷	۸۱۵۲۳	۸۵۶۰۴	۱۱۶۹۰۲	۱۳۸۰۰۸	۱۶۱۹۲۸/۵
روستایی	۳۶۹۸	۵۰۱۸	۶۲۲۲	۸۸۱۳	۱۶۵۷۹	۹۳۴۷	۱۲۳۰۵	۱۸۰۸۲	۲۰۱۰۴	۲۷۰۶۲	۴۲۳۹۰	۴۲۳۴۸	۴۸۳۹۸	۵۸۵۳۸	۶۴۷۲۱	۶۸۰۵۲	۸۹۳۸۳

### ۲-۲-۳- برآورد خط فقر در جوامع شهری و روستایی بر پایه درصدی از میانه مخارج خانوارها

همانطور که ذکر شد برآورد خط فقر بر پایه میانه مخارج خانوارها بر مفهوم نسبی فقر استوار است. نتایج برآورد خط فقر بر اساس ۵۰ درصد میانه مخارج برای جوامع شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ در جدول (۳) درج گردیده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که یک نفر شهری در سال ۱۳۶۳ برای تامین حداقل نیازهای خود حدود ۷۸۲۹ ریال لازم داشته که در سال ۱۳۷۹ این رقم به ۱۷۰۴۶۷ ریال افزایش یافته است یعنی سالانه رشدی معادل ۲۱ درصد داشته که نسبت به روش نیاز کالری، ۳ درصد رشد بیشتری نشان می‌دهد.

خط فقر برآوردی در جوامع روستایی بر پایه ۵۰ درصد میانه مخارج در سال ۶۳ برابر ۳۸۳۴ ریال بوده که در سال ۷۹ به ۹۸۳۴۴ ریال افزایش یافته است یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است. مقایسه خط فقر شهری و روستایی دلالت بر آن دارد که خط فقر مناطق شهری حدود دو برابر خط فقر در جوامع روستایی است.

جدول (۳) - برآورد خط فقر جوامع شهری و روستایی بر پایه ۵۰ درصد میانه مخارج طی سالهای ۶۳ تا ۷۹

سرانه - ماهانه - ریال

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	۷۸۲۹	۶۶۸۹	۷۵۵۶	۸۲۸۶/۵	۱۰۱۶۵	۱۲۰۹۴	۱۱۵۵۶	۱۴۹۹۵	۱۹۳۹۶	۲۴۷۲۱	۳۵۴۶۹	۶۱۳۸۱	۸۳۱۳۳	۹۶۸۸۲	۱۲۱۸۲۳	۱۴۵۰۵۵	۱۷۰۴۶۷
روستایی	۳۸۳۴	۳۳۸۷	۳۵۶۲	۴۴۲۶/۵	۵۱۲۰	۳۰۸۵	۶۰۷۸	۸۵۵۳	۱۱۱۱۹	۱۳۵۶۶	۱۸۸۰۴	۳۵۳۵۰	۴۳۱۵۵	۵۲۴۵۹	۶۳۷۵۸	۸۳۹۰۰	۹۸۳۴۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول (۴) نتایج مربوط به برآورد خط فقر بر پایه ۶۶ درصد میانه مخارج خانوارهای شهری و روستایی طی سالهای ۶۳ تا ۷۹ درج گردیده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که سال ۶۳ در جامعه شهری هر نفر بطور ماهیانه ۱۰۳۳۴ ریال نیاز داشته تا حداقل مایحتاج زندگی خود را تامین نماید. این رقم در سال ۷۹ به ۲۲۵۰۱۶ ریال افزایش یافته است به عبارت دیگر خط فقر از رشد سالانه‌ای معادل ۲۱ درصد برخوردار است. در جوامع روستایی خط فقر برآوردی بر پایه ۶۶ درصد میانه مخارج در سال ۶۳ برابر ۵۰۶۰ ریال بوده که در سال ۷۹ به ۱۲۹۸۱۴ ریال افزایش یافته یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است.

جدول (۴) - برآورد خط فقر جوامع شهری و روستایی بر پایه ۶۶ درصد میانه مخارج طی سالهای ۶۳ تا ۷۹

سرانه - ماهیانه - ریال

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	۱۰۳۳۴	۸۸۲۹	۹۹۷۳	۱۰۹۳۸	۱۳۴۱۸	۱۵۹۶۴	۱۵۲۵۴	۱۹۷۹۴	۲۵۶۰۲	۳۲۶۳۲	۴۶۸۱۹	۸۱۰۲۳	۱۰۹۷۳۵	۱۲۷۸۸۴	۱۶۰۸۰۶	۱۹۱۴۷۳	۲۲۵۰۱۶
روستایی	۵۰۶۰	۴۴۷۰	۴۷۰۲	۵۸۴۳	۶۷۵۹	۴۰۷۳	۸۰۲۳	۱۱۲۹۰	۱۴۶۷۸	۱۷۹۰۷	۲۴۸۲۱	۴۶۶۶۲	۵۶۹۶۵	۶۹۲۴۶	۹۴۱۶۰	۱۱۰۷۴۸	۱۲۹۸۱۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### ۳-۲-۳- برآورد خط فقر بر پایه درصدی از میانگین مخارج خانوارهای شهری و روستایی

خط فقر بر پایه درصدی از میانگین مخارج همانند خط فقر بر پایه درصدی از میانه مخارج، بر مفهوم نسبی فقر استوار است. نتایج حاصل از برآورد خط فقر براساس ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوارهای شهری و روستایی در جدول (۵) درج گردیده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که در سال ۶۳ خط فقر برآوردی برای هر نفر در ماه در جوامع شهری ۱۰۷۲۳ ریال بوده که در سال ۷۹ به ۲۳۴۱۹۹ ریال افزایش یافته یعنی سالانه رشدی معادل ۲۱ درصد داشته است. برای جوامع روستایی خط فقر برآوردی بر پایه معیار فوق‌الذکر در سال ۶۳ برابر ۵۰۵۲/۵ ریال در هر ماه بوده

که در سال ۷۹ به ۱۳۰۴۴۷ ریال افزایش یافته یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲/۵ درصد داشته است. مقایسه مقادیر مطلق خط فقر بر پایه این معیار در تمامی سالهای مطالعه با مقادیر متناظر آن بر پایه ۵۰ درصد میانه مخارج در جامعه شهری و روستایی دلالت بر آن دارد که همواره خط فقر برآوردی روش اول بزرگتر از روش دوم بوده است.

جدول (۵) - برآورد خط فقر جوامع شهری و روستایی بر پایه ۵۰ درصد میانگین مخارج طی سالهای ۶۳ تا ۷۹  
سرانه - ماهیانه - ریال

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	۱۰۷۲۳	۹۰۹۷	۱۰۶۴۰	۱۱۷۶۶	۱۳۷۵۵	۱۶۱۶۰	۱۵۴۹۹	۲۰۷۷۷	۲۶۲۰۸	۳۲۱۵۲	۴۷۹۷۰	۵۵۸۷۹	۱۱۶۹۹۱	۱۳۶۲۷۲	۱۶۸۷۹۲	۱۹۹۷۵۹	۲۳۴۱۹۹
روستایی	۵۰۵۲/۵	۴۳۳۱	۴۷۷۳	۵۵۱۸/۵	۶۳۹۱	۷۶۶۹	۹۷۸۵/۵	۱۱۷۹۴	۱۴۴۵۰	۱۷۴۵۴	۲۴۷۷۲	۴۷۷۲۱	۵۶۱۶۰	۶۹۶۹۶	۸۸۲۲۲	۱۱۳۳۶۵	۱۳۰۴۴۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول (۶) نتایج برآورد خط فقر براساس ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارهای شهری و روستایی طی سالهای ۶۳ تا ۷۹ ارائه گردیده است. این نتایج نشان می‌دهد خط فقر جامعه شهری در سال ۱۳۶۳ برابر ۱۴۱۵۴ ریال در ماه برای هر نفر بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۳۰۹۱۴۳ ریال افزایش یافته یعنی سالانه رشدی معادل ۲۱ درصد داشته است. برای جامعه روستایی خط فقر برآوردی بر پایه ملاک فوق‌الذکر در سال ۱۳۶۳ برابر ۶۶۶۹ ریال برای هر نفر در ماه بوده که در سال ۱۳۷۹ به رقم ۱۷۲۱۹۰ ریال افزایش یافته یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است.

جدول (۶) - برآورد خط فقر جوامع شهری و روستایی بر پایه ۶۶ درصد میانگین مخارج طی سالهای ۶۳ تا ۷۹  
سرانه - ماهیانه - ریال

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	۱۴۱۵۴	۱۲۰۰۸	۱۴۰۴۵	۱۵۵۳۱	۱۸۱۵۶	۲۱۳۳۱	۲۰۴۵۹	۲۷۴۲۵	۳۴۵۹۴	۴۲۴۴۱	۶۳۳۲۰	۱۱۳۳۶۰	۱۵۴۴۲۸	۱۷۹۸۷۹	۲۲۲۸۰۵	۲۶۳۶۸۳	۳۰۹۱۴۳
روستایی	۶۶۶۹	۵۷۱۷	۶۳۰۰	۷۲۸۴	۸۴۳۶	۱۰۱۲۴	۱۲۹۱۷	۱۵۵۶۸	۱۹۰۷۵	۲۳۰۳۹	۳۲۶۹۹	۶۲۹۹۲	۷۴۱۳۱	۹۱۹۹۹	۱۱۶۴۵۳	۱۴۹۶۴۲	۱۷۲۱۹۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

#### ۴-۲-۳- برآورد خط فقر بر پایه معکوس ضریب، انگل (روش اول)

چهارمین روش در برآورد خط فقر معروف به معکوس ضریب انگل است. در این روش همانطور که ذکر شد خط فقر بر پایه مفهوم نسبی فقر برآورد می‌گردد. نتایج حاصل از برآورد خط

فقر در جوامع شهری و روستایی برای سالهای ۶۳ تا ۷۹ با استفاده از این روش در جدول (۷) ارائه شده است. این نتایج دلالت بر آن دارد که خط فقر شهری در ماه برای هر نفر رشدی معادل ۲۳ درصد داشته زیرا از ۲۲۴۵۹ ریال در ماه برای یک نفر در سال ۱۳۶۳ به ۶۱۴۹۹۵ ریال در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. در جوامع روستایی نرخ رشد سالانه خط فقر بر پایه معکوس ضریب انگل طی سالهای مطالعه برابر ۲۲ درصد بوده زیرا از ۱۳۳۰۰ ریال برای هر نفر در ماه در سال ۱۳۶۳ به ۳۰۵۵۷۳ ریال در ماه برای هر نفر در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. این رشد بسیار نزدیک به نرخ رشد سالانه جوامع شهری است. محاسبات نشان می‌دهند در طی تمامی سالهای مطالعه خط فقر شهری بزرگتر از خط فقر جوامع روستایی بوده است.

جدول (۷) - برآورد خط فقر جوامع شهری و روستایی بر پایه معکوس ضریب انگل طی سالهای ۶۳ تا ۷۹  
سرانه - ماهانه - ریال

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	۲۲۴۵۹	۱۷۹۸۸	۱۹۰۴۱	۲۲۹۰۱	۲۷۲۹۱	۳۱۶۰۳	۴۳۱۳۵	۶۵۵۳۲	۸۰۵۹۵	۹۹۶۶۵	۱۵۸۲۶۰	۲۴۳۷۸۲	۳۸۷۵۴۲	۴۲۳۷۱۵	۴۳۳۰۳۲	۵۱۱۷۰۷	۶۱۴۹۹۵
روستایی	۱۳۳۰۰	۱۰۶۴۸	۹۷۳۶	۱۱۲۱۲	۱۵۳۸۷	۲۰۷۰۸	۲۳۵۰۹	۲۹۴۴۳	۳۵۵۱۴	۴۱۶۸۲	۶۳۴۶۳	۱۱۲۱۰۴	۱۴۲۴۴۱	۱۶۹۳۷۹	۱۸۹۶۱۱	۲۶۹۱۴۹	۳۰۵۵۷۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### ۵-۲-۳- ارائه نتایج برآورد خط فقر برپایه معکوس ضریب انگل (روش دوم)

در روش فوق‌الذکر بجای استفاده از متوسط مخارج خوراکی خانوارها از مخارج دهک اول جامعه روستایی و شهری برای محاسبه معکوس ضریب انگل استفاده شده است. بر پایه نتایج حاصل از برآورد خط فقر در این روش (جدول (۸)) در جوامع شهری در سال ۶۳ هر نفر ماهانه به ۵۰۳۵ ریال نیاز داشته است تا حداقل امکانات رفاهی را فراهم نماید در حالیکه این رقم در سال ۷۹ به ۱۴۲۹۴۹ افزایش یافته است یعنی خط فقر برآوردی، سالانه نرخ رشدی معادل ۲۳ درصد داشته است. در جوامع روستایی برای سال ۶۳ برآورد خط فقر رقم ۳۱۹۹ ریال در ماه برای یک نفر را نشان می‌دهد که با ۲۱ درصد رشد سالانه در سال ۷۹ به رقم ۶۵۷۲۱ ریال در ماه برای هر نفر افزایش یافته است.

جدول (۸) - برآورد خط فقر جوامع شهری و روستایی بر پایه معکوس ضریب انگل دهک اول در مخارج خوراکی دهک اول شهری و روستایی طی سالهای ۶۳ تا ۷۹

سرانه - ماهانه - ریال

سال	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	۵۰۳۵	۴۱۷۴	۵۶۱۸	۵۱۵۰	۶۶۴۱	۹۰۱۸	۱۱۸۳۷	۱۰۸۱۸	۱۴۲۳۱	۲۱۹۱۲	۳۱۵۰۲	۶۱۶۱۳	۸۶۸۰۱	۶۸۵۶۹	۱۳۳۸۱۷	۱۵۰۶۲۶	۱۴۲۹۴۹
روستایی	۳۱۹۹	۲۷۰۶	۱۹۷۰	۳۱۰۲	۳۷۸۵	۴۴۵۷	۴۱۷۲	۴۱۱۷	۵۴۵۹	۷۲۸۵	۱۲۰۵۲	۲۱۹۲۸	۳۰۵۶۴	۳۴۲۴۲	۴۸۱۱۲	۶۴۱۱۸	۶۵۷۲۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### ۳-۳- مقایسه خط فقر به روشهای مختلف

همانگونه که قبلا اشاره شد خط فقر یک واقعیت خارجی ثابت نیست بلکه با توجه به باور محقق نسبت به مسائل ارزشی و اخلاقی و همچنین روش محاسبه می‌توان مقادیر متعددی برای خط فقر در اختیار داشت. جداول (۱) تا (۸) بر این امر گواهی می‌دهند. با مقایسه ارقام این جداول مشخص می‌گردد خط فقری که بر پایه مفهوم مطلق ساخته می‌شود کوچکتر از خط فقری است که بر مفهوم نسبی فقر استوار است. خط فقر بر اساس حداقل انرژی مورد نیاز (۲۱۷۹ کالری) در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۵۳۴۰۸ ریال در ماه برای هر فرد شهری برآورد شد در حالیکه در همان سال براساس روش معکوس ضریب انگل خط فقر معادل ۶۱۴۹۹۵ ریال برآورد شد. بر این اساس ملاحظه می‌شود خط فقر برحسب روش دوم چهار برابر خط فقر مبتنی بر روش اول می‌باشد. در سال ۱۳۷۹ و در مناطق روستایی، خط فقر برحسب معیار معکوس ضریب انگل معادل ۳۰۵۵۷۳ ریال و برحسب حداقل انرژی مورد نیاز (۲۱۷۹ کالری) به میزان ۸۴۶۸۴ ریال برآورد شد. در واقع خط فقر مبتنی بر روش ضریب انگل ۳/۶ برابر خط فقر مبتنی بر حداقل انرژی مورد نیاز می‌باشد. علت این تفاوت این است که: خط فقر مبتنی بر معیار ۲۱۷۹ کالری صرفا براساس حداقل نیازهای انسان برآورد شده است و بر مفهوم مطلق فقر استوار است در حالیکه در روش معکوس ضریب انگل، خط فقر براساس الگوی مخارج کلیه افراد جامعه محاسبه می‌شود و بر مفهوم نسبی فقر استوار می‌باشد.

در جدول (۸) خط فقر براساس معیار ضریب انگل تعدیل شده محاسبه شده است و تعدیل به نحوی صورت گرفته است که مفهوم فقر مطلق اندازه خط فقر را متاثر نکند. همانگونه که قبلا اشاره

شد معیار معکوس ضریب انگل بر مفهوم نسبی فقر استوار است و در صورتیکه در متوسط مخارج جامعه ضرب شود خط فقر نسبی برآورد می‌گردد. در جدول شماره (۸) معکوس ضریب انگل در مخارج دهک اول درآمدی (فقیرترین فرد جامعه) ضرب شده است بنابراین خط فقر محاسبه شده به شدت متأثر از مخارج دهک اول می‌گردد. اجزای تشکیل دهنده این خط فقر بر دو مفهوم متفاوت فقر تأکید دارند. معکوس ضریب انگل، بر مفهوم نسبی و مخارج دهک اول، بر مفهوم مطلق فقر اشاره دارند و لذا خط فقر بدست آمده برآیندی از این دو مفهوم می‌باشد، اما با مقایسه ارقام جداول (۱) و (۸) مشخص می‌گردد در محاسبه خط فقر جدول ۸ وزنه اهمیت مفهوم مطلق فقر بر مفهوم نسبی فقر تسلط دارد.

در جدول (۹) خط فقر براساس معیارهای مختلف برای سالهای ۶۳ و ۷۹ و به تفکیک مناطق شهری و روستایی درج شده است. با مقایسه خط فقر برحسب معیارهای مرتبط با میانگین و میانه مخارج جامعه مشخص می‌گردد توزیع درآمد در جوامع شهری و روستایی ایرانی به صورت چوله راست می‌باشد زیرا خط فقرهای مرتبط با میانگین بزرگتر از خط فقرهای مرتبط با میانه می‌باشند. با مقایسه اندازه خط فقر در سالهای ۷۹ و ۶۳ مشخص می‌گردد در جوامع شهری خط فقر براساس معیار حداقل انرژی (۲۱۷۹ کالری) ۱۴/۱ برابر افزایش یافته است در حالیکه میزان افزایش خط فقر براساس معیار معکوس ضریب انگل ۲۷/۳ برابر افزایش یافته است. نکته قابل توجه دیگر این است که در تمامی سالها خط فقر شهری بزرگتر از خط فقر روستایی است و کلیه روشهای محاسبه خط فقر این نکته را تأیید می‌نمایند. علاوه بر این با مقایسه میزان افزایش خط فقر برحسب ملاکهای مختلف، می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری در توزیع درآمد در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی افزایش یافته است. توضیح اینکه در طی سالهای ۶۳ تا ۶۹ خط فقر مبتنی بر مفهوم مطلق فقر ۱۴/۱ برابر شده است در حالیکه خط فقر برحسب معکوس ضریب انگل ۲۷/۳ برابر شده است. خط فقر اخیر از نحوه توزیع درآمد در جامعه متأثر می‌باشد. در جوامع روستایی اندازه خط فقر برحسب روشهای مختلف محاسبه خط فقر تقریباً به یک نسبت افزایش یافته است.



جدول (۹) - مقایسه مقدار خط فقر برحسب روشهای مختلف

(سرانه - ماهانه - ریال)

روش	۲۱۷۹ کالری	۲۳۰۰ کالری	۵۰ درصد میانه	۶۶ درصد میانه	۵۰ درصد میانگین	۶۶ درصد میانگین	معکوس ضریب انگل (۱)	معکوس ضریب انگل (۲)
شهری	$\frac{۱۵۳۴۰۸}{۱۰۸۶۷} = ۱۴/۱$	$\frac{۱۶۱۹۲۸}{۱۱۴۷۰} = ۱۴/۱$	$\frac{۱۷۰۴۶۷}{۷۸۲۹} = ۲۱/۷$	$\frac{۲۲۵۰۱۶}{۱۰۳۳۴} = ۲۱/۷$	$\frac{۲۳۴۱۹۹}{۱۰۷۲۳} = ۲۱/۸$	$\frac{۳۰۹۱۴۳}{۱۴۱۵۴} = ۲۱/۸$	$\frac{۶۱۴۹۹۵}{۲۲۴۵۹} = ۲۷/۳$	$\frac{۱۴۲۹۴۹}{۵۰۳۵} = ۲۸/۳$
روستایی	$\frac{۸۴۶۸۴}{۳۵۰۳} = ۲۴/۱$	$\frac{۸۹۳۸۳}{۳۶۹۸} = ۲۴/۲$	$\frac{۹۸۳۴۴}{۳۸۳۴} = ۲۵/۷$	$\frac{۱۲۹۸۱۴}{۵۰۶۰} = ۲۵/۷$	$\frac{۱۳۰۴۴۷}{۵۰۵۲} = ۲۵/۸$	$\frac{۱۷۲۱۹۰}{۶۶۶۹} = ۲۵/۸$	$\frac{۳۰۵۵۷۳}{۱۳۳۰۰} = ۲۲/۹$	$\frac{۶۵۷۲۱}{۳۱۹۹} = ۲۰/۵$

## فصل ۴

# محاسبه شاخص‌های فقر در ایران

### مقدمه

در مطالعات گذشته پیرامون اندازه فقر در ایران عمدتاً بر دو شاخص «درصد فقیرها» و «شکاف فقر» تأکید شده است. علاوه بر این هدف بسیاری از مطالعات پیرامون فقر محاسبه خط فقر می‌باشد. در بخش قبلی این گزارش خط فقر به چند روش محاسبه شده و ملاحظه گردید خط فقر اندازه واحد و یکسانی ندارد و اساساً با توجه به ارزشهای اخلاقی و نوع روش محاسبه می‌توان اندازه‌های متفاوتی را برای خط فقر ارائه داد. در این بخش از مطالعه شاخص‌های فقر در ایران را معرفی و اندازه‌گیری می‌نمائیم. شاخص فقر سن اولین شاخصی است که با استناد به پایه‌های نظری قوی ساخته شده است. در این گزارش اندازه فقر برحسب شاخص سن محاسبه و گزارش می‌شود. شاخص سن یک شاخص ترکیبی است و از اجزای مختلف تشکیل شده است بطوریکه هر یک از این اجزا به تنهایی بخشی از واقعیت فقر در جامعه را مشخص می‌سازند. اجزای تشکیل دهنده این شاخص عبارتند از:

۱- ضریب جینی توزیع درآمد بین فقیرها

۲- درصد فقیرها در کل جمعیت

۳- شکاف نسبی فقر

در واقع شاخص سن ترکیبی است از دو نوع شکاف درآمدی یعنی شکاف نسبت به خط فقر و شکاف نسبت به برابری کامل.

$$P = H[I + (1 - I)G]$$

شاخص فقر سن

که در آن:

$H$  = درصد فقیرها،  $I$  = شکاف نسبی درآمد (شکاف فقر) و  $G$  = ضریب جینی توزیع درآمد بین فقیرها

برای محاسبه شاخص فقر سن ابتدا می‌باید سه شاخص  $H$ ،  $I$  و  $G$  محاسبه شود و محاسبه هر یک از سه شاخص اخیر الذکر مستلزم در اختیار داشتن خط فقر می‌باشد.

در بخشهای قبل خط فقر به روشهای مختلف محاسبه شد برای محاسبه شاخصهای فقر صرفاً از دو خط فقر استفاده می‌کنیم بطوریکه یکی از آنها متناظر با مفهوم مطلق فقر باشد و دیگری با مفهوم نسبی فقر سازگار باشد. دو خط فقر انتخابی عبارتند از خط فقر مبتنی بر حداقل انرژی مورد نیاز (۲۱۷۹ کالری) و خط فقر مبتنی بر معکوس ضریب انگل. پس از محاسبه این دو خط فقر به تفکیک سالهای مختلف وضعیت فقر خانوارهای نمونه در طرح هزینه و درآمد خانوار تعیین می‌گردد. برای اینکه تشخیص داده شود چند درصد خانوارها فقیر می‌باشند. مقدار خط فقر را با مخارج سرانه هر یک از خانوارها مقایسه می‌کنیم. اگر چنانچه مخارج سرانه خانوار نام مساوی یا بزرگتر از خط فقر محاسبه شده باشد آن خانوار غیر فقیر تلقی می‌شود و اگر کوچکتر از خط فقر باشد آن خانوار فقیر تلقی می‌شود. بدین ترتیب می‌توانیم درصد خانوارهای فقیر را شناسایی کنیم.

مرحله بعد برای محاسبه شاخص فقر، محاسبه شکاف نسبی فقر می‌باشد. برای اینکار ابتدا خانوارهای فقیر را از خانوارهای غیرفقیر جدا می‌کنیم سپس کمبود مخارج سرانه هر یک از خانوارهای فقیر را نسبت به خط فقر محاسبه می‌کنیم و این شکاف درآمدی را برای تمامی خانوارهای فقیر جمع می‌کنیم. مجموع بدست آمده را بر خط فقر و تعداد خانوارهای فقیر تقسیم می‌کنیم. مقداری که بدین ترتیب بدست می‌آید نشان دهنده آن است که بطور متوسط شکاف درآمدی هر فرد فقیر چه نسبی از خط فقر می‌باشد.

مرحله سوم برای محاسبه شاخص فقر سن، محاسبه ضریب جینی توزیع درآمد بین فقیرها می‌باشد. پس از محاسبه  $H$ ،  $I$  و  $G$  امکان محاسبه شاخص فقر سن ( $p$ ) فراهم می‌آید. در ادامه این

بخش ابتدا مقدار  $H$ ،  $I$ ،  $G$  و  $P$  را برای جوامع شهری و روستایی در سالهای ۶۴ تا ۷۹ محاسبه و گزارش می‌کنیم و سپس شاخصهای فوق‌الذکر را برحسب تقسیم‌بندی‌های مختلف از خانوارهای ایرانی ارایه خواهیم داد.

#### ۱-۴- شاخصهای فقر در جوامع شهری و روستایی

در این بخش از مطالعه، اندازه شاخصهای فقر در طی سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۹ برای مناطق شهری و روستایی گزارش می‌شود. البته اندازه شاخصهای فقر به اعتبار تقسیم‌بندی‌های مختلف از خانوارها به بخش بعدی این گزارش موکول می‌شود.

در جدول (۱۰) نتایج مربوط به محاسبه شاخصهای شکاف نسبی فقر، ضریب جینی فقرا، درصد خانوارهای فقیر و شاخص سن درج شده است. برحسب خط فقر محاسبه شده با ملاک ۲۱۷۹ کالری برای هر نفر در روز که در بخشهای قبلی به طور مفصل توضیح داده شده شکاف نسبی فقر در جامعه شهری از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ افزایش یافته بطوریکه از ۰/۳۶۶ در سال ۶۴ به ۰/۴۰۶ در سال ۶۸ رسیده است، اما در سالهای بعد از ۶۸ یک روند نزولی را آغاز نموده که تا سال ۷۹ ادامه یافته است. بطوریکه از ۰/۴۰۶ در سال ۶۸ به ۰/۲۹۶ در سال ۷۹ کاهش یافته است. البته قابل توجه است که این مقدار شکاف در بعضی از سالهای مطالعه نوسان داشته ولی در مجموع دارای روندی نزولی بوده است. همچنین قابل توجه است که سال ۶۸ آغاز اجرای برنامه توسعه اول و بدنبال آن برنامه‌های توسعه دوم و سوم بوده است و در سالهای قبل از آن شرایط جنگی بر کشور حاکم بوده است.

توزیع درآمد بین فقرا در سالهای مطالعه تقریباً شبیه به روند شکاف فقر است بطوریکه از سال ۶۴ تا ۶۸ توزیع درآمد بین فقرا نامتعادل‌تر شده یعنی ضریب جینی از ۰/۲۱۱ در سال ۶۴ به ۰/۲۳۸ در سال ۶۸ افزایش یافته است. پس از سال ۶۸ روند کاهشی ضریب جینی توزیع درآمد بین فقرا آغاز شده و تا سال ۷۹ ادامه یافته است بطوریکه ضریب جینی توزیع درآمد بین فقرا در سال ۷۹ به ۰/۱۷۴ کاهش یافته است. این وضعیت دلالت بر متعادل‌تر شدن توزیع درآمد بین فقرا پس از سالهای ۶۸ تا ۷۹ را دارد. البته نوسان در توزیع درآمد در برخی سالها مشاهده

می‌شود اما تاثیرگذار بر روند کاهشی آن نیست. شاخص سوم درصد خانوارهای فقیر است. این شاخص همانگونه که گفته شد در عین سادگی اطلاع جالب توجه و ملموسی از سطح فقر را نیز نشان می‌دهد. بر پایه این شاخص میزان فقر همانند سه شاخص قبلی از سال ۶۴ تا ۶۷ افزایش یافته بطوریکه از ۳۱ درصد در سال ۶۴ به ۴۷ درصد در سال ۶۷ افزایش یافته سپس سیر نزولی را آغاز و در سالهای ۷۸، ۷۹ به ترتیب به ۹/۷ درصد و ۱۵ درصد تنزل پیدا کرده است.

همانطور که گفته شد سن با استفاده از اصول بدهی و ترکیب ۳ شاخص قبلی اقدام به ارائه شاخصی نمود که سطح فقر را بطور دقیق برآورد نماید. بر پایه محاسبه مقدار این شاخص، سطح فقر در جامعه شهری کشور طی سالهای ۶۴ تا ۶۸ افزایش یافته و از ۰/۱۵۶ به ۰/۲۵۳ رسیده است. طی سالهای ۶۸ تا ۷۹ سطح فقر در جوامع شهری روندی نزولی داشته بطوریکه از ۰/۱۹۸ در سال ۶۹ به ۰/۰۵۲ در سال ۷۹ کاهش یافته است.

برای جوامع روستایی تغییرات روند زمانی فقر نشان‌دهنده آنست که شکاف نسبی فقر از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۱ یک روند افزایشی داشته بطوریکه از ۰/۲۸۵ در سال ۶۴ به ۰/۳۷۲ در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته سپس از این سال تا ۱۳۷۹ یک روند نزولی را تجربه نموده است بطوریکه از ۰/۳۶۰ در سال ۷۲ به ۰/۲۸۳ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. تغییرات توزیع درآمد بین فقرا در جامعه روستایی در طی سالهای مطالعه شبیه به تغییرات شکاف فقر است بطوریکه از سال ۶۴ تا ۷۱ تغییرات افزایشی بوده سپس نزولی، که تا سال ۷۹ ادامه یافته است. ارقام مربوط به توزیع درآمد فقرا در جامعه روستایی نشان می‌دهد که از ۰/۱۶۴ در سال ۶۴ به ۰/۲۱۴ در سال ۷۱ افزایش یافته است در حالیکه در سال ۷۹ به ۰/۱۶۱ رسیده است. درصد خانوارهای فقیر در جامعه روستایی روندی دیگر داشته بطوریکه از سال ۶۴ تا سال ۷۳ افزایشی بوده و از ۱۵ درصد در سال ۶۴ به ۴۲ درصد در سال ۷۳ رسیده سپس روند نزولی را آغاز نموده و به ۱۲ درصد در سال ۷۹ کاهش یافته است.

لحاظ نمودن سه عنصر اصلی شاخص فقر و محاسبه شاخص فقر سن در جامعه روستایی که در جدول (۱۰) آمده، دلالت بر آن دارد که سطح فقر در جامعه روستایی تا سال ۷۳ روندی افزایشی

داشته است اگرچه در برخی سالها نوسان نسبتا شدیدی را نشان می‌دهد (سالهای ۶۹ و ۷۰). بطوریکه شاخص فقر سن از ۰/۰۶۲ در سال ۶۴ به ۰/۲۰۱ در سال ۷۳ افزایش یافته و پس از این سال روند نزولی اندازه فقر آغاز گردیده و تا سال ۷۹ ادامه داشته است؛ بطوریکه در سال ۷۹ شاخص سن در جامعه روستایی به ۰/۰۴۸ رسیده است.

جدول (۱۰) - شاخصهای فقر برای جوامع شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۹

سال	شهری				روستایی			
	شکاف فقر	ضریب جینی فقرا	درصد خانوارهای فقیر	شاخص سن	شکاف فقر	ضریب جینی فقرا	درصد خانوارهای فقیر	شاخص سن
۶۴	۰/۳۶۶	۰/۲۱۱	۳۱	۰/۱۵۶	۰/۲۸۵	۰/۱۶۴	۱۵	۰/۰۶۲
۶۵	۰/۳۹۱	۰/۲۲۵	۴۰	۰/۲۱۱	۰/۳۲۹	۰/۱۹۲	۲۵	۰/۱۱۵
۶۶	۰/۳۶۲	۰/۲۰۸	۳۵	۰/۱۷۲	۰/۳۱۴	۰/۱۷۸	۲۱	۰/۰۹۱
۶۷	۰/۳۹۷	۰/۲۲۵	۴۷	۰/۲۴۸	۰/۳۰۵	۰/۱۶۹	۲۶	۰/۱۱۲
۶۸	۰/۴۰۶	۰/۲۳۸	۴۶	۰/۲۵۳	۰/۳۱۳	۰/۱۷۹	۲۵	۰/۱۱۰
۶۹	۰/۳۵۶	۰/۱۹۸	۴۱	۰/۱۹۸	۰/۳۳۲	۰/۱۹۶	۱۸	۰/۰۸۳
۷۰	۰/۳۶۴	۰/۲۰۳	۳۷	۰/۱۸۱	۰/۳۴۲	۰/۲۰۲	۱۹	۰/۰۹۰
۷۱	۰/۳۳۸	۰/۱۹۵	۲۸	۰/۱۳۲	۰/۳۷۲	۰/۲۱۴	۳۲/۵	۰/۱۶۵
۷۲	۰/۲۹۹	۰/۱۶۷	۲۴	۰/۰۹۹	۰/۳۶۰	۰/۲۰۴	۳۷	۰/۱۸۱
۷۳	۰/۳۳۴	۰/۱۸۵	۳۴	۰/۱۵۵	۰/۳۵۶	۰/۱۹۶	۴۲	۰/۲۰۱
۷۴	۰/۳۰۳	۰/۱۸۴	۱۵	۰/۰۶۵	۰/۳۳۳	۰/۱۹۲	۲۲/۵	۰/۱۰۳
۷۵	۰/۳۰۱	۰/۱۸۵	۱۶/۵	۰/۰۷۱	۰/۳۰۹	۰/۱۷۸	۱۹	۰/۰۸۳
۷۶	-	-	-	-	۰/۲۹۵	۰/۱۶۷	۱۴	۰/۰۵۹
۷۷	۰/۲۹۳	۰/۱۷۶	۱۴	۰/۰۵۷	۰/۲۹۸	۰/۱۷۵	۱۶	۰/۰۶۶
۷۸	۰/۲۸۸	۰/۱۷۷	۹/۷	۰/۰۴۰	۰/۲۸۸	۰/۱۷۱	۹/۶	۰/۰۳۹
۷۹	۰/۲۹۶	۰/۱۷۴	۱۲/۳	۰/۰۵۲	۰/۲۸۳	۰/۱۶۱	۱۲	۰/۰۴۸

مأخذ: یافته‌های پژوهشی

نکته قابل توجه در خصوص مقایسه اندازه شاخص سن در شهر با روستا دلالت بر آن دارد که اولاً در جامعه روستایی چند سال تاخیر در توجه به مسأله فقرزدایی وجود داشته است ثانیاً سطح مطلق فقر در جامعه شهری تا سال ۷۱ بیشتر از جامعه روستایی بوده و پس از این سال تا سال ۷۷ سطح فقر در جامعه روستایی بالاتر از جامعه شهری بوده است. در دو سال آخر مطالعه مجدداً فقر جامعه شهری بالاتر از جامعه روستایی بوده است. مقایسه سه عنصر اصلی شاخص سن در جامعه شهری و روستایی تایید کننده این نکته است که تا سال ۷۱ فقر در جامعه شهری بیشتر از جامعه روستایی بوده است. این نکته می‌تواند توجیه کننده توجه بیشتر سیاستگذاران به کاهش فقر در جامعه شهری نسبت به جامعه روستایی باشد.

## ۲-۴- شاخصهای فقر برحسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها

پس از محاسبه شاخصهای فقر در جوامع شهری و روستایی، در این بخش از گزارش قصد آنرا داریم که موضوع فقر را فراتر از مناطق شهری و روستایی و براساس خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوار بررسی نمائیم. محاسبه شاخصهای فقر برای خانوارها با خصوصیات مختلف این امکان را فراهم می‌سازد که نحوه پراکندگی فقر و شدت آن بین گروههای مختلف اجتماعی بهتر نمایان شود. در این بخش از گزارش شاخصهای فقر برای دوره زمانی ۷۹-۷۱ ارایه می‌گردد.

ابتدا استانهای کشور به ۷ گروه تفکیک گردید و برای هر گروه با توجه به خط فقرهای مختلف شاخصهای فقر محاسبه شد. این ۷ گروه عبارتند از: ۱- چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و سیستان و بلوچستان ۲- تهران، فارس، اصفهان ۳- مرکزی، کرمان، یزد، سمنان ۴- آذربایجان غربی و شرقی، زنجان ۵- گیلان، مازندران، خراسان ۶- خوزستان، لرستان، بوشهر، هرمزگان ۷- کردستان، کرمانشاه، همدان.

سپس بر پایه نوع فعالیت سرپرست خانوار فقر در ۹ گروه محاسبه گردید. این گروهها عبارتند از: کشاورزی؛ صنعت و معدن؛ برق؛ آب و گاز؛ ساختمان؛ عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ هتل و رستوران؛ حمل و نقل و ارتباطات، واسطه‌گریهای مالی و سایر.

در مرحله سوم شاخصهای فقر برحسب پایه سواد سرپرست خانوار و برحسب تقسیم‌بندی زیر محاسبه شد: ۱- بی‌سواد ۲- ابتدایی ۳- راهنمایی ۴- دبیرستان و دیپلم ۵- فوق دیپلم و لیسانس ۶- بالاتر از لیسانس و دکتری ۷- سایر .

در مرحله چهارم فقر به اعتبار سن سرپرست خانوار محاسبه گردید. در این تقسیم بندی ۵ گروه زیر در نظر گرفته شده است:

۱- ۲۵ سال و کمتر

۲- ۲۶ تا ۳۵ سال

۳- ۳۶ تا ۴۵ سال

۴- ۴۶ تا ۵۵ سال

۵- ۵۶ سال به بالا

در مرحله پنجم شاخصهای فقر براساس نوع تصدی بر شغل سرپرست خانوار محاسبه شد. بر پایه این ملاک مشاغل به کارفرما، کارکن مستقل، کارکن بخش عمومی، کارکن بخش خصوصی و کارکن فامیلی تقسیم می‌شوند.

در مرحله ششم فقر بر حسب گروههای عمده شغلی برآورد گردید. براساس این تقسیم بندی مشاغل به ۹ گروه زیر طبقه بندی شده اند:

- ۱- قانونگذاران و مقامات عالیرتبه
- ۲- متخصصان علمی - فنی
- ۳- تکنسین‌ها و دستیاران
- ۴- کارمندان دفتری
- ۵- کارکنان خدماتی و فروشندگان
- ۶- کارکنان ماهر کشاورزی
- ۷- صنعت‌گران
- ۸- متصدیان ماشین‌الات و دستگاههای مونتاز
- ۸- کارگران ساده خدمات
- ۹- سایر مشاغل

### ۳-۴- بررسی سطح فقر در خانوارهای ایرانی

در بخش اول این مطالعه انواع خط فقر برحسب روشهای مختلف و برپایه مفاهیم مختلف از فقر محاسبه گردید و نتایج آن ارائه شد. این نتایج پایه تفکیک فقیرها از غیر فقیرها قرار می‌گیرد و به کمک آن اولین شاخص فقر که نشان دهنده سطح فقر در بین خانوارهای مختلف است، ساخته می‌شود. این شاخص بسیار ساده با عنوان درصد خانوارهای فقیر، از رابطه زیر محاسبه شده است:

$$H = \frac{m}{n} \times 100$$

$H$  = درصد خانوارهای فقیر

$m$  = تعداد خانوارهایی که درآمدی کمتر از خط فقر دارند

$n$  = تعداد کل خانوارهای مورد مطالعه

در ادامه بحث شاخص درصد فقر بر حسب خصوصیات مختلف اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی خانوارهای ایرانی و براساس دو خط فقر مختلف محاسبه می‌شود. در انتخاب این دو خط فقر، کوشش شده است هم مفهوم مطلق فقر و هم مفهوم نسبی آن لحاظ شده است. براین اساس با توجه به



روش نیازهای اساسی و رویکرد حداقل میزان انرژی دریافتی یک خط فقر مورد توجه قرار گرفت و پس از محاسبه‌های خط فقر سایر شاخصهای فقر متناظر با آن محاسبه شده‌اند از طرف دیگر خط فقر دیگری که مفهوم نسبی فقر را در برداشته باشد مورد توجه قرار گرفت تا شاخصهای فقر براساس مفهوم نسبی فقر نیز محاسبه شوند. در واقع انتخاب این دو شاخص با این هدف صورت گرفته است که امکان مقایسه اندازه شاخصهای فقر براساس دو رویکرد متفاوت فراهم آید. بر این اساس شاخصهای فقر همچون «درصد فقیرها»، شکاف فقر و شاخص فقر نسبی به کمک دو خط فقر زیر محاسبه شده‌اند.

۱- خط فقر متناظر با ۲۱۷۹ کالری انرژی

۲- خط فقر براساس روش معکوس ضریب انگل

۱-۳-۴- درصد خانوارهای فقیر شهری و روستایی

در جدول (۱۱) درصد خانوارهای فقیر شهری و روستایی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ برحسب خط فقر ۲۱۷۹ کالری و معکوس ضریب انگل درج شده است.

جدول (۱۱)- درصد خانوارهای فقیر شهری و روستایی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

سال		۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	خط فقر ۲۱۷۹ کالری	۲۸	۲۴	۳۴	۱۵	۱۶/۵	۱۷	۱۴	۹/۷	۱۲
	خط فقر معکوس ضریب انگل	۷۵/۵	۷۶	۷۹	۸۳	۸۷	۸۵	۷۹	۷۹	۷۸
روستایی	خط فقر ۲۱۷۹ کالری	۳۲/۵	۳۶/۸	۴۲	۲۲/۵	۱۹	۱۴/۵	۱۶	۹/۶	۱۲
	خط فقر معکوس ضریب انگل	۶۵	۶۳	۶۸/۵	۷۴	۷۸	۷۶	۷۰/۵	۷۵	۷۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج فوق دلالت بر آن دارد که درصد خانوارهای فقیر بسته به اینکه چه مفهومی از فقر مد نظر قرار گیرد بسیار متفاوت خواهد بود بطوریکه اگر خط فقر به مفهوم مطلق در نظر گرفته شود (۲۱۷۹ کالری) درصد خانوارهای فقیر بسیار کمتر از درصد خانوارهای با مفهوم نسبی (خط فقر برپایه معکوس ضریب انگل خواهد بود) خواهد بود. براساس ملاک اول درصد خانوارهای فقیر شهری

طی سالهای ۷۱ تا ۷۸ کاهش یافته است. در حالیکه براساس ملاک دوم درصد خانوارهای فقیر شهری در سالهای مطالعه از یک روند صعودی برخوردار بوده بطوریکه از ۷۵/۵ درصد در سال ۷۱ به ۷۹ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است. درصد خانوارهای فقیر در سال ۷۹ برحسب روش اول افزایش و برحسب روش دوم درصد ناچیزی کاهش یافته است این نتایج دلالت بر آن دارد که اقدامات دولت در جهت کاهش فقر مطلق مؤثر بوده است اما در کاهش فقر نسبی ناموفق عمل شده است و یا می‌توان گفت کاهش فقر نسبی در کانون توجه اقدامات دولت نبوده است. نکته قابل توجه دیگر این است که ارقام جدول فوق بر تفاوت مفاهیم مختلف فقر و تاثیر آن بر اندازه فقر اشاره دارد. در واقع ارقام مختلفی که محققین مختلف از خط فقر ارائه می‌دهند متاثر از دیدگاه آنها و مفهوم فقری است که برای اندازه‌گیری آن انتخاب کرده‌اند.

برای جوامع روستایی نیز تصویر کاملاً مشابهی با جامعه شهری ملاحظه می‌شود، یعنی اینکه مشابه مناطق شهری درصد خانوارهای فقیر براساس دو مفهوم فقر مطلق و نسبی بسیار متفاوت می‌باشد برای مثال در سال ۷۹ حدود ۱۲ درصد خانوارهای روستایی براساس مفهوم مطلق فقر، فقیر تلقی می‌شوند. در حالیکه براساس مفهوم نسبی فقر حدود ۷۳ درصد خانوارهای روستایی فقیر بودند همچنین روند زمانی درصد خانوارهای فقیر در ملاک اول کاهشی و در ملاک دوم افزایشی است. درصد خانوارهای فقیر روستایی براساس خط فقر ۲۱۷۹ کالری در سال ۱۳۷۱ برابر ۳۲/۵ درصد بوده که در سال ۷۹ به ۱۲ درصد کاهش یافته است. براساس خط فقر مبتنی بر معکوس ضریب انگل درصد خانوارهای روستایی در سال ۱۳۷۱ برابر ۶۵ درصد بوده که در سال ۱۳۷۸ به ۷۵ درصد افزایش یافته و در سال ۱۳۷۹ به ۷۳ درصد تغییر یافته است. نکته جالب توجه دیگر مقایسه جامعه شهری و روستایی از نظر درصد خانوارهای فقیر در هر یک از سالهای مورد مطالعه می‌باشد. با این مقایسه مشخص می‌گردد که در جوامع شهری اگر ملاک خط فقر، مفهوم مطلق فقر باشد درصد خانوارهای فقیر روستایی بیشتر از درصد خانوارهای فقیر شهری است در حالیکه اگر ملاک خط فقر، مفهوم نسبی باشد، درصد خانوارهای فقیر شهری بیشتر از درصد خانوارهای

فقیر روستایی است. به عبارت دیگر فقر مطلق در جامعه روستایی بیشتر از جامعه شهری است اما فقر نسبی در جامعه شهری بیشتر از جامعه روستایی است.

### ۲-۳-۴- درصد خانوارهای فقیر بر حسب سن سرپرست خانوار

در جدول (۱۲ و ۱۳) درصد خانوارهای فقیر به تفکیک ۵ گروه سنی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ و بر پایه دو ملاک فقر مطلق و نسبی یعنی خط فقر مبتنی بر ۲۱۷۹ کالری و خط فقر مبتنی بر معکوس ضریب انگل درج شده است.

جدول (۱۲) - درصد خانوارهای فقیر به تفکیک گروههای سنی بر پایه خط فقر مبتنی بر ۲۱۷۹ کالری

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کمتر از ۲۵ سال	۳۰	۳۱	۳۹/۵	۲۰/۵	۲۵	۷/۹	۱۹	۱۲	-
۲۶ تا ۳۵ سال	۳۰	۲۹	۳۸/۵	۱۷/۵	۲۰	۶/۵	۱۷/۵	۱۱	۱۴
۳۶ تا ۴۵ سال	۳۵	۳۱	۳۹/۵	۲۱	۲۱	۶/۴	۱۸	۱۲	۱۶
۴۶ تا ۵۵ سال	۳۳/۶	۳۲	۳۸	۱۹	۲۰	۶/۳	۱۸	۱۲	۱۶
۵۵ سال به بالا	۳۴	۳۴	۴۰	۲۲	۲۳	۸	۲۰	۱۳	۱۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج مندرج در جدول (۱۲) دلالت بر آن دارد که برای تمامی گروههای سنی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ اندازه فقر مطلق کاهش یافته است. همچنین در سالهای مطالعه بیشترین درصد خانوارهای فقیر در گروههای سنی کمتر از ۲۵ سال و ۵۵ سال به بالا قرار گرفته‌اند و کمترین درصد خانوارهای فقیر در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال قرار دارند. این امر کاملاً منطقی است زیرا در گروه سنی کمتر از ۲۵ سال معمولاً موقعیت پیدا نمودن شغل کمتر است در نتیجه سطح درآمد پایین است همچنین در گروه سنی بالای ۵۵ سال معمولاً سرپرست خانوار بازنشسته می‌باشد که موجب افت شدید درآمد خانوار می‌گردد و در مقابل، افراد گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال در اوج دوره کاری زندگی خود قرار دارند و انتظار این است که از سطح درآمدی خوبی در مقایسه با سایر دوره‌های زندگی خود برخوردار باشند.

در ادامه به منظور مقایسه فقر مطلق با فقر نسبی، درصد خانوارهای فقیر بر پایه خط فقر مبتنی بر معکوس ضریب انگل در جدول (۱۳) درج شده است.

همانطور که در بررسی درصد خانوارهای شهری و روستایی بر پایه ملاک فقر مطلق و نسبی ملاحظه گردید، ملاک فقر نسبی درصد خانوارهای فقیر را بسیار بیشتر از ملاک فقر مطلق برآورد می‌نماید. با توجه به مفهوم فقر نسبی، در طی سالهای مورد مطالعه کمترین درصد فقر مشاهده شده مربوط به گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال و به میزان ۷۱ درصد (سال ۱۳۷۲) می‌باشد در حالیکه جدول (۱۳) - درصد خانوارهای فقیر به تفکیک گروههای سنی بر پایه خط فقر معکوس ضریب انگل

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کمتر از ۲۵ سال	۷۳	۷۵	۷۸	۷۹	۸۷	۸۵	۸۱	۸۰	۸۱
۲۶ تا ۳۵ سال	۷۳	۷۳	۷۹	۸۱	۸۷	۸۴	۷۸/۵	۷۹	۷۷
۳۶ تا ۴۵ سال	۷۴	۷۴	۷۹	۸۲	۸۶	۸۵	۷۷	۷۹	۷۹
۴۶ تا ۵۵ سال	۷۲	۷۱	۷۵	۷۹/۵	۸۲	۸۱	۷۳	۷۵/۵	۷۷
۵۵ سال به بالا	۷۲	۷۳	۷۵	۸۰	۸۴	۸۱	۷۴	۷۵	۷۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بالاترین درصد خانوارهای فقیر بر پایه ملاک فقر مطلق مربوط به گروه سنی ۵۵ سال به بالا و به میزان ۴۰ درصد می‌باشد (سال ۱۳۷۳). به عبارت دیگر پایین‌ترین درصد فقر در ملاک فقر نسبی با بالاترین درصد فقر در مفهوم مطلق ۳۱ درصد اختلاف دارند.

ارقام جدول (۱۲) دلالت بر آن دارد که طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ درصد خانوارهای فقیر برای تمامی گروههای سنی کاهش یافته است یعنی در واقع بر حسب مفهوم مطلق فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ درصد فقر کاهش یافته است در حالیکه جدول (۱۳) که درصد خانوارهای فقیر را بر حسب فقر نسبی نشان می‌دهد بر افزایش درصد خانوارهای فقیر در طی سالهای مورد مطالعه دلالت دارد.

### ۳-۳-۴- بررسی درصد خانوارهای فقیر بر حسب پایه تحصیلی

درصد خانوارهای فقیر بر پایه خط فقر ۲۱۷۹ کالری به تفکیک پایه تحصیلی سرپرست خانوار طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ در جدول (۱۴) درج شده است.

بررسی درصد خانوارها به تفکیک سطح سواد سرپرست خانوار در رد یا تایید این موضوع که افزایش سطح سواد باعث افزایش درآمد و در نتیجه کاهش فقر می‌شود، مفید می‌باشد. این

جدول (۱۴) - درصد خانوارهای فقیر بر حسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار بر پایه خط فقر مبتنی ۲۱۷۹ کالری طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

درصد

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۷	۷۸	۷۹
بی‌سواد	۴۶	۴۵	۵۵	۳۱	۳۳	۳۰	۲۰	۲۸
ابتدایی	۳۰	۲۹	۳۸	۱۷	۱۸	۱۵	۹/۴	۱۵
راهنمایی	۱۵	۱۷	۲۷	۱۰	۱۰	۹/۷	۵/۴	۸/۷
دبیرستان و دیپلم	۸/۸	۱۰	۱۵	۵/۶	۶	۴/۸	۱/۹	۴
فوق دیپلم و لیسانس	۳/۵	۴	۹	۳	۲/۵	۱/۶	۱/۵	۱/۶
بالا تر از لیسانس و دکترا	.	۲/۵	۳	۳/۴	۷	۵/۵	۳/۲	۴/۲
سایر	۳۴	۳۰	۳۸	۱۹	۲۲	۱۹	۱۰	۲۴/۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

موضوع را از دو جنبه می‌توان تحلیل نمود. جنبه اول اینکه آیا افزایش سطح سواد در کاهش فقر مطلق موثر است؟ نتایج جدول (۱۴) در تمامی سالهای مطالعه نشان می‌دهد با افزایش سطح سواد سرپرست خانوار، درصد خانوارهای فقیر کاهش یافته است، برای مثال در سال ۱۳۷۹ درصد خانوارهای فقیر که سرپرست آنها بی‌سواد بوده ۲۸ درصد و خانوارهایی که سرپرست آنها دارای تحصیلات فوق دیپلم و لیسانس بوده ۱/۶ درصد و خانوارهایی که دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس و دکترا بوده‌اند ۴/۲ درصد بوده است. این تصویر دقیقاً در سایر سالهای مطالعه نیز مشاهده می‌گردد. از سوی دیگر در طی زمان درصد خانوارهای فقیر در کلیه گروههای تحصیلی روند نزولی داشته بطوریکه در گروه بی‌سواد درصد خانوارهای فقیر از ۴۶ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته؛ در گروه ابتدایی درصد فقر از ۳۰ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۱۵ درصد در سال ۱۳۷۹، در گروه راهنمایی از ۱۵ درصد به ۸/۷ درصد، در گروه دبیرستان و دیپلم

از ۸/۸ درصد به ۴ درصد، در گروه فوق دیپلم و لیسانس از ۳/۵ درصد به ۱/۶ درصد کاهش یافته است. اما در خصوص گروه بالاتر از لیسانس و دکترا یک استثناء مشاهده می‌گردد به این معنا که در طی زمان درصد خانوارهای فقیر در این گروه افزایش یافته است و از آنجا که این ارقام مربوط به فقر مطلق می‌باشد، توجه به آن بسیار حایز اهمیت است. زیرا درصد خانوارهای فقیر در این گروه از صفر درصد در سال ۱۳۷۱ به ۷ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۴/۲ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. این امر دلالت بر بی‌توجهی اقدامات فقرزدایی در طی سالهای مطالعه نسبت به گروه فوق‌الذکر دارد.

جنبه دوم تحلیل نتایج مربوط به آن است که وضعیت گروههای مختلف تحصیلی بر پایه فقر نسبی چگونه است، به عبارت دیگر آیا در هر یک از گروههای تحصیلی فقر نسبی با افزایش سطح تحصیلات کاهش می‌یابد؟ همچنین می‌توان بررسی نمود آیا در طی زمان فقر نسبی در کلیه گروههای تحصیلی کاهش یافته است یا خیر؟ برای پاسخ به سوال فوق، درصد خانوارهای فقیر براساس مفهوم نسبی فقر به تفکیک گروههای مختلف تحصیلی در جدول (۱۵) درج شده است.

جدول (۱۵) - درصد خانوارهای فقیر به تفکیک گروههای تحصیلی بر پایه خط فقر معکوس ضریب انگل

طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
بی‌سواد	۸۴	۸۴	۸۸	۸۹	۹۳	۹۱	۸۶	۸۷	۸۸
ابتدایی	۷۴	۷۵	۸۰	۸۳	۸۸	۸۶	۷۷	۸۰	۸۲
راهنمایی	۶۲	۶۵	۷۲	۷۷	۸۱	۸۰	۷۱	۷۴	۷۴
دبیرستان و دیپلم	۴۹	۴۹	۵۸	۶۳	۷۰	۶۵	۵۶	۵۷	۵۴
فوق دیپلم و لیسانس	۲۶	۲۹/۶	۴۲	۵۰	۵۴	۵۲	۳۷	۴۲	۴۰
بالاتر از لیسانس و دکترا	۴/۹	۱۱	۱۴	۱۹	۴۱	۳۷/۵	۳۳	۲۷	۲۹
سایر	۷۲	۷۳	۷۶	۸۳	۹۰	۸۷/۵	۸۳	۸۰	۸۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بررسی درصد خانوارهای فقیر بر پایه مفهوم نسبی فقر نیز این موضوع را تأیید می‌کند که با افزایش سطح تحصیلات، فقر نیز کاهش می‌یابد. در تمامی سالهای مطالعه با حرکت از گروه بی‌سواد به سمت بالاترین سطح سواد یعنی گروه بالاتر از لیسانس و دکترا، درصد خانوارهای فقیر

کاهش یافته است. برای مثال در سال ۱۳۷۹ درصد خانوارهای فقیر با سرپرست بی‌سواد ۸۸ درصد، برای گروههای سرپرست ابتدایی ۸۲ درصد، برای گروه دارای سرپرست راهنمایی ۷۴ درصد؛ برای گروه دارای سرپرست دبیرستان و دیپلم ۵۴ درصد، برای گروه فوق دیپلم و لیسانس ۴۰ درصد و برای گروه بالاتر از لیسانس و دکترا ۲۹ درصد بوده است.

در طی زمان یعنی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ درصد خانوارهای فقیر در تمامی گروههای تحصیلی روند افزایشی داشته است یعنی سطح فقر نسبی بر خلاف فقر مطلق در کلیه گروههای تحصیلی افزایش یافته است. این نتایج تایید کننده نتایج قبلی است.

#### ۴-۳-۴- بررسی درصد خانوارهای فقیر برحسب مناطق جغرافیایی

بررسی فقر بر حسب مناطق جغرافیایی از دیدگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای بسیار حایز اهمیت است، زیرا امکان را فراهم می‌کند تا منابع تخصیص داده شده برای فقرزدایی به مناطق با اولویت بالا تخصیص داده شود. برای بررسی فقر در مناطق مختلف کشور ابتدا استانهای کشور را در قالب ۷ منطقه تفکیک شد. در این تقسیم‌بندی سعی شده است استانهای محروم و استانهای برخوردار در گروههای مختلف قرار گیرند.

درصد خانوارهای فقیر برپایه مفهوم نسبی و مطلق فقر و به تفکیک مناطق ۷ گانه در جداول (۱۶) و (۱۷) درج گردیده است.

جدول (۱۶)- درصد خانوارهای فقیر برپایه ملاک خط فقر ۲۱۷۹ کالری به تفکیک مناطق ۷ گانه طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ درصد

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۷	۷۸	۷۹
چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، سیستان و بلوچستان	۴۲	۳۵	۵۷	۲۹	۳۹	۳۳	۲۲	۲۵/۵
تهران، فارس، اصفهان	۱۸	۲۰	۲۲	۹	۱۰	۸	۴/۵	۶/۴
مرکزی، کرمان، یزد، سمنان	۳۰	۳۰	۴۰	۲۱	۲۳	۲۱	۱۱	۱۵/۵
آذربایجان غربی، شرقی و زنجان	۴۱	۴۱	۴۵	۲۲	۲۴	۲۰	۱۵	۱۹
گیلان، مازندران و خراسان	۳۴	۳۷/۵	۵۳	۲۷/۵	۲۹/۵	۲۴	۹/۵	۱۸
خوزستان، لرستان، بوشهر، هرمزگان	۳۲	۳۲	۴۳/۵	۲۰	۱۷	۱۹/۵	۱۱	۱۴
کردستان، کرمانشاه، همدان	۴۴	۳۸	۴۶	۲۳	۲۷	۲۷	۲۰	۲۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ارقام مندرج در جدول (۱۶) دلالت بر آن دارد که گروه استانهای چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، سیستان و بلوچستان در اکثر سالهای مطالعه بالاترین درصد خانوارهای فقیر را داشته است که با توجه به محرومیت این استانها قابل تایید است. همچنین در تمامی سالهای مطالعه کمترین درصد خانوارهای فقیر را گروه استانهای تهران، فارس و اصفهان داشته است که با توجه به برخورداری این استانها از امکانات مختلف دور از انتظار نیز نیست.

بررسی تحول زمانی درصد خانوارهای فقیر در گروههای مختلف جغرافیایی دلالت بر کاهش درصد خانوارهای فقیر طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ دارد بطوریکه درصد خانوارهای فقیر برای گروه اول (محرومترین گروه) از ۴۲ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۲۵/۵ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. برای گروه دوم (برخوردارترین گروه) درصد خانوارهای فقیر از ۱۸ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۶/۴ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. برای گروههای سوم تا هفتم به ترتیب درصد خانوارهای فقیر در سال ۱۳۷۱ برابر ۳۰ درصد، ۴۱ درصد، ۳۲ درصد و ۴۴ درصد بوده که در سال ۱۳۷۹ به ترتیب به ۱۵/۵ درصد، ۱۹ درصد، ۱۸ درصد، ۱۴ درصد و ۲۳ درصد کاهش یافته است. این نتایج دلالت بر کاهش فقر مطلق در طی دوره مورد بررسی دارد.

در جدول (۱۷) درصد خانوارهای فقیر برحسب مناطق ۷گانه جغرافیایی و بر پایه مفهوم نسبی فقر درج شده است.

با ملاحظه جدول (۱۷) و مقایسه ارقام آن با جدول (۱۶) مشخص می‌گردد برآورد سطح فقر برپایه فقر نسبی (ملاک معکوس ضریب انگل) در مناطق مختلف به مراتب بیشتر از برآورد برپایه فقر مطلق (ملاک ۲۱۷۹ کالری) می‌باشد. اما تصویر مربوط به وضعیت فقر در گروههای مختلف جغرافیایی بر پایه فقر نسبی مشابه درصد فقر برپایه ملاک خط فقر ۲۱۷۹ کالری است به این معنا که گروه استانهای چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، ایلام، سیستان و بلوچستان در اکثر سالهای مطالعه دارای بالاترین درصد خانوارهای فقیر و گروه استانهای تهران، فارس و



جدول (۱۷) - درصد خانوارهای فقیر به تفکیک مناطق ۷ گانه جغرافیایی بر پایه خط فقر معکوس ضریب انگل

طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، سیستان و بلوچستان	۸۲	۷۵	۹۰	۸۹	۹۶	۹۴	۸۹	۸۶	۸۷
تهران، فارس، اصفهان	۵۹	۶۰	۶۱	۶۶	۷۳	۷۰	۶۱	۶۱	۶۲
مرکزی، کرمان، یزد، سمنان	۷۱	۷۳	۷۸/۵	۸۳	۸۹	۸۸	۸۱/۵	۷۶	۸۰
آذربایجان غربی، شرقی و زنجان	۷۸	۷۸	۸۴	۸۵	۹۰	۸۸	۸۱/۵	۸۲	۸۱
گیلان، مازندران و خراسان	۷۴	۷۸	۸۷	۸۷	۹۱	۸۸	۸۱	۷۶	۷۸
خوزستان، لرستان، بوشهر، هرمزگان	۷۵	۷۶	۸۴	۸۵	۸۹	۸۹	۸۱	۸۴	۸۴
کردستان، کرمانشاه، همدان	۸۰	۸۱	۸۵	۸۷	۹۳	۹۱	۸۸	۸۸/۵	۸۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

اصفهان در تمامی سالهای مطالعه دارای کمترین درصد خانوارهای فقیر بوده است. اما در خصوص تحول زمانی (کاهش یا افزایش) درصد خانوارهای فقیر بر پایه ملاک معکوس ضریب انگل، تصویر متفاوتی از جدول ۱۶ ارائه می‌شود، یعنی در طی زمان درصد خانوارهای فقیر (بر حسب مفهوم نسبی فقر) در کلیه مناطق ۷ گانه افزایش یافته است. بطوریکه درصد خانوارهای فقیر گروه اول (محرومترین استانها) از ۸۲ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۸۷ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. برای گروه استانهای تهران، فارس و اصفهان (برخوردارترین استانها) درصد خانوارهای فقیر از ۵۹ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۶۲ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. برای سایر گروههای جغرافیایی به ترتیب درصد خانوارهای فقیر از ۷۱ درصد، (گروه سوم)، ۷۸ درصد (گروه ۴)، ۷۴ درصد (گروه ۵) ۷۵ درصد (گروه ۶) و ۸۰ درصد (گروه ۷)، در سال ۱۳۷۱ به ۸۰ درصد، ۸۱ درصد، ۷۸ درصد، ۸۴ درصد و ۸۶ درصد افزایش یافته است. این نتایج دلالت بر آن دارد که اقدامات دولت در زمینه کاهش فقر نسبی موفقیت آمیز نبوده است.

### ۵-۳-۴- بررسی درصد فقر خانوارها بر حسب نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار

بررسی درصد خانوارهای فقیر بر حسب نوع تصدی شغل سرپرست خانوار این امکان را فراهم می‌کند که مشخص گردد فقر در کدامیک از گروههای شغلی شایع‌تر است. این امر به برنامه‌ریزی در خصوص کاهش فقر کمک خواهد نمود. بر این اساس نتایج مربوط به درصد خانوارهای فقیر بر حسب تصدی در شغل سرپرست خانوار بر پایه خط فقر مبتنی بر ۲۱۷۹ کالری یعنی فقر مطلق در جدول (۱۸) درج شده است.

جدول (۱۸) - درصد خانوارهای فقیر بر حسب تصدی در شغل سرپرست خانوار بر پایه مفهوم مطلق فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

درصد	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۷	۷۸	۷۹
کارفرما	۲۲	۲۵	۳۱	۱۲	۱۴	۹/۵	۴/۷	۵/۹
کارکن مستقل	۳۶	۳۴	۴۳	۲۰/۵	۲۳	۲۱	۱۲/۵	۱۷
کارکن بخش عمومی	۱۴	۱۵	۲۵	۸/۷	۸	۵/۷	۲/۸	۲/۸
کارکن بخش خصوصی	۴۶	۴۳	۵۱	۳۰	۳۰	۲۵	۱۶	۹/۴
کارکن فامیلی	۳۵	۳۴	۳۷	۲۴	۲۳	۲۴	۱۶/۵	۲۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بررسی درصد خانوارهای فقیر بر پایه فقر مطلق دلالت بر آن دارد که بالاترین درصد فقر مربوط به گروهی از خانوارهاست که سرپرست آنها کارکن بخش خصوصی هستند. این مساله در تمامی سالهای مطالعه مشهود است. همین نتایج نشان‌دهنده آن است که کمترین درصد فقر مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها کارکن بخش عمومی (دولت) است. این مساله توجیهی ساده دارد به این ترتیب که کارکنان بخش دولتی به روشهای مختلف مانند انواع بیمه‌های درمانی، بازنشستگی، بن غیرنقدی و ... مورد حمایت دولت قرار می‌گیرند اما کارکنان بخش خصوصی کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرند. گروه کارفرمایان پس از کارکنان بخش عمومی کمترین درصد خانوارهای فقیر را دارند که دور از انتظار نیز نیست. خانوارهایی که سرپرست آنها کارکن مستقل است در سالهای ابتدایی مطالعه جایگاه بهتری داشته‌اند و در سالهای اخیر درصد خانوارهای فقیرشان زیاده‌تر شده است. برعکس این وضعیت برای گروه کارکن فامیلی قابل مشاهده است.

تحول زمانی کاهش یا افزایش درصد خانوارهای فقیر نیز برای کلیه گروههای کارفرما، کارکن مستقل، کارکن بخش عمومی، کارکن بخش خصوصی و کارکن فامیلی طی سالهای مطالعه یعنی ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ دلالت بر کاهش فقر مطلق دارد بطوریکه برای گروه اول، درصد خانوارهای فقیر از ۲۲ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۵/۹ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. برای گروه دوم (کارکن مستقل) درصد خانوارهای فقیر از ۳۶ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. برای گروه کارکن بخش عمومی نیز درصد خانوارهای فقیر از ۱۴ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۲/۸ درصد در سال ۱۳۷۹، برای کارکن بخش خصوصی از ۴۶ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۹ و برای گروه کارکن فامیلی از ۳۵ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است.

در ادامه بحث نتایج مربوط به درصد خانوارهای فقیر برپایه خط فقر نسبی (معکوس ضریب انگل) به تفکیک تصدی در شغل سرپرست خانوار در جدول (۱۹) ارائه می‌گردد.

جدول (۱۹) - درصد خانوارهای فقیر بر حسب گروههای مختلف تصدی در شغل سرپرست خانوار برپایه مفهوم

نسبی فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کارفرما	۵۹	۶۳/۵	۶۸/۵	۶۹	۷۷	۷۵	۶۳	۶۳	۶۳
کارکن مستقل	۷۷	۷۷	۸۱	۸۴	۸۹	۸۷	۸۱	۸۱/۵	۸۲/۵
کارکن بخش عمومی	۵۸	۶۰	۶۹	۷۴	۷۹	۷۵	۶۵	۶۴	۶۱
کارکن بخش خصوصی	۸۴	۸۳	۸۶	۸۹	۹۰	۹۰	۸۲	۷۹	۸۵
کارکن فامیلی	۷۰	۶۹	۷۱	۷۷	۸۰	۷۶	۷۹	۸۱	۸۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

سیمای فقر نسبی در ایران بر حسب درصد خانوارهای فقیر از جنبه تصدی در شغل سرپرست خانوار کمی متفاوت با سیمای فقر مطلق است، به نحوی که کمترین درصد فقر مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها کارفرما هستند در حالیکه از جنبه فقر مطلق کمترین درصد فقر مربوط به گروه کارکن بخش عمومی است. اما از نظر بیشترین درصد خانوارهای فقیر وضعیت

یکسانی ملاحظه می‌گردد بطوریکه برحسب هر دو مفهوم فقر کارکنان بخش خصوصی با بیشترین درصد خانوار فقیر مواجه می‌باشند.

از دیدگاه تحول زمانی درصد خانوارهای فقیر در تمامی گروههای مختلف مورد مطالعه، فقر نسبی طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ افزایش یافته است. این نتایج برخلاف نتایج مربوط به فقر مطلق می‌باشند. براساس مفهوم نسبی فقر درصد خانوارهای فقیر در گروه کارفرما در سال ۱۳۷۱ برابر ۵۹ درصد بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۶۳ درصد افزایش یافته است. برای گروه کارکن مستقل درصد فقر در سال ۱۳۷۱ معادل ۷۷ درصد بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۸۲/۵ درصد، برای کارکن بخش عمومی در سال ۱۳۷۱ برابر ۵۸ درصد بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۶۱ درصد، برای کارکن بخش خصوصی در سال ۱۳۷۱ معادل ۸۴ درصد بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۹۰ درصد و در سال ۱۳۷۹ به ۸۴ درصد و بالاخره برای کارکن فامیلی در سال ۱۳۷۱ برابر ۷۰ درصد بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۸۳ درصد افزایش یافته است.

#### ۶-۳-۴- بررسی درصد فقر برحسب شغل دقیق سرپرست خانوار

اگر چه بررسی درصد فقر براساس تصدی سرپرست خانوار در شغل، اطلاعات جالب توجهی بدست داد اما بررسی درصد فقر از جنبه دیگری نیز امکان‌پذیر است. در این جنبه از مطالعه فقر، شغل دقیق خانوار مورد توجه قرار می‌گیرد. در این روش مشاغل به ۱۰ گروه تقسیم می‌شوند. نتایج مربوط به درصد خانوارهای فقیر که براساس نوع شغل تعیین شده است. بر پایه خط فقر مبتنی بر ۲۱۷۹ کالری در جدول (۲۰) درج شده است.

نتایج مندرج در جدول (۲۰) دلالت بر آن دارد که بیشترین خانوارهای فقیر در گروه کارکنان ماهر کشاورزی و کارگران ساده خدمات هستند و کمترین درصد خانوارهای فقیر در گروههای قانونگذاران و مقامات عالی رتبه، متخصصان علمی - فنی و تکنسین‌ها و دستیاران قرار دارند.

جدول (۲۰) - درصد خانوارهای فقیر برحسب نوع شغل سرپرست خانوار بر پایه مفهوم مطلق فقر طی

سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۷	۷۸	۷۹
قانونگذاران و مقامات عالی رتبه	۸/۷	۸	۱۸/۵	۶	۳/۶	۴/۵	۱/۹	۱/۹
متخصصان علمی - فنی	۵/۷	۳/۸	۶	۲/۶	۴	۲/۸	۲/۴	۱/۸
تکنسینها و دستیاران	۸	۷	۱۵/۵	۴/۸	۸	۷	۴/۳	۶
کارمندان دفتری	۲۱/۵	۲۱	۲۸	۱۲	۵/۵	۳/۴	۱/۹	۲/۴
کارکنان خدماتی و فروشندگان	۲۵	۳۰	۴	۱۵	۱۱	۸/۵	۴/۳	۶/۷
کارکنان ماهر کشاورزی	۴۴	۴۴	۵۵	۲۸	۲۹	۲۵	۱۵	۲۰
صنعت‌گران و مشاغل مربوط	۳۱	۳۱	۴۱	۲۰	۱۴	۱۳	۷/۴	۱۰
متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ	۲۰/۵	۲۰	۲۹/۵	۱۱	۱۲/۵	۱۰/۵	۴/۹	۷
کارگران ساده خدمات	۳۸	۳۴	۴۶	۲۵	۴۰	۳۳	۲۵	۳۰
سایر مشاغل	۳۵	۳۲	۳۵/۵	۲۰/۵	۲۱/۵	۲۰	۱۴	۲۲/۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

از نظر تحول زمانی، درصد خانوارهای فقیر در تمامی گروههای ده‌گانه مورد مطالعه طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ کاهش یافته است. بطوریکه درصد خانوارهای فقیر در گروه قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه در سال ۱۳۷۱ برابر ۸/۷ درصد بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۱/۹ درصد کاهش یافته است. در گروه متخصصان علمی - فنی درصد خانوارهای فقیر از ۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۱/۸ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. در گروه تکنسین‌ها و دستیاران درصد فقر از ۸ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۶ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. در گروه کارمندان دفتری درصد فقر از ۲۱/۵ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۲/۴ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. در گروه کارکنان خدماتی و فروشندگان درصد فقر از ۲۵ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۶/۷ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. در گروه کارکنان ماهر کشاورزی درصد فقر از ۴۴ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۲۰ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. در گروه صنعت‌گران و مشاغل مربوط درصد فقر از ۳۱ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۱۰ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. در گروه

متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ درصد خانوارهای فقیر از ۲۰/۵ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۷ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. در گروه کارگران ساده خدمات درصد فقر از ۳۸ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۳۰ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. این نتایج تمامی دلالت بر کاهش فقر مطلق و محدود شدن گستره فقر نزد گروههای مختلف است. در جدول (۲۱) نتایج مربوط به فقر نسبی خانوارها برحسب گروههای شغلی مختلف طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ درج گردیده است. مقایسه این نتایج با نتایج مربوط به درصد فقر مطلق خانوارها براساس نوع شغل آنها حائز اهمیت است.

جدول (۲۱) - درصد خانوارهای فقیر برحسب نوع شغل سرپرست خانوار بر پایه مفهوم نسبی فقر سالهای

۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه	۴۲	۴۵	۶۱	۶۶	۵۰	۴۸	۳۸	۳۹/۵	۳۶
متخصصان علمی - فنی	۲۵	۱۷/۵	۳۲	۴۳	۶۰/۵	۵۶/۵	۴۶	۵۰	۴۶
تکنسینها و دستیاران	۴۹	۴۹	۶۱	۶۵	۷۱	۶۵	۵۸	۶۰	۵۶
کارمندان دفتری	۶۴	۶۴	۷۰	۷۳	۷۶	۶۹	۵۹	۵۹	۵۵
کارکنان خدماتی و فروشندگان	۷۵	۷۹	۸۱	۸۶	۸۰	۷۵	۶۶	۶۹	۶۷/۵
کارکنان ماهر کشاورزی	۸۳	۸۴	۸۸	۸۸/۵	۹۳	۹۱	۸۵	۸۴	۸۶
صنعت‌گران و مشاغل مربوط	۷۵	۷۹	۸۰	۸۵	۸۵	۸۵	۷۷	۷۸	۷۹
متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ	۶۵	۶۶	۷۵	۸۰	۸۶	۸۶	۷۴	۷۷	۷۸
کارگران ساده خدمات	۸۰	۸۰	۸۵	۸۸/۵	۹۶	۹۶	۹۲	۹۳	۹۳
سایر مشاغل	۷۰	۶۹	۷۰/۵	۷۴/۵	۸۰	۷۶	۷۱	۷۳	۷۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تصویر ارایه شده از دیدگاه فقر مطلق برای مفهوم فقر نسبی نیز تکرار می‌شود بطوریکه بیشترین درصد خانوارهای فقیر مربوط به گروه کارگران ساده خدمات و کارکنان ماهر کشاورزی است در حالیکه کمترین درصد خانوارهای فقیر مربوط به گروه متخصصان علمی - فنی، قانونگذاران و مقامات عالی رتبه و گروه تکنسینها و دستیاران است. نکته قابل توجه در خصوص گروه کارگران ساده خدمات و کارکنان ماهر آن است که از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۷۴ بالاترین درصد خانوارهای

فقیر در گروه کارکنان ماهر کشاورزی قرار داشته و بعد از آن مربوط به گروه کارگران ساده خدمات بوده است. از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ جایگاه این دو گروه از نظر درصد خانوارهای فقیر تغییر کرده است و بالاترین درصد خانوارهای فقیر در گروه کارگران ساده خدمات و پس از آن در گروه کارکنان ماهر کشاورزی مشاهده می‌شود.

در خصوص تحول زمانی درصد خانوارهای فقیر در گروههای مختلف شغلی ملاحظه می‌شود که در برخی از گروهها، فقر نسبی افزایش و در برخی از گروهها کاهش یافته است. برای گروه قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه درصد فقر از ۴۲ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۶۶ درصد در سال ۷۴ افزایش یافته و سپس به ۳۶ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. برای متخصصان علمی - فنی درصد فقر از ۲۵ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۶۰/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش و سپس ۴۶ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است؛ یعنی در مجموع روندی صعودی داشته است. برای گروه تکنسین‌ها و دستیاران درصد فقر از ۴۹ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۵۶ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش داشته است. برای گروه کارمندان دفتری درصد فقر از ۶۴ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۷۶ درصد در سال ۱۳۷۶ افزایش و سپس به ۵۵ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است یعنی در مجموع روندی نزولی داشته است.

برای گروه کارکنان خدماتی و فروشندگان درصد فقر از ۷۵ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۶۷/۵ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. برای گروه کارکنان ماهر کشاورزی درصد فقر از ۸۳ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۹۳ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۸۶ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. برای صنعت‌گران و مشاغل مربوط درصد فقر نسبی از ۷۵ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۷۹ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. برای متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای موتناژ درصد فقر از ۶۵ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۷۸ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. همچنین برای گروه کارگران ساده خدمات درصد فقر از ۸۰ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۹۳ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است.

### ۷-۳-۴- بررسی درصد فقر برحسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار

بررسی درصد فقر برحسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار وجوه دیگری از فقر را نمایان می‌کند که حایز اهمیت است. زیرا این بررسی‌ها در برنامه‌ریزیهای مربوط به کاهش فقر، الویت‌ها را برای سیاستگذاران مشخص می‌کند که ابتدا از کدام فعالیت اقتصادی کاهش فقر را آغاز نمایند. برای مثال بعنوان یک پیش‌فرض انتظار بر این است که درصد فقر در مشاغل کشاورزی بیشتر باشد و در بخش واسطه‌گریهای مالی کمترین درصد فقر وجود داشته باشد. نتایج می‌تواند درستی یا نادرستی این ادعا را ثابت کند. جدول (۲۲) نتایج مربوط به درصد خانوارهای فقیر که سرپرست آنها در یکی از ۹ گروه فعالیت اقتصادی مشغول می‌باشند را نشان می‌دهد. این نتایج بر پایه خط فقر مبتنی بر ۲۱۷۹ کالری می‌باشد.

جدول (۲۲) - درصد خانوارهای فقیر برحسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار بر پایه مفهوم مطلق

فقر سالهای ۷۴ تا ۷۹

شرح	۷۴	۷۵	۷۷	۷۸	۷۹
کشاورزی	۲۸	۳۲	۲۸	۱۷/۵	۲۳
صنعت و معدن	۱۵/۵	۱۴	۱۲/۵	۶	۸/۵
برق، آب و گاز	۷/۸	۶/۶	۸/۶	۴	۵
ساختمان	۳۳	۳۳	۲۹	۲۲	۲۵/۵
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۱۲	۱۲	۱۱	۶	۸
هتل و رستوران	۱۰	۹/۷	۹	۵	۷
حمل و نقل و ارتباطات	۱۲	۱۲	۱۰	۵	۷
واسطه‌گریهای مالی	۲	۱/۹	۲	۱/۴	۱/۴
سایر	۱۷	۱۷	۱۵	۱۰	۱۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج مربوط به درصد خانوارهای فقیر که سرپرست آنها در یکی از گروههای ۹ گانه فعالیتهای اقتصادی مشغول فعالیت هستند دلالت بر آنها دارد که بالاترین درصد فقر به ترتیب مربوط به گروههای ساختمان، کشاورزی صنعت و معدن می‌باشد و کمترین درصد فقر مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها به مشاغل واسطه‌گری مالی و یا در بخش برق، آب و گاز مشغول هستند.



این نتایج درستی انتظارات مربوط به سطح فقر در فعالیتهای اقتصادی را تأیید می‌کند. بررسی تحول زمانی سطح فقر طی سالهای مطالعه یعنی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹<sup>۱</sup> دلالت بر آن دارد که در کلیه فعالیتهای اقتصادی یک روند نزولی بر سطح فقر حاکم بوده است به نحوی که در مجموع درصد خانوارهای فقیر در سال ۱۳۷۹ پایین‌تر از سال ۱۳۷۴ بوده است. برای مثال درصد فقر نزد خانوارهایی که سرپرست آن در بخش کشاورزی شاغل بوده‌اند در سال ۱۳۷۱ برابر ۲۸ درصد بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۲۳ درصد کاهش یافته و برای گروه واسطه‌گریهای مالی این رقم در سال ۱۳۷۱ برابر ۲ درصد بوده که در سال ۱۳۷۹ به ۱/۴ درصد کاهش یافته است. این نتایج تأیید کننده نتایج قبلی در خصوص کاهش درصد فقر مطلق نزد خانوارهای ایرانی می‌باشد. نتایج مربوط به درصد خانوارهای فقیر برحسب همین تقسیم‌بندی و بر پایه مفهوم فقر نسبی در جدول (۲۳) درج شده است.

تصویر ارایه شده در جدول ۲۳ مشابه جدول ۲۲ می‌باشد بطوریکه براساس نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوارها طی سالهای مطالعه، بیشترین درصد خانوارهای فقیر مربوط به خانوارهایی است که در بخش ساختمان و کشاورزی فعالیت داشته‌اند و کمترین درصد خانوارهای فقیر مربوط به خانوارهایی است که در گروه مشاغل واسطه‌گریهای مالی فعالیت داشته‌اند. در خصوص تحول زمانی درصد فقر در گروههای مختلف فعالیت اقتصادی طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ می‌توان در مجموع اظهار داشت درصد فقر نسبی کاهش یافته است، برای مثال در گروه مشاغل کشاورزی درصد فقر بر پایه مفهوم نسبی فقر از ۸۸ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۸۶ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش یافته البته در سال ۱۳۷۹ مجدداً به ۸۸ درصد رسیده است. برای گروه ساختمان درصد خانوارهای فقیر از ۸۹ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۹۰ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. در گروه واسطه‌گریهای مالی درصد فقر از ۵۷ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۳۹ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است و در سایر گروهها درصد فقر کاهش یافته است.

---

<sup>۱</sup> اطلاعات مربوط به داده‌های سالهای ۷۱ تا ۷۳ براساس تقسیم‌بندی نوع فعالیت اقتصادی قابل اعتماد نبود لذا از ارائه نتایج آن خودداری گردید.

جدول (۲۳) - درصد خانوارهای فقیر برحسب نوع فعالیت سرپرست خانوار بر پایه مفهوم نسبی فقر

سالهای ۷۴ تا ۷۹

شرح	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کشاورزی	۸۸	۹۳/۵	۹۲	۸۶	۸۶	۸۸
صنعت و معدن	۸۰	۸۳	۸۱	۷۲	۷۲	۷۱
برق، آب و گاز	۷۷	۸۲	۷۴	۷۳	۶۲	۶۵
ساختمان	۸۹	۹۱	۹۲	۸۷	۸۹	۹۰
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۷۵	۷۹	۷۶	۶۸	۷۲/۵	۶۹
هتل و رستوران	۷۸	۸۴	۷۷	۶۵	۷۴	۷۰
حمل و نقل و ارتباطات	۸۱	۸۶	۸۳/۵	۷۴	۷۵/۵	۷۷
واسطه‌گریهای مالی	۵۷	۶۲	۵۵	۴۵	۴۷	۳۹
سایر	۷۶	۷۸/۵	۷۵	۶۸	۷۰	۷۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

#### ۴-۴- بررسی شدت فقر نزد خانوارهای ایرانی

در قسمت قبل سطح فقر برحسب درصد خانوارهای فقیر براساس خصوصیات مختلف اقتصادی، اجتماعی خانوارها محاسبه شد. این بررسی اگر چه اطلاعات جالب توجهی از تعداد خانوارهای فقیر به تفکیک خصوصیات مختلف بدست داد اما آماریاسن (برنده جایزه نوبل اقتصاد) در مقاله خود در سال ۱۹۷۶ با استفاده از تعدادی اصول بدیهی نقاط ضعف این شاخص را در تبیین وضعیت فقر جامعه نشان داد. نظرات او را می‌توان در قالب یک مثال ساده جمع‌بندی کرد. برای مثال اگر دو جامعه آماری (۱) و (۲) را در نظر بگیرید که در این دو جامعه آماری ۱۰ خانوار مورد مطالعه قرار گیرند و در هر جامعه اگر ۲ خانوار درآمدی کمتر از خط فقر داشته باشند، درصد فقر برای هر دو جامعه برابر ۲۰ درصد خواهد بود. حال سوالی که مطرح می‌شود این است آیا فقر در هر دو جامعه یکسان است؟ اگر در جامعه اول فاصله درآمد هر خانوار از خط فقر دو برابر فاصله درآمد هر خانوار از خط فقر در جامعه دوم باشد، مسلماً نمی‌توان ادعا نمود که فقر در هر دو جامعه

یکسان است. بر همین اساس آمارتیا سن نشان داد که عامل دیگری که در تعیین فقر باید مورد توجه قرار گیرد میزان شکاف درآمد هر خانوار از خط فقر است. این شکاف برای کل جامعه بصورت زیر قابل محاسبه می‌باشد.

$$I = \frac{\sum (Z - X_i)}{n} \quad Z = \text{خط فقر} \quad X_i = \text{درآمد هر خانوار زیر خط فقر}$$

اگر رابطه فوق را بر خط فقر (Z) تقسیم نماییم به طور متوسط کمبود درآمد هر خانوار فقیر نسبت به خط فقر بدست می‌آید که به آن شدت کمبود نسبی درآمد فقرا یا شدت فقر گویند.

$$I = \frac{\sum (Z - X_i)}{nZ}$$

با توجه به مطالب فوق تلاش شده است تا نتایج مربوط به شدت کمبود درآمد فقرا طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ به تفکیک خصوصیات مختلف اقتصادی، اجتماعی که در ابتدای گزارش بدان اشاره شد، ارائه گردد.

#### ۱-۴-۴- شدت فقر در مناطق شهری و روستایی

در جدول (۲۴) شدت فقر در مناطق شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ بر پایه دو نوع مفهوم مطلق و نسبی فقر درج شده است. خط فقر مطلق متناظر با نیاز روزانه به ۲۱۷۹ کالری و خط فقر نسبی متناظر با خط فقر معکوس ضریب انگل در نظر گرفته شده است.

جدول (۲۴) - شدت کمبود درآمد فقرا شهری و روستایی بر پایه مفهوم مطلق و نسبی فقر

طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹

شرح		۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	خط فقر ۲۱۷۹ کالری	۰/۳۳۸	۰/۲۹۹	۰/۳۳۴	۰/۳۰۳	۰/۳۰۱	۰/۴۸۱	۰/۲۹۳	۰/۲۸۸	۰/۲۹۶
	خط فقر معکوس ضریب انگل	۰/۵۰۳	۰/۴۸۴	۰/۵۲۰	۰/۵۴۸	۰/۵۹۶	۰/۵۶۵	۰/۵۱۲	۰/۵۰۹	۰/۵۱۰
روستایی	خط فقر ۲۱۷۹ کالری	۰/۳۷۲	۰/۳۶۱	۰/۳۵۶	۰/۳۳۳	۰/۳۰۹	۰/۲۹۵	۰/۲۹۹	۰/۲۸۸	۰/۲۸۳
	خط فقر معکوس ضریب انگل	۰/۴۵۶	۰/۴۳۹	۰/۴۴۹	۰/۴۹۱	۰/۴۹۵	۰/۴۸۲	۰/۴۷۴	۰/۴۸۸	۰/۴۷۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

شدت کمبود درآمد فقرا نسبت بر پایه خط فقر ۲۱۷۹ کالری طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ در جامعه شهری همانند درصد فقرا یک روند نزولی را نشان می‌دهد به عبارت دیگر در طی زمان از

شدت فقر کاسته شده است بطوریکه شدت فقر در مناطق شهری از ۰/۳۳۸ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۲۹۶ در سال ۱۳۷۹ رسیده است. اما شدت فقر بر اساس مفهوم نسبی فقر، طی سالهای فوق‌الذکر افزایش یافته است بطوریکه مقدار آن از ۰/۵۰۳ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۵۹۶ در سال ۱۳۷۵ و ۰/۵۱۰ در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. بنابراین، نتایج مربوط به شدت فقر نیز تایید کننده نتایج قبلی است. به این ترتیب در زمینه کاهش فقر مطلق موفقیت‌هایی بدست آمده است اما در خصوص فقر نسبی بهبودی ملاحظه نمی‌شود.

با مراجعه به جدول (۲۴) ملاحظه می‌شود از نظر شدت فقر، برای جامعه روستایی نیز تصویری مشابه با جامعه شهری وجود دارد بطوریکه بر پایه خط فقر مطلق، شدت کمبود از ۰/۳۷۲ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۲۸۳ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است اما بر پایه خط فقر معکوس ضریب انگل شدت کمبود از ۰/۴۵۶ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۴۷۷ در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است.

مقایسه جامعه شهری با روستایی از نظر شدت فقر مطلق دلالت بر آن دارد که تا سال ۱۳۷۵ شدت فقر در جامعه روستایی بیشتر از جامعه شهری بوده است اما از سال ۱۳۷۵ به بعد این وضعیت معکوس گردیده و شدت فقر در جامعه شهری بیشتر از جامعه روستایی گردیده است. بطوریکه در برخی از سالها شدت فقر در جامعه شهری بیشتر از جامعه روستایی بوده و در برخی سالهای دیگر شدت فقر در جامعه روستایی بیشتر از جامعه شهری بوده است.

#### ۲-۴-۴- بررسی شدت فقر برحسب گروههای سنی مختلف

شدت فقر بر حسب گروههای مختلف سنی طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ بر پایه خط فقر ۲۱۷۹ کالری یعنی فقر مطلق در جدول (۲۵) درج گردیده است.

نتایج مندرج در جدول (۲۵) دلالت بر آن دارد که شدت فقر بر پایه مفهوم مطلق فقر، در گروه سنی بالاتر از ۵۵ سال بیشتر از سایر گروههاست. این امر دور از انتظار نیز نمی‌باشد چرا که معمولاً خانوارهای دارای سرپرست بازنشسته عمدتاً در این گروه قرار می‌گیرند که از افت شدید درآمدی برخوردار می‌شوند. کمترین شدت فقر مربوط به گروه کمتر از ۲۵ سال بوده است

جدول (۲۵) - شدت فقر بر حسب گروههای مختلف سنی برپایه مفهوم مطلق فقر طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کمتر از ۲۵ سال	۰/۳۹۵	۰/۳۵۴	۰/۳۵۵	۰/۳۱۲	۰/۳۱۵	۰/۳۱۶	۰/۲۹۴	۰/۲۸۳	۱-
۲۶ تا ۳۵ سال	۰/۳۶۲	۰/۳۴۲	۰/۳۶۳	۰/۳۳۲	۰/۳۲۳	۰/۳۰۹	۰/۳۱۰	۰/۳۱۰	۰/۳۰۶
۳۶ تا ۴۵ سال	۰/۳۷۱	۰/۳۵۶	۰/۳۶۴	۰/۳۳۱	۰/۳۲۲	۰/۲۹۴	۰/۳۲۹	۰/۳۱۷	۰/۳۲۱
۴۶ تا ۵۵ سال	۰/۳۷۲	۰/۳۶۱	۰/۳۷۲	۰/۳۱۹	۰/۳۱۷	۰/۲۸۸	۰/۳۲۱	۰/۳۰۱	۰/۲۹۹
بالتر از ۵۵ سال	۰/۴۰۴	۰/۳۸۲	۰/۳۹۰	۰/۳۵۱	۰/۳۵۳	۰/۳۲۰	۰/۳۳۱	۰/۳۰۷	۰/۳۰۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ تحول شدت فقر در گروههای مختلف سنی در مجموع نزولی بوده است بطوریکه شدت فقر در گروه کمتر از ۲۵ سال از ۰/۳۹۵ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۲۸۳ در سال ۱۳۷۸ کاهش یافته است. در گروه ۲۶ تا ۳۵ سال شدت فقر از ۰/۳۶۲ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۳۰۶ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال شدت فقر از ۰/۳۷۱ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۳۲۱ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است و برای گروههای سنی ۴۶ تا ۵۵ سال و ۵۵ سال به بالا شدت فقر به ترتیب از ۰/۳۷۲ و ۰/۴۰۴ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۲۹۹ و ۰/۳۰۷ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. این نتایج دلالت بر موثر بودن اقدامات کاهش شدت فقر دارد. در جدول (۲۶) شدت فقر بر حسب گروههای مختلف سنی برپایه مفهوم نسبی فقر طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ درج شده است.

جدول (۲۶) - شدت فقر بر حسب گروههای مختلف سنی برپایه مفهوم نسبی فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کمتر از ۲۵ سال	۰/۴۹۴	۰/۴۸۴	۰/۵۲۲	۰/۵۴۵	۰/۵۹۳	۰/۵۶۵	۰/۵۳۷	۰/۵۲۰	۰/۶۲۷
۲۶ تا ۳۵ سال	۰/۴۸۸	۰/۴۷۷	۰/۵۱۸	۰/۵۳۱	۰/۵۷۶	۰/۵۵۴	۰/۵۱۴	۰/۵۱۴	۰/۴۹۷
۳۶ تا ۴۵ سال	۰/۵۱۶	۰/۴۹۱	۰/۵۲۳	۰/۵۴۹	۰/۵۸۵	۰/۵۵۵	۰/۵۲۰	۰/۵۲۱	۰/۵۲۴
۴۶ تا ۵۵ سال	۰/۵۱۰	۰/۴۹۳	۰/۵۲۷	۰/۵۳۸	۰/۵۷۸	۰/۵۵۲	۰/۵۲۱	۰/۵۲۱	۰/۵۱۷
۵۵ سال به بالا	۰/۵۲۴	۰/۵۰۶	۰/۵۴۰	۰/۵۵۷	۰/۵۹۵	۰/۵۷۱	۰/۵۳۸	۰/۵۲۶	۰/۵۲۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

<sup>۱</sup> شدت فقر خانوارهای کمتر از ۲۵ سال در سال ۱۳۷۹ معادل ۰/۷۶۳ برآورد گردید که چندان قابل اعتماد نمی‌باشد.

براساس خط فقر نسبی، شدت فقر در گروه سنی ۵۵ سال به بالا بیشتر از سایر گروهها و در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال کمترین شدت فقر طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۷۱ مشاهده می‌گردد. شدت فقر نسبی نیز طی سالهای مطالعه روندی صعودی را در کلیه گروههای سنی نشان می‌دهد. برای مثال در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال که کمترین شدت فقر را داشته از ۰/۴۸۸ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۵۱۴ در سال ۱۳۷۸ و ۰/۴۹۷ در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. همچنین شدت فقر در گروه سنی ۵۵ سال به بالا که بیشترین شدت فقر را داشته از ۰/۵۲۴ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۵۲۸ در سال ۱۳۷۹ افزایش داشته است.

### ۳-۴-۴- بررسی شدت فقر برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار

شدت فقر برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار برپایه مفهوم مطلق فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ در جدول (۲۷) درج شده است.

جدول (۲۷)- شدت فقر برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار برپایه مفهوم مطلق فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
بی‌سواد	۰/۴۰۲	۰/۳۹۲	۰/۴۰۷	۰/۳۴۶	۰/۳۴۶	۰/۲۸۷	۰/۳۳۲	۰/۳۰۹	۰/۳۱۵
ابتدایی	۰/۳۴۲	۰/۳۱۵	۰/۳۳۷	۰/۳۱۰	۰/۲۹۶	۰/۳۰۳	۰/۲۹۰	۰/۲۸۹	۰/۲۸۲
راهنمایی	۰/۳۱۹	۰/۳۲۱	۰/۳۱۰	۰/۳۱۰	۰/۳۱۱	۰/۳۴۳	۰/۳۱۶	۰/۳۰۳	۰/۲۸۵
دبیرستان و دیپلم	۰/۳۱۲	۰/۲۹۱	۰/۳۰۸	۰/۳۵۱	۰/۳۵۸	۰/۶۳۷	۰/۳۸۹	۰/۵۳۱	۰/۴۴۸
فوق دیپلم و لیسانس	۰/۴۰۳	۰/۳۰۲	۰/۳۱۱	۰/۴۴۲	۰/۵۲۰	۰/۹۱۵	۰/۶۲۴	۰/۶۴۴	۰/۵۸۶
بالتر از لیسانس و دکترا	۰/۰۰۰	۰/۸۰۴	۰/۷۱۸	۰/۷۰۰	۰/۳۱۳	۰/۴۳۹	۰/۳۳۱	۰/۵۱۲	۰/۳۶۹
سایر	۰/۳۷۷	۰/۳۳۲	۰/۳۴۴	۰/۳۱۲	۰/۲۹۹	۰/۲۸۷	۰/۳۰۲	۰/۲۷۲	۰/۵۹۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج مربوط به شدت فقر برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار دلالت بر آن دارد که دسته‌بندی مشخصی را براساس کمترین و بیشترین شدت فقر نمی‌توان ارائه نمود، با اینحال در گروه دارای سواد ابتدایی در اکثر سالهای مطالعه کمترین شدت فقر ملاحظه می‌گردد و در سه سال آخر مطالعه یعنی سالهای ۷۷ تا ۷۹ بیشترین شدت فقر مربوط به گروه فوق دیپلم و لیسانس بوده است که علت این امر می‌تواند با بیکاری گسترده فارغ‌التحصیلان خصوصا در این دو مقطع

توجیه گردد. به عبارت روشنتر فقیرهای تحصیلکرده در مقایسه با فقیرهای بی‌سواد از شدت فقر بیشتری در رنج می‌باشند.

در جدول (۲۸) شدت فقر برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار برپایه مفهوم نسبی فقر طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ درج شده است.

جدول (۲۸) - شدت فقر برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار برپایه مفهوم نسبی فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
بی‌سواد	۰/۵۶۰	۰/۵۴۷	۰/۵۹۰	۰/۶۰۶	۰/۶۴۸	۰/۶۲۴	۰/۵۹۰	۰/۵۸۵	۰/۵۸۱
ابتدایی	۰/۴۸۳	۰/۴۶۶	۰/۵۱۲	۰/۵۳۱	۰/۵۷۲	۰/۵۴۸	۰/۵۰۶	۰/۵۰۷	۰/۵۰۳
راهنمایی	۰/۳۹۷	۰/۴۰۵	۰/۴۵۸	۰/۴۸۱	۰/۵۱۹	۰/۴۹۸	۰/۴۵۱	۰/۴۴۵	۰/۴۴۶
دیپلم و دیپلم	۰/۳۵۸	۰/۳۶۱	۰/۳۹۶	۰/۴۱۶	۰/۴۴۹	۰/۴۱۹	۰/۳۹۱	۰/۳۸۲	۰/۳۸۱
فوق‌دیپلم و لیسانس	۰/۳۲۱	۰/۳۱۰	۰/۳۶۰	۰/۳۷۲	۰/۳۹۶	۰/۳۶۸	۰/۳۳۶	۰/۳۴۴	۰/۳۱۹
بالتر از لیسانس و دکترا	۰/۲۵۴	۰/۳۱۲	۰/۳۸۷	۰/۳۹۱	۰/۴۹۶	۰/۴۸۵	۰/۴۹۴	۰/۴۱۰	۰/۴۹۳
سایر	۰/۵۱۹	۰/۴۸۰	۰/۵۱۹	۰/۵۳۴	۰/۶۰۰	۰/۵۷۸	۰/۵۱۷	۰/۵۱۴	۰/۵۷۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

شدت فقر نسبی برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ دلالت بر آن دارد که بیشترین شدت فقر نسبی مربوط به گروه بی‌سواد و کمترین شدت فقر مربوط به گروه فوق‌دیپلم و لیسانس بوده است.

در مجموع تغییرات شدت فقر در تمامی گروههای تحصیلی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ صعودی بوده است که نشان‌دهنده عمیق‌تر شدن فقر نسبی نزد خانوارها می‌باشد در حالیکه تغییرات شدت فقر براساس مفهوم فقر مطلق برای گروههای بی‌سواد، ابتدایی و راهنمایی کاهشی و برای گروههای دیگر افزایشی بوده است (جدول ۲۷). این امر دلالت بر بهتر شدن وضعیت گروههای با سطح تحصیلات پایین و بدتر شدن وضعیت تحصیلکرده‌ها دارد که به هیچ وجه مطلوب نیست و از آثار اجتماعی آن، روند روبه گسترش مهاجرت تحصیلکرده‌های کشور است.

#### ۴-۴-۴- بررسی شدت فقر برحسب مناطق جغرافیایی مختلف

در جدول (۲۹) شدت فقر برحسب مناطق ۷ گانه برپایه مفهوم مطلق فقر و خط فقر ۲۱۷۹ کالری ارائه شده است.

جدول (۲۹) - شدت فقر برحسب مناطق مختلف جغرافیایی برپایه مفهوم مطلق فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد	۰/۳۹۱	۰/۴۰۵	۰/۳۸۸	۰/۳۵۳	۰/۳۶۲	۰/۲۸۵	۰/۳۲۶	۰/۳۱۹	۰/۳۲۹
تهران، فارس، اصفهان، قم	۰/۳۲۳	۰/۳۰۰	۰/۳۲۰	۰/۳۴۵	۰/۳۳۹	۰/۴۰۳	۰/۳۱۶	۰/۳۲۰	۰/۲۷۷
مرکزی، کرمان، سمنان، یزد	۰/۴۰۵	۰/۳۹۱	۰/۳۸۳	۰/۳۵۴	۰/۳۱۷	۰/۲۹۳	۰/۳۵۰	۰/۳۲۷	۰/۲۹۸
آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، زنجان، قزوین	۰/۳۹۶	۰/۴۳۳	۰/۳۸۲	۰/۳۲۸	۰/۳۱۶	۰/۳۱۵	۰/۳۰۱	۰/۲۹۸	۰/۳۷۶
گیلان، مازندران، گلستان، خراسان	۰/۳۹۸	۰/۳۷۸	۰/۳۹۷	۰/۳۳۳	۰/۳۴۳	۰/۳۰۱	۰/۳۴۶	۰/۳۱۱	۰/۴۵۳
خوزستان، لرستان، بوشهر، هرمزگان	۰/۳۳۱	۰/۳۱۰	۰/۳۶۴	۰/۲۹۱	۰/۲۵۵	۰/۲۰۴	۰/۲۸۳	۰/۲۶۶	۰/۲۴۸
کرمانشاه، کردستان، همدان	۰/۳۸۹	۰/۳۵۰	۰/۳۷۳	۰/۳۳۱	۰/۳۵۱	۰/۲۹۰	۰/۳۱۵	۰/۳۱۹	۰/۳۱۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بیشترین شدت فقر در سالهای مطالعه بین مناطق مختلف در حال تغییر بوده است بطوریکه در هر سال یک منطقه جغرافیایی دارای بیشترین شدت فقر بوده است. اما در خصوص مناطقی که دارای کمترین شدت فقر بوده‌اند وضعیت مشخص‌تری قابل ملاحظه است بطوریکه از سال ۷۱ تا ۷۳ استانهای تهران، فارس، اصفهان و قم دارای کمترین شدت فقر بوده‌اند و از سال ۷۴ تا ۷۹ گروه استانهای خوزستان، لرستان، بوشهر و هرمزگان دارای کمترین شدت فقر بوده‌اند.

تحول زمانی شدت فقر در گروههای هفتگانه جغرافیایی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ کاهشی بوده است. برای مثال شدت فقر در گروه استانهای برخوردار (تهران، فارس، اصفهان و قم) از ۰/۳۲۳ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۲۷۷ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. شدت فقر در مجموعه استانهای محروم کشور (سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد) از ۰/۳۹۱ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۳۲۹ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است.

در جدول (۳۰) شدت فقر نسبی برحسب گروههای هفتگانه جغرافیایی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ ارائه شده است.

بررسی شدت فقر براساس مفهوم فقر نسبی در گروههای هفتگانه جغرافیایی دلالت بر آن دارد که در اکثر سالهای مطالعه گروه استانهای غیر برخوردار (سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد) دارای بالاترین شدت فقر بوده‌اند و در مقابل مجموعه استانهای برخوردار (تهران، فارس، اصفهان و قم) دارای کمترین شدت فقر بوده‌اند.



جدول (۳۰) - شدت فقر برحسب مناطق جغرافیایی مختلف بر پایه مفهوم نسبی فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد	۰/۵۴۷	۰/۵۰۸	۰/۵۸۸	۰/۵۹۳	۰/۶۶۱	۰/۶۵۱	۰/۶۰۲	۰/۵۹۱	۰/۵۷۸
تهران، فارس، اصفهان، قم	۰/۴۲۷	۰/۴۳۲	۰/۴۴۷	۰/۴۶۳	۰/۵۱۰	۰/۴۸۳	۰/۴۳۶	۰/۴۳۴	۰/۴۳۷
مرکزی، کرمان، سمنان، یزد	۰/۴۹۸	۰/۴۸۵	۰/۵۲۷	۰/۵۵۰	۰/۵۹۲	۰/۵۸۱	۰/۵۳۸	۰/۴۹۹	۰/۵۱۲
آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، زنجان، قزوین	۰/۵۴۳	۰/۵۴۷	۰/۵۴۲	۰/۵۶۲	۰/۶۰۹	۰/۵۸۸	۰/۵۳۶	۰/۵۴۱	۰/۵۴۰
گیلان، مازندران، گلستان، خراسان	۰/۵۱۹	۰/۵۱۷	۰/۵۸۳	۰/۵۸۱	۰/۶۳۳	۰/۵۸۹	۰/۵۵۹	۰/۵۰۵	۰/۵۳۳
خوزستان، لرستان، بوشهر، هرمزگان	۰/۴۹۱	۰/۴۸۱	۰/۵۳۴	۰/۵۵۱	۰/۵۷۰	۰/۵۶۷	۰/۵۳۰	۰/۵۳۰	۰/۵۱۶
کرمانشاه، کردستان، همدان	۰/۵۵۳	۰/۵۱۱	۰/۵۴۹	۰/۵۶۷	۰/۶۱۲	۰/۵۷۵	۰/۵۷۲	۰/۵۹۵	۰/۵۷۴

مأخذ: یافته های پژوهش

این نتایج همچنین دلالت بر آن دارند که تحول زمانی شدت فقر نسبی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ در گروههای مختلف مناطق جغرافیایی افزایشی بوده است بطوریکه برای مجموعه استانهای غیر برخوردار شدت فقر از ۰/۵۴۷ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۵۷۸ در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. برای مجموعه استانهای برخوردار شدت فقر از ۰/۴۲۷ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۴۳۷ در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است.

#### ۴-۴-۵- بررسی شدت فقر برحسب تصدی در شغل سرپرست خانوار

همانطور که قبلا اشاره شد براساس تصدی سرپرست خانوار در شغل، خانوارها به ۵ گروه طبقه بندی می گردند. در جدول (۳۱) شدت فقر برحسب این ۵ گروه برپایه مفهوم مطلق فقر و خط فقر مبتنی بر ۲۱۷۹ کالری ارائه شده است.

جدول (۳۱) - شدت فقر برحسب تصدی در شغل سرپرست خانوار برپایه مفهوم مطلق فقر (خط فقر ۲۱۷۹ کالری)

طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کارفرما	۰/۳۶۳	۰/۳۴۱	۰/۳۵۰	۰/۳۴۸	۰/۳۲۶	۰/۴۲۸	۰/۳۰۳	۰/۳۲۸	۰/۲۷۷
کارکن مستقل	۰/۳۶۶	۰/۳۴۵	۰/۳۶۵	۰/۳۱۳	۰/۳۰۴	۰/۲۸۹	۰/۳۰۵	۰/۳۰۰	۰/۳۰۱
کارکن بخش عمومی	۰/۲۸۹	۰/۳۱۶	۰/۲۹۵	۰/۲۸۹	۰/۳۱۲	۰/۴۲۶	۰/۳۰۸	۰/۳۴۸	۰/۳۳۹
کارکن بخش خصوصی	۰/۳۹۱	۰/۳۶۰	۰/۳۹۱	۰/۳۳۳	۰/۳۳۰	۰/۲۶۲	۰/۳۰۷	۰/۲۴۷	۰/۲۹۷
کارکن فامیلی	۰/۴۵۶	۰/۴۴۱	۰/۴۳۱	۰/۳۹۷	۰/۴۰۴	۰/۳۵۸	۰/۳۴۱	۰/۳۱۱	۰/۳۷۷

مأخذ: یافته های پژوهش

بیشترین شدت فقر طی سالهای مطالعه مربوط به گروه کارکن فامیلی بوده است. اما در مورد کمترین شدت فقر اگرچه نتایج حاصل نشان می‌دهد که از سال ۷۱ تا ۷۴ گروه کارکن بخش عمومی کمترین شدت فقر مطلق را داشته است پس ولی بطور مشخص نمی‌توان گروه خاصی را ذکر نمود.

تحول زمانی شدت فقر برحسب تصدی در شغل سرپرست خانوار طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ دلالت بر آن دارد که برای گروه کارفرمایان شدت فقر نزولی بوده و از ۰/۳۶۳ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۱۷۷ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. برای گروه کارکنان مستقل نیز شدت فقر نزولی بوده، از ۰/۳۶۶ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۳۰۱ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. برای گروه کارکنان بخش عمومی شدت فقر صعودی بوده بطوریکه از ۰/۲۸۹ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۳۳۹ در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است. برای دو گروه کارکن بخش خصوصی و کارکن فامیلی شدت فقر نزولی بوده که به ترتیب از ۰/۳۹۱ و ۰/۴۵۶ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۲۹۷ و ۰/۳۷۷ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است.

در جدول (۳۲) شدت فقر برپایه مفهوم نسبی فقر (معکوس ضریب انگل) طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ برحسب تصدی سرپرست خانوار در مشاغل مختلف درج شده است.

جدول (۳۲) - شدت فقر برحسب سمت در شغل سرپرست خانوار برپایه مفهوم نسبی فقر (خط فقر معکوس ضریب انگل)

طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کارفرما	۰/۴۶۸	۰/۴۷۰	۰/۴۹۵	۰/۴۹۷	۰/۵۵۲	۰/۵۰۷	۰/۴۶۵	۰/۴۵۱	۰/۴۴۵
کارکن مستقل	۰/۵۱۳	۰/۴۹۳	۰/۵۴۰	۰/۵۴۹	۰/۵۹۷	۰/۵۶۹	۰/۵۳۷	۰/۵۳۲	۰/۵۲۶
کارکن بخش عمومی	۰/۳۹۸	۰/۳۹۳	۰/۴۴۷	۰/۴۶۴	۰/۴۹۴	۰/۴۶۶	۰/۴۱۴	۰/۴۰۶	۰/۳۸۹
کارکن بخش خصوصی	۰/۵۵۷	۰/۵۳۵	۰/۵۷۲	۰/۶۰۳	۰/۶۳۶	۰/۶۱۳	۰/۵۶۴	۰/۵۲۸	۰/۴۶۰
کارکن فامیلی	۰/۵۴۶	۰/۵۳۱	۰/۵۳۸	۰/۵۶۷	۰/۵۸۹	۰/۵۷۹	۰/۵۶۳	۰/۵۵۸	۰/۵۶۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

کمترین شدت فقر برپایه مفهوم نسبی فقر مربوط به گروه کارکن بخش عمومی بوده در حالیکه بیشترین شدت فقر در طی سالهای مطالعه بجز دو سال آخر (سالهای ۷۸ و ۷۹) مربوط به گروه کارکن بخش خصوصی بوده است. همچنین تحول زمانی شدت فقر نسبی در گروه کارفرما طی

سالهای ۷۱ تا ۷۹ نزولی بوده بطوریکه از ۰/۴۶۸ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۴۴۵ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. برای طبقه کارکن بخش عمومی از ۰/۳۹۸ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۴۹۴ در سال ۱۳۷۵ افزایش و سپس در سال ۱۳۷۹ به ۰/۳۸۹ کاهش یافته است. برای طبقه کارکن بخش خصوصی از ۰/۵۵۷ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۶۳۶ در سال ۱۳۷۵ افزایش و سپس در سال ۱۳۷۹ به ۰/۴۶۰ کاهش یافته است. برای طبقه کارکن فامیلی شدت فقر از ۰/۵۴۶ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۵۶۷ در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است.

#### ۶-۴-۴- بررسی شدت فقر برحسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار

شدت فقر برحسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار برپایه خط فقر ۲۱۷۹ کالری یا همان مفهوم مطلق فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ در جدول (۳۳) درج شده است.

جدول (۳۳) - شدت فقر برحسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار برپایه مفهوم مطلق فقر (خط فقر ۲۱۷۹ کالری) طی

سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کشاورزی				۰/۳۲۷	۰/۳۲۲	۰/۲۶۹	۰/۳۱۱	۰/۲۹۶	۰/۳۰۷
صنعت و معدن				۰/۳۱۶	۰/۲۸۴	۰/۳۴۰	۰/۳۲۰	۰/۳۰۰	۰/۲۹۶
برق، آب، گاز				۰/۴۰۳	۰/۴۰۹	۰/۱۹۵	۰/۳۷۴	۰/۳۳۱	۰/۲۸۶
ساختمان				۰/۳۲۷	۰/۳۲۰	۰/۲۴۸	۰/۳۱۱	۰/۲۸۵	۰/۲۹۱
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی				۰/۳۰۶	۰/۳۱۵	۰/۳۱۱	۰/۲۸۱	۰/۳۱۶	۰/۲۸۶
هتل و رستوران				۰/۴۲۳	۰/۲۶۹	۰/۴۵۴	۰/۲۸۳	۰/۳۹۴	۰/۳۶۸
حمل و نقل و ارتباطات				۰/۲۷۲	۰/۳۰۰	۰/۳۶۲	۰/۳۰۶	۰/۳۰۹	۰/۲۷۲
واسطه‌گریهای مالی				۰/۴۲۰	۰/۴۸۸	-	۰/۶۲۴	۰/۸۲۷	۰/۳۳۴
سایر				۰/۳۷۵	۰/۳۸۳	۰/۳۷۷	۰/۳۶۸	۰/۳۴۵	۰/۴۵۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در خصوص گروه شغلی که دارای کمترین شدت فقر باشد در سالهای مختلف وضعیت مشخصی ملاحظه نمی‌گردد اما در خصوص گروه شغلی واسطه‌گریهای مالی می‌توان گفت در اکثر سالهای مطالعه دارای بالاترین شدت فقر بوده است. باید توجه داشت که این گروه دارای کمترین سطح فقر یعنی کمترین درصد خانوارهای فقیر را داشته است. در نتیجه می‌توان گفت اگر چه گروه واسطه‌گریهای مالی دارای کمترین درصد خانوارهای فقیر می‌باشند اما همین درصد کم در فقر شدید

قرار دارند یعنی در واقع فقیرهایی که در بخش مالی فعالیت می‌کنند در مقایسه با فقیرهای سایر بخش‌ها از فقر شدیدتری در رنج می‌باشند.<sup>۱</sup>

شاخص شدت فقر طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ برای کلیه بخش‌های اقتصادی نزولی بوده است و تنها در بخش واسطه‌گریهای مالی که بالاترین شدت فقر را تجربه کرده، روند زمانی شدت فقر صعودی بوده است بطوریکه مقدار شدت فقر برای این گروه از ۰/۴۲۰ در سال ۱۳۷۴ به ۰/۶۲۴ در سال ۱۳۷۷ و ۰/۸۲۷ در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته و در سال ۷۹ به شدت کاهش یافته که احتمالاً مربوط به خطای آماری است. در جدول (۳۴) نتایج مربوط به شدت فقر نسبی بر پایه خط فقر معکوس ضریب انگل ارائه شده است.

جدول (۳۴) - شدت فقر برحسب نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار برپایه مفهوم نسبی فقر (خط فقر معکوس ضریب انگل) طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹

شرح	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
کشاورزی	۰/۵۸۹	۰/۶۵۰	۰/۶۱۷	۰/۵۸۱	۰/۵۶۹	۰/۵۶۵
صنعت و معدن	۰/۵۲۴	۰/۵۴۲	۰/۵۲۵	۰/۴۸۱	۰/۴۶۱	۰/۴۵۹
برق، آب، گاز	۰/۴۶۵	۰/۴۹۹	۰/۴۶۹	۰/۴۲۵	۰/۳۹۰	۰/۴۳۲
ساختمان	۰/۶۲۳	۰/۶۵۳	۰/۶۲۹	۰/۵۸۹	۰/۵۹۵	۰/۵۹۰
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۰/۴۹۱	۰/۵۲۶	۰/۵۰۳	۰/۴۶۷	۰/۴۶۹	۰/۴۵۹
هتل و رستوران	۰/۴۵۹	۰/۵۴۴	۰/۴۸۴	۰/۴۸۶	۰/۴۱۷	۰/۴۶۳
حمل و نقل و ارتباطات	۰/۴۹۶	۰/۵۲۷	۰/۵۰۱	۰/۴۵۶	۰/۴۵۴	۰/۴۴۸
واسطه‌گریهای مالی	۰/۳۶۶	۰/۳۷۱	۰/۳۶۶	۰/۳۵۳	۰/۳۱۷	۰/۲۹۴
سایر	۰/۵۲۴	۰/۵۴۹	۰/۵۲۸	۰/۴۹۴	۰/۵۰۳	۰/۵۱۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بیشترین شدت فقر در کلیه سالهای مطالعه مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها در بخش ساختمان فعال است و کمترین شدت فقر مربوط به خانوارهای شاغل در بخش واسطه‌گریهای مالی است که این امر با سطح فقر نیز سازگار است زیرا خانوارهای شاغل در بخش واسطه‌گریهای مالی دارای کمترین سطح فقر نیز بودند.

<sup>۱</sup> شدت فقر گروه واسطه‌گریهای مالی معادل عدد یک برآورد گردید که قابل اعتماد نمی‌باشد.

تحول زمانی شدت فقر نسبی در طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ برای کلیه بخش‌های فعالیت اقتصادی نزولی بوده است بطوریکه برای مثال در بخش ساختمان که دارای بالاترین شدت فقر بوده از ۰/۶۲۳ در سال ۱۳۷۴ به ۰/۵۹۰ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است و برای بخش واسطه‌گریهای مالی که دارای کمترین شدت فقر بوده نیز از ۰/۳۶۶ در سال ۱۳۷۴ به ۰/۲۹۴ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است.

#### ۷-۴-۴- بررسی شدت فقر بر حسب نوع شغل دقیق سرپرست خانوار

جدول (۳۵) نتایج مربوط به شدت فقر را بر حسب نوع دقیق شغل سرپرست خانوار بر پایه خط فقر مبتنی بر ۲۱۷۹ کالری طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ نشان می‌دهد.

جدول (۳۵) - شدت فقر بر حسب نوع شغل دقیق سرپرست خانوار بر پایه مفهوم مطلق فقر (خط فقر ۲۱۷۹ کالری)

طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه	۰/۳۴۹	۰/۳۰۴	۰/۲۹۰	۰/۳۵۱	۰/۳۹۵	-	۰/۵۷۸	۰/۸۳۱	۰/۷۳۵
متخصصان علمی - فنی	۰/۴۰۷	۰/۵۱۹	۰/۳۵۵	۰/۳۷۳	۰/۴۵۰	۰/۵۳۲	۰/۳۴۴	۰/۵۱۸	۰/۴۵۷
تکنسین‌ها و دستیاران	۰/۳۰۲	۰/۲۱۳	۰/۲۹۹	۰/۴۱۲	۰/۲۷۶	۰/۵۱۳	۰/۲۸۹	۰/۳۵۱	۰/۲۸۶
کارمندان دفتری	۰/۳۲۸	۰/۲۸۷	۰/۳۱۹	۰/۳۱۲	۰/۲۸۰	۰/۸۱۹	۰/۳۴۱	۰/۴۸۸	۰/۴۴۲
کارکنان خدماتی و فروشندگان	۰/۳۱۴	۰/۳۲۳	۰/۳۲۷	۰/۲۹۲	۰/۳۲۳	۰/۳۱۳	۰/۲۷۳	۰/۳۲۸	۰/۲۹۳
کارکنان ماهر کشاورزی	۰/۳۸۶	۰/۳۷۳	۰/۳۹۹	۰/۳۲۵	۰/۳۰۸	۰/۲۷۴	۰/۳۰۲	۰/۲۹۲	۰/۳۰۱
صنعت‌گران و مشاغل مربوط	۰/۳۴۳	۰/۳۱۴	۰/۳۵۱	۰/۳۰۹	۰/۲۹۲	۰/۳۱۸	۰/۳۱۳	۰/۲۸۴	۰/۲۸۶
متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ	۰/۳۲۵	۰/۳۱۲	۰/۳۰۲	۰/۲۸۶	۰/۲۹۷	۰/۳۷۷	۰/۲۷۹	۰/۳۰۷	۰/۲۶۳
کارگران ساده خدمات	۰/۳۵۶	۰/۳۲۹	۰/۳۵۵	۰/۳۱۸	۰/۳۳۴	۰/۲۵۲	۰/۳۲۲	۰/۲۸۸	۰/۳۰۴
سایر مشاغل	۰/۴۴۰	۰/۴۲۷	۰/۴۱۹	۰/۳۹۵	۰/۴۰۴	۰/۳۶۵	۰/۳۸۷	۰/۳۴۸	۰/۴۷۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۳۵) دلالت بر آن دارد که در خصوص منتسب نمودن کمترین و بیشترین فقر به یک گروه خاص، نمی‌توان اظهار نظر نمود زیرا در سالهای مختلف گروههای مختلف دارای بیشترین و کمترین شدت فقر بوده‌اند. تنها نکته قابل ملاحظه مربوط به شدت فقر در گروه شغلی قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه است که در فاصله سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ همواره دارای کمترین شدت فقر بوده‌اند.

در مورد تحول زمانی شدت فقر در گروههای مختلف شغلی نیز نمی‌توان یک روند صعودی یا نزولی مشخص را تعیین نمود، برای برخی از گروههای شغلی مانند گروه قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه، متخصصان علمی - فنی و کارمندان دفتری شدت فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ صعودی بوده و برای برخی دیگر از گروهها مانند تکنسین‌ها و دستیاران، کارکنان خدماتی و فروشندگان، کارکنان ماهر کشاورزی، صنعت‌گران و مشاغل مربوط، متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ و کارگران ساده خدمات شدت فقر نزولی بوده است. در جدول (۳۶) شدت فقر بر پایه فقر نسبی ارائه شده است.

جدول (۳۶) - شدت فقر برحسب شغل دقیق سرپرست خانوار برپایه مفهوم نسبی (خط فقر معکوس ضریب انگل)

طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه	۰/۳۶۹	۰/۳۵۰	۰/۴۱۸	۰/۴۳۰	۰/۳۹۷	۰/۳۶۷	۰/۳۸۴	۰/۳۵۸	۰/۳۶۲
متخصصان علمی - فنی	۰/۳۵۶	۰/۳۷۰	۰/۳۴۱	۰/۳۶۶	۰/۴۳۳	۰/۳۹۹	۰/۳۷۵	۰/۳۸۹	۰/۳۵۱
تکنسین‌ها و دستیاران	۰/۳۵۰	۰/۳۲۵	۰/۴۰۰	۰/۴۲۵	۰/۴۶۲	۰/۴۵۴	۰/۴۰۹	۰/۴۰۶	۰/۴۲۲
کارمندان دفتری	۰/۴۴۴	۰/۴۲۷	۰/۴۷۳	۰/۴۹۲	۰/۴۵۳	۰/۴۱۸	۰/۳۶۷	۰/۳۷۸	۰/۳۶۸
کارکنان خدماتی و فروشندگان	۰/۴۶۱	۰/۴۷۲	۰/۵۲۴	۰/۵۱۷	۰/۵۱۷	۰/۴۸۳	۰/۴۴۷	۰/۴۴۶	۰/۴۳۳
کارکنان ماهر کشاورزی	۰/۵۴۹	۰/۵۳۸	۰/۵۹۲	۰/۵۸۹	۰/۶۳۷	۰/۶۰۳	۰/۵۶۵	۰/۵۵۶	۰/۵۴۹
صنعت‌گران و مشاغل مربوط	۰/۴۸۵	۰/۴۶۸	۰/۵۳۰	۰/۵۵۸	۰/۵۵۱	۰/۵۳۹	۰/۴۸۹	۰/۴۸۱	۰/۴۸۲
متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ	۰/۴۳۹	۰/۴۳۳	۰/۴۷۰	۰/۴۷۷	۰/۵۳۷	۰/۵۰۳	۰/۴۶۰	۰/۴۴۹	۰/۴۵۳
کارگران ساده خدمات	۰/۵۱۵	۰/۴۸۷	۰/۵۳۸	۰/۵۷۹	۰/۶۸۴	۰/۶۵۳	۰/۶۰۸	۰/۶۱۳	۰/۶۰۹
سایر مشاغل	۰/۵۳۹	۰/۵۱۸	۰/۵۲۷	۰/۵۴۶	۰/۵۷۸	۰/۵۶۷	۰/۵۳۴	۰/۵۴۴	۰/۵۶۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مطالعه بیشترین و کمترین شدت فقر نسبی در گروههای مختلف شغلی نشان می‌دهد که در اکثر سالهای مطالعه گروه شغلی کارکنان ماهر کشاورزی دارای بیشترین شدت فقر بوده‌اند ضمن اینکه این گروه از لحاظ سطح فقر نیز جزو گروههایی است که دارای بالاترین درصد خانوارهای فقیر می‌باشد. به این ترتیب وضعیت فقر در این گروه بسیار وخیم و قابل توجه برای سیاستگذاران است. در خصوص گروهی که دارای کمترین شدت فقر باشد نظر قاطعی نمی‌توان داد اما گروه

متخصصان علمی - فنی و در برخی سالها گروه قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه دارای شدت فقر کمتری نسبت به سایر گروهها بوده‌اند که دور از انتظار نیز نمی‌باشد.

بررسی تحول زمانی شدت فقر در گروههای شغلی مختلف طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ مشخص می‌کند که در گروههای قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه، متخصصان علمی - فنی، کارمندان دفتری، کارکنان خدماتی و فروشندگان، صنعت‌گران و مشاغل مربوط، شدت فقر روند نزولی داشته و در گروههای تکنسین‌ها و دستیاران، کارکنان ماهر کشاورزی، متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای موتناژ همچنین کارگران ساده خدمات شدت فقر صعودی بوده است.

#### ۵-۴- بررسی اندازه فقر در ایران برپایه شاخص سن

آمار تیاسن برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ از جمله اقتصاددانانی است که به دلیل مطالعاتش در زمینه رفاه و فقر به این افتخار نایل شده است. او فقر را بیش از آنکه ناشی از کمبود غذا بداند بیشتر به فقدان توسعه اجتماعی، اقتصادی کشورهای درگیر فقر منتسب می‌داند. او معتقد است وجود فقر در کشورهای فقیر مربوط به سوء مدیریت مسئولین است. او در یک مصاحبه به هنگام آگاه شدن از تعلق جایزه نوبل به وی اظهار داشت من از کودکی خود و در کشور فقیر هند مردم نحیفی را به خاطر می‌آورم که در دسته‌های هزارتایی به کام مرگ می‌رفتند. همان زمان فکر کردم که گرسنگی فقط فقرا را هدف قرار می‌دهد. شاید این سوابق ذهنی، مطالعات آمار تیاسن را به حول محور فقر و رفاه کشانده باشد.

تا قبل از نگارش مقاله اندازه‌گیری رتبه‌ای فقر توسط آمارتیاسن (۱۹۷۶) محققین برای اندازه‌گیری فقر عمدتاً از شاخصهایی همچون درصد خانوارهای فقیر، شکاف درآمدی فقرا و ... استفاده می‌کردند. آمار تیاسن در مقاله خود ضمن مطرح نمودن نقاط ضعف و قوت این شاخص‌ها با استفاده از تعدادی اصل بدیهی در خصوص موضوع فقر اقدام به ارائه شاخص ترکیبی جدیدی نمود که علاوه بر دارا بودن نقاط قوت شاخصهای قبلی فاقد نقاط ضعف آنها بود. به عبارت دیگر می‌توان گفت شاخص "سن" اولین شاخص مستدل فقر محسوب می‌گردد. در بخشهای قبلی این مطالعه انواع شاخصهای فقر به ویژه شاخص فقر سن مورد بررسی نظری قرار گرفت. همچنین در

بخش قبلی شاخصهایی همچون درصد خانوارهای فقیر، شکاف فقر برای خانوارها با خصوصیات مختلف اقتصادی، اجتماعی ارائه گردید، در ادامه بحث با استفاده از شاخص "سن" اندازه فقر در ایران محاسبه و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همانگونه که اظهار شد شاخص ترکیبی "سن" برپایه سه رکن یعنی درصد خانوارهای فقیر، شکاف درآمدی خانوارهای فقیر (یا شدت فقر) و همچنین توزیع درآمد بین فقرا تعریف شده است. در این پژوهش نتایج مربوط به تک تک این شاخصها جداگانه بررسی گردید. محاسبه این شاخصها امکان محاسبه شاخص سن را برای خانوارها با خصوصیات اجتماعی و اقتصادی مختلف فراهم آورد و در ادامه بحث نتایج حاصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۵-۴- بررسی اندازه فقر در جوامع شهری و روستایی بر حسب شاخص "سن"

در جدول (۳۷) اندازه شاخص "سن" در جوامع شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ برپایه مفهوم مطلق فقر (خط فقر ۲۱۷۹ کالری) و مفهوم نسبی فقر درج شده است.

جدول (۳۷)- اندازه فقر بر حسب شاخص سن در جوامع شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹

سال		۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	خط فقر ۲۱۷۹ کالری (فقر مطلق)	۰/۱۳۲	۰/۰۹۹	۰/۱۵۵	۰/۰۶۵	۰/۰۷۱	۰/۰۱۲	۰/۰۵۷	۰/۰۴۰	۰/۰۱۲
	خط فقر معکوس ضریب انگل (فقر نسبی)	۰/۴۸۲	۰/۴۶۸	۰/۵۱۶	۰/۵۶۴	۰/۶۲۹	۰/۵۸۹	۰/۵۰۸	۰/۵۰۶	۰/۵۰۲
روستایی	خط فقر ۲۱۷۹ کالری (فقر مطلق)	۰/۱۶۵	۰/۱۸۱	۰/۲۰۱	۰/۱۰۳	۰/۰۸۳	۰/۰۶۰	۰/۰۶۶	۰/۰۳۹	۰/۰۴۸
	خط فقر معکوس ضریب انگل (فقر نسبی)	۰/۳۸۹	۰/۳۶۴	۰/۳۹۸	۰/۴۶۶	۰/۴۸۷	۰/۴۶۷	۰/۴۲۸	۰/۴۶۵	۰/۴۴۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج مربوط به اندازه فقر در جوامع شهری دلالت بر آن دارد که برپایه فقر مطلق اندازه فقر همراه با نوساناتی کاهش یافته است، بطوریکه از ۰/۱۳۲ در سال ۱۳۷۱ به ۰/۰۱۲ در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. در حالیکه برپایه فقر نسبی اندازه فقر در جوامع شهری همراه با نوساناتی افزایش یافته است بطوریکه از ۰/۴۸۲ واحد در سال ۱۳۷۱ به ۰/۵۰۲ واحد در سال ۱۳۷۹ رسیده است. البته اوج افزایش در سال ۱۳۷۵ بوده که شاخص فقر به ۰/۶۲۹ واحد افزایش یافته است. این نتایج با نتایج حاصل از شاخصهای درصد خانوارهای فقیر و شدت فقر نیز سازگار است و



به عبارت دیگر تغییرات زمانی این شاخصها همسو بوده است. اندازه شاخصها سن در طول زمان برحسب مفهوم مطلق فقر، کاهشی و برحسب مفهوم فقر نسبی، افزایشی بوده است. تصویر ارائه شده در جوامع شهری عینا در جوامع روستایی نیز مشاهده می‌شود با این تفاوت که سطح فقر مطلق در تمامی سالهای مطالعه در جامعه روستایی بیشتر از جامعه شهری بوده اما سطح فقر نسبی در تمامی سالهای مطالعه در جوامع شهری بیشتر از جوامع روستایی بوده است.

#### ۲-۵-۴- بررسی اندازه فقر برحسب سطوح سنی مختلف در ایران

در جدول (۳۸) شاخص فقر سن برای گروههای سنی مختلف طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ برپایه خط فقر ۲۱۷۹ کالری درج شده است.

جدول (۳۸)- اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم مطلق فقر به تفکیک گروههای سنی ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کمتر از ۲۵ سال	۰/۱۶۴	۰/۱۵۲	۰/۱۸۹	۰/۰۹۰	۰/۱۱۰	۰/۰۳۶	۰/۰۷۹	۰/۰۴۹	-
۲۶-۳۶	۰/۱۴۹	۰/۱۳۹	۰/۱۸۹	۰/۰۸۱	۰/۰۸۸	۰/۰۲۹	۰/۰۷۷	۰/۰۴۹	۰/۰۵۹
۳۶-۴۵	۰/۱۷۶	۰/۱۵۲	۰/۱۹۵	۰/۰۹۶	۰/۰۹۵	۰/۰۲۷	۰/۰۸۱	۰/۰۵۵	۰/۰۷۱
۴۶-۵۵	۰/۱۶۹	۰/۱۵۶	۰/۱۸۹	۰/۰۸۳	۰/۰۸۷	۰/۰۲۶	۰/۰۸۱	۰/۰۴۰	۰/۰۶۶
بالاتر از ۵۵ سال	۰/۱۸۷	۰/۱۷۵	۰/۲۱۲	۰/۱۰۸	۰/۱۱۱	۰/۰۳۷	۰/۰۹۳	۰/۰۵۴	۰/۰۷۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

اندازه فقر در گروه سنی ۲۶ سال تا ۳۵ سال در اکثر سالهای مطالعه کمترین مقدار و در گروه سنی بالاتر از ۵۵ سال بیشترین مقدار بوده است. این امر با انتظارات سازگار است زیرا معمولا بازنشستگان در گروه سنی ۵۵ سال به بالا قرار می‌گیرند که با افت شدید درآمدی مواجه هستند. همچنین افراد در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال در دوره کاری مناسبی قرار دارند و بلحاظ کسب درآمد در موقعیت مناسبی قرار دارند.

تحول زمانی اندازه فقر مطلق نیز برای کلیه گروههای سنی مختلف طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ کاهشی بوده است. این نتایج یافته‌های قبلی را تایید می‌نماید.

جدول (۳۹) - اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم نسبی فقر و به تفکیک گروههای سنی ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کمتر از ۲۵ سال	۰/۴۶۵	۰/۴۶۵	۰/۵۱۳۰	۰/۵۳۶	۰/۶۳۲	۰/۵۹۶	۰/۵۳۹	۰/۵۲۴	۰/۶۴۵
۲۶ تا ۳۵ سال	۰/۴۵۸	۰/۴۴۷	۰/۵۱۳۴	۰/۵۴۰	۰/۶۱۲	۰/۵۷۶	۰/۵۰۹	۰/۵۰۹	۰/۴۸۵
۳۶ تا ۴۵ سال	۰/۴۸۱	۰/۴۶۵	۰/۵۱۷	۰/۵۶۲	۰/۶۱۴	۰/۵۸۱	۰/۵۰۴	۰/۵۱۷	۰/۵۱۸
۴۶ تا ۵۵ سال	۰/۴۶۹	۰/۴۴۹	۰/۴۹۳	۰/۵۳۵	۰/۵۸۴	۰/۵۵۳	۰/۴۸۵	۰/۴۹۵	۰/۵۰۱
بالتر از ۵۵ سال	۰/۴۷۹	۰/۴۷۴	۰/۵۱۰	۰/۵۵۸	۰/۶۰۹	۰/۵۶۷	۰/۵۰۳	۰/۴۹۸	۰/۵۱۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

یافته‌های جدول (۳۹) دلالت بر آن دارد که اندازه فقر نسبی براساس مفهوم نسبی فقر از نظر بیشترین و کمترین میزان فقر در گروههای مختلف سنی وضعیت مشخصی را به نمایش نمی‌گذارد. در فاصله سالهای ۷۳ تا ۷۵ بیشترین فقر مربوط به گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال بوده در حالیکه در فاصله سالهای ۷۶ تا ۷۹ مربوط به گروه کمتر از ۲۵ سال بوده است. نتایج نشان می‌دهد که کمترین میزان فقر طی سالهای ۷۳ تا ۷۸ مربوط به گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال بوده است. در سال ۱۳۷۹ کمترین میزان فقر نسبی مربوط به گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال یعنی ۰/۴۸۵ واحد بوده در حالیکه در همین سال بیشترین میزان فقر مربوط به گروه کمتر از ۲۵ سال با ۰/۶۴۵ واحد بوده است. در خصوص تحول زمانی اندازه فقر نسبی در گروههای مختلف سنی نیز روند صعودی ملاحظه می‌شود.

### ۳-۵-۴- بررسی اندازه فقر برحسب پایه تحصیلی

در جدول (۴۰) اندازه فقر مطلق برحسب شاخص سن به تفکیک پایه‌های مختلف تحصیلی سرپرست خانوار طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ درج شده است.

جدول (۴۰) - اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم مطلق فقر به تفکیک پایه تحصیلی سرپرست خانوار - ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
بی‌سواد	۰/۲۴۸	۰/۲۳۵	۰/۲۹۷	۰/۱۴۷	۰/۱۵۷	۰/۰۴۹	۰/۱۳۶	۰/۰۸۶	۰/۱۱۱
ابتدایی	۰/۱۴۱	۰/۱۲۸	۰/۱۷۵	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	۰/۰۲۱	۰/۰۶۰	۰/۰۴۰	۰/۰۵۱
راهنمایی	۰/۰۶۸	۰/۰۷۷	۰/۱۱۶	۰/۰۴۷	۰/۰۴۵	۰/۰۱۷	۰/۰۴۴	۰/۰۲۴	۰/۰۳۱
دبیرستان دیپلم	۰/۰۴۰	۰/۰۴۴	۰/۰۶۸	۰/۰۳۰	۰/۰۳۲	۰/۰۱۴	۰/۰۲۷	۰/۰۱۴	۰/۰۲۳
فوق دیپلم و لیسانس	۰/۰۲۰	۰/۰۱۷	۰/۰۴۲	۰/۰۱۸	۰/۰۱۹	۰/۰۰۷	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲
بالتر از لیسانس و دکترا	۰/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۰۲۶	۰/۰۳۱	۰/۰۳۲	۰/۰۲۲	۰/۰۲۸	۰/۰۲۱	۰/۰۲۲
سایر	۰/۱۷۲	۰/۱۳۹	۰/۱۸۱	۰/۰۸۱	۰/۰۹۱	۰/۰۲۵	۰/۰۸۱	۰/۰۳۹	۰/۱۸۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

یافته‌های جدول ۴۰ دلالت بر آن دارد که با افزایش میزان تحصیلات سرپرست خانوار اندازه فقر برحسب شاخص سن کاهش می‌یابد. در اکثر سالها بیشترین میزان فقر مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها بی‌سواد بوده است. کمترین میزان فقر مربوط به تحصیلات لیسانس و بالاتر می‌باشد. تحول زمانی اندازه فقر مطلق طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ در کلیه پایه‌های تحصیلی سرپرست خانوار نزولی بوده است. در جدول (۴۱) نتایج اندازه شاخص فقر سن با توجه به مفهوم نسبی فقر و به تفکیک گروههای تحصیلی مختلف طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ درج شده است.

جدول (۴۱) - اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم نسبی فقر و به تفکیک پایه تحصیلی سرپرست خانوار - ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
بی‌سواد	۰/۵۸۲	۰/۵۷۵	۰/۶۲۹	۰/۶۵۵	۰/۷۱۱	۰/۶۷۹	۰/۶۱۹	۰/۶۱۶	۰/۶۲۶
ابتدایی	۰/۴۵۶	۰/۴۵۱	۰/۵۱۳	۰/۵۵۱	۰/۶۱۰	۰/۵۸۰	۰/۴۹۴	۰/۵۰۹	۰/۵۱۸
راهنمایی	۰/۳۲۸	۰/۳۵۰	۰/۴۲۲	۰/۴۶۸	۰/۵۲۳	۰/۴۹۹	۰/۴۱۷	۰/۴۲۵	۰/۴۲۶
دبیرستان دیپلم	۰/۲۳۵	۰/۲۳۷	۰/۳۰۶	۰/۳۴۳	۰/۴۰۸	۰/۳۵۸	۰/۲۹۲	۰/۲۸۸	۰/۲۷۵
فوق‌دیپلم و لیسانس	۰/۱۱۵	۰/۱۲۷	۰/۲۰۸	۰/۲۵۳	۰/۲۸۴	۰/۲۵۶	۰/۱۷۱	۰/۱۹۸	۰/۱۷۷
بالاتر از لیسانس و دکترا	۰/۰۱۸	۰/۰۵۳	۰/۰۷۶	۰/۱۰۹	۰/۲۶۰	۰/۲۳۹	۰/۲۱۰	۰/۱۵۱	۰/۱۸۲
سایر	۰/۴۶۹	۰/۴۴۷	۰/۴۹۶	۰/۵۵۵	۰/۶۴۹	۰/۶۱۴	۰/۵۴۳	۰/۵۱۶	۰/۵۹۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مشابه جدول ۴۰ مشاهده می‌شود که همراه با افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار اندازه فقر بر حسب مفهوم نسبی کاهش می‌یابد. این امر در تمامی سالهای مطالعه قابل ملاحظه است. اما در طول زمان مطالعه یعنی در طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ اندازه فقر افزایش یافته است در حالیکه شاخص سن براساس مفهوم فقر مطلق برای تمامی گروههای تحصیلی مختلف کاهش فقر را تجربه کرده است.

#### ۴-۵-۴- بررسی اندازه فقر برحسب مناطق جغرافیایی مختلف

در این قسمت اندازه فقر در مناطق مختلف جغرافیایی برحسب طبقه‌بندی استانهای کشور محاسبه و ارائه می‌گردد. در جدول (۴۲) نتایج مربوط به اندازه فقر برپایه خط فقر ۲۱۷۹ کالری درج گردیده است.

جدول (۴۲). اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم مطلق فقر و به تفکیک گروههای جغرافیایی مختلف - ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد	۰/۲۲۱	۰/۱۸۹	۰/۲۹۳	۰/۱۴۱	۰/۱۸۹	۰/۰۶۴	۰/۱۴۸	۰/۰۹۸	۰/۱۱۵
تهران، فارس، اصفهان، قم	۰/۰۸۱	۰/۰۸۵	۰/۰۹۹	۰/۰۴۵	۰/۰۵۱	۰/۰۱۸	۰/۰۳۶	۰/۰۲۱	۰/۰۲۶
مرکزی، کرمان، سمنان، یزد	۰/۱۶۷	۰/۱۵۸	۰/۲۱۰	۰/۱۰۵	۰/۱۰۳	۰/۰۳۷	۰/۱۰۳	۰/۰۴۹	۰/۰۶۴
آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، زنجان، قزوین	۰/۲۱۷	۰/۲۳۵	۰/۲۲۸	۰/۰۹۹	۰/۱۰۷	۰/۰۴۰	۰/۰۸۵	۰/۰۶۳	۰/۱۰۰
گیلان، مازندران، گلستان، خراسان	۰/۱۸۴	۰/۱۹۲	۰/۲۸۳	۰/۱۲۶	۰/۱۳۹	۰/۰۴۱	۰/۱۱۳	۰/۰۴۲	۰/۱۱۶
خوزستان، لرستان، بوشهر، هرمزگان	۰/۱۴۸	۰/۱۳۶	۰/۲۱۴	۰/۰۸۳	۰/۰۶۳	۰/۰۱۵	۰/۰۷۸	۰/۰۴۱	۰/۰۵۰
کرمانشاه، کردستان، همدان	۰/۲۳۰	۰/۱۷۹	۰/۲۲۹	۰/۱۰۱	۰/۱۲۸	۰/۰۳۰	۰/۱۱۶	۰/۰۹۰	۰/۱۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

یافته‌های مربوط به اندازه فقر در مناطق مختلف جغرافیایی دلالت بر آن دارد که اندازه فقر مطلق در مجموعه استانهای برخوردار یعنی تهران، فارس، اصفهان و قم کمترین میزان بوده است و در مقابل استانهای سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد در اکثر سالهای مطالعه دارای بیشترین میزان فقر بوده‌اند. با اینحال تحول زمانی اندازه شاخص فقر سن در این مجموعه از استانها و کلیه استانهای دیگر کشور با توجه به مفهوم مطلق فقر نزولی بوده است.

جدول (۴۳). اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم نسبی فقر و به تفکیک گروههای جغرافیایی - ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد	۰/۵۵۶	۰/۴۹۱	۰/۶۴۰	۰/۶۴۲	۰/۷۴۶	۰/۷۱۸	۰/۶۴۷	۰/۶۲۳	۰/۶۱۴
تهران، فارس، اصفهان، قم	۰/۳۲۹	۰/۳۶۲	۰/۳۵۸	۰/۳۹۸	۰/۴۷۰	۰/۴۳۱	۰/۳۴۸	۰/۳۴۷	۰/۳۵۵
مرکزی، کرمان، سمنان، یزد	۰/۴۵۵	۰/۴۶۱	۰/۵۲۴	۰/۵۷۰	۰/۶۳۹	۰/۶۲۴	۰/۵۵۰	۰/۴۸۷	۰/۵۱۷
آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، زنجان، قزوین	۰/۵۳۱	۰/۵۳۸	۰/۵۶۶	۰/۵۸۵	۰/۶۶۱	۰/۶۲۶	۰/۵۴۵	۰/۵۵۵	۰/۵۴۷
گیلان، مازندران، گلستان، خراسان	۰/۴۸۷	۰/۵۱۲	۰/۶۱۶	۰/۶۱۷	۰/۶۸۴	۰/۶۳۲	۰/۵۶۰	۰/۴۸۶	۰/۵۲۸
خوزستان، لرستان، بوشهر، هرمزگان	۰/۴۶۹	۰/۴۶۴	۰/۵۵۹	۰/۵۷۶	۰/۶۱۹	۰/۶۱۴	۰/۵۳۸	۰/۵۴۹	۰/۵۳۹
کرمانشاه، کردستان، همدان	۰/۵۵۳	۰/۵۲۱	۰/۵۷۶	۰/۶۰۳	۰/۶۸۴	۰/۶۳۶	۰/۶۱۶	۰/۶۳۶	۰/۶۰۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج مربوط به جدول (۴۳) دلالت بر آن دارد که بیشترین میزان فقر نسبی همانند فقر مطلق مربوط به مجموعه استانهای محروم یعنی استانهای سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و کمترین میزان فقر نسبی مربوط به استانهای برخوردار یعنی تهران، فارس، اصفهان و قم می‌باشد. از نظر تحول زمانی، فقر نسبی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ افزایشی بوده

است. این روند در تمامی مجموعه استانهایی که بعنوان یک منطقه جغرافیایی تعریف شده‌اند صادق است.

#### ۵-۴- بررسی اندازه فقر در بخشهای اقتصادی

جدول (۴۴) اندازه فقر را براساس شاخص "سن" به تفکیک بخش اقتصادی که سرپرست خانوار در آن به فعالیت مشغول است نشان می‌دهد.

جدول (۴۴) - اندازه فقر برحسب شاخص سنی و مفهوم مطلق فقر و به تفکیک بخش‌های اقتصادی - ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کشاورزی	۰/۱۲۷	۰/۱۴۱	۰/۰۴۱	۰/۱۲۰	۰/۰۷۲	۰/۰۹۷
صنعت و معدن	۰/۰۷۰	۰/۰۵۶	۰/۰۲۲	۰/۰۵۸	۰/۰۲۸	۰/۰۳۵
برق، آب، گاز	۰/۰۴۳	۰/۰۳۷	۰/۰۰۳	۰/۰۴۸	۰/۰۲۰	۰/۰۲۱
ساختمان	۰/۱۴۵	۰/۱۴۶	۰/۰۳۶	۰/۱۲۳	۰/۰۸۶	۰/۱۰۲
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۰/۰۵۳	۰/۰۵۴	۰/۰۱۶	۰/۰۴۳	۰/۰۲۸	۰/۰۳۴
هتل و رستوران	۰/۰۵۹	۰/۰۳۹	۰/۰۱۹	۰/۰۴۰	۰/۰۲۸	۰/۰۳۶
حمل و نقل و ارتباطات	۰/۰۴۸	۰/۰۵۱	۰/۰۱۵	۰/۰۴۲	۰/۰۲۴	۰/۰۲۸
واسطه‌گریهای مالی	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶	۰/۰۱۶	۰/۰۱۳	۰/۰۰۷
سایر	۰/۰۹۱	۰/۰۸۹	۰/۰۳۴	۰/۰۷۶	۰/۰۴۹	۰/۱۰۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

یافته‌های مربوط به اندازه فقر مطلق (خط فقر ۲۱۷۹ کالری) دلالت بر آن دارد که اندازه شاخص "سن" برای بخشهای ساختمان و کشاورزی به ترتیب بیشترین مقدار است. در مقابل اندازه فقر در بخش واسطه‌گریهای مالی کمترین میزان را نشان می‌دهد. تحول زمانی اندازه فقر مطلق در بخشهای مختلف اقتصادی نیز نزولی بوده است. به منظور مقایسه اندازه فقر مطلق و فقر نسبی در ادامه نتایج مربوط به اندازه شاخص فقر سن برپایه مفهوم نسبی فقر ارائه شده است.

یافته‌های مربوط به اندازه فقر نسبی نیز همانند فقر مطلق دلالت بر آن دارد که بیشترین فقر مربوط به خانوارهای شاغل در بخشهای ساختمان و کشاورزی است و کمترین اندازه فقر مربوط به خانوارهای شاغل در بخش واسطه‌گرهای مالی است. این نتایج تأیید مجددی است بر نتایج مربوط به فقر مطلق که در قبل بررسی گردید. همچنین تحول زمانی مربوط به اندازه فقر نسبی طی سالهای ۷۴ تا ۷۹ نیز مشابه وضعیت روند فقر مطلق، کاهش یافته است.

جدول (۴۵) - اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم نسبی فقر برحسب بخش‌های اقتصادی - ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کشاورزی	۰/۶۳۴	۰/۷۱۳	۰/۶۷۸	۰/۶۰۹	۰/۵۹۸	۰/۶۰۸
صنعت و معدن	۰/۵۲۴	۰/۵۵۸	۰/۵۲۹	۰/۴۴۶	۰/۴۲۵	۰/۴۲۱
برق، آب، گاز	۰/۴۶۰	۰/۵۱۲	۰/۴۳۸	۰/۴۱۵	۰/۳۲۳	۰/۳۶۲
ساختمان	۰/۶۵۹	۰/۶۹۶	۰/۶۷۹	۰/۶۲۱	۰/۶۴۰	۰/۶۳۶
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۰/۴۶۶	۰/۵۲۰	۰/۴۹۲	۰/۴۱۰	۰/۴۳۶	۰/۴۰۹
هتل و رستوران	۰/۴۷۱	۰/۵۵۸	۰/۴۷۳	۰/۴۰۴	۰/۴۱۲	۰/۴۱۹
حمل و نقل و ارتباطات	۰/۵۰۴	۰/۵۶۱	۰/۵۲۳	۰/۴۳۳	۰/۴۴۱	۰/۴۴۴
واسطه‌گریهای مالی	۰/۲۷۷	۰/۳۱۲	۰/۲۷۲	۰/۲۰۷	۰/۲۰۷	۰/۱۵۹
سایر	۰/۵۰۳	۰/۵۴۱	۰/۵۰۰	۰/۴۳۷	۰/۴۴۹	۰/۴۷۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

#### ۶-۵-۴- بررسی اندازه فقر برحسب نوع شغل سرپرست خانوار

در جدول (۴۶) اندازه فقر بر حسب شاخص "سن" به تفکیک نوع شغل سرپرست خانوار و برپایه خط فقر مبتنی بر ۲۱۷۹ کالری طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ درج شده است.

جدول (۴۶) - اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم مطلق فقر و به تفکیک شغل سرپرست خانوار - ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه	۰/۰۴۳	۰/۰۳۶	۰/۰۷۷	۰/۰۳۳	۰/۰۲۲	۰/۰۰۶	۰/۰۳۵	۰/۰۱۹	۰/۰۱۷
متخصصان علمی - فنی	۰/۰۲۹	۰/۰۲۷	۰/۰۳۳	۰/۰۱۳	۰/۰۲۷	۰/۰۰۷	۰/۰۱۵	۰/۰۱۸	۰/۰۱۱
تکنسین‌ها و دستیاران	۰/۰۳۴	۰/۰۲۲	۰/۰۶۴	۰/۰۲۹	۰/۰۳۱	۰/۰۱۶	۰/۰۳۳	۰/۰۲۲	۰/۰۲۴
کارمندان دفتری	۰/۰۹۷	۰/۰۸۸	۰/۱۲۶	۰/۰۵۳	۰/۰۲۴	۰/۰۰۸	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۱۶
کارکنان خدماتی و فروشندگان	۰/۱۱۲	۰/۱۳۴	۰/۱۷۹	۰/۰۶۳	۰/۰۵۱	۰/۰۱۴	۰/۰۳۴	۰/۰۲۱	۰/۰۲۹
کارکنان ماهر کشاورزی	۰/۲۲۹	۰/۲۲۰	۰/۲۹۲	۰/۱۲۶	۰/۱۲۴	۰/۰۳۷	۰/۱۰۶	۰/۰۶۲	۰/۰۸۴
صنعت‌گران و مشاغل مربوط	۰/۱۴۷	۰/۱۳۶	۰/۱۹۶	۰/۰۸۵	۰/۰۵۹	۰/۰۲۱	۰/۰۵۸	۰/۰۳۰	۰/۰۴۱
متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ	۰/۰۹۳	۰/۰۸۷	۰/۱۲۵	۰/۰۴۶	۰/۰۵۳	۰/۰۱۵	۰/۰۴۳	۰/۰۲۳	۰/۰۲۸
کارگران ساده خدمات	۰/۱۸۲	۰/۱۵۳	۰/۲۲۰	۰/۱۱۲	۰/۱۸۱	۰/۰۴۴	۰/۱۴۶	۰/۱۰۰	۰/۱۲۴
سایر مشاغل	۰/۲۰۶	۰/۱۸۵	۰/۲۰۰	۰/۱۱۱	۰/۱۱۹	۰/۰۴۹	۰/۱۰۶	۰/۰۶۹	۰/۱۴۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ارقام مندرج در جدول (۴۶) دلالت بر آن دارد که طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ کمترین اندازه فقر مربوط به قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه، متخصصان علمی - فنی و تکنسین‌ها و دستیاران بوده است البته در سالهای ۷۶ به بعد گروه کارمندان امور دفتری نیز جزو گروه‌های مشاغل دارای

کمترین اندازه فقر محسوب می‌گردند. در مقابل کارگران ساده خدمات و کارکنان ماهر کشاورزی دارای بیشترین اندازه فقر بوده‌اند. نکته قابل توجه در خصوص این گروه آنست که از سال ۷۱ تا ۷۴ اندازه فقر در گروه کارکنان ماهر کشاورزی بیشتر از کارگران ساده خدمات بوده و سال ۷۵ تا ۷۹ با یک جابجایی اندازه فقر در گروه کارگران ساده خدمات بیشتر از کارکنان ماهر کشاورزی شده است. همچنین تحول زمانی اندازه فقر طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ در کلیه مشاغل مورد مطالعه گویای آن است که اندازه فقر دارای روند کاهشی بوده است. در ادامه به منظور مقایسه، اندازه شاخص فقر بر پایه مفهوم نسبی فقر و بر حسب نوع شغل سرپرست خانوار ارائه می‌گردد. (جدول ۴۷)

جدول (۴۷) - اندازه فقر بر حسب شاخص سن و مفهوم نسبی فقر و به تفکیک شغل سرپرست خانوار - ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه	۰/۲۱۰	۰/۲۱۵	۰/۳۳۴	۰/۳۷۴	۰/۲۶۶	۰/۲۳۵	۰/۲۰۲	۰/۱۹۳	۰/۱۷۸
متخصصان علمی - فنی	۰/۱۲۵	۰/۰۹۱	۰/۱۵۱	۰/۲۱۵	۰/۳۴۱	۰/۲۹۵	۰/۲۲۵	۰/۲۵۹	۰/۲۱۸
تکنسین‌ها و دستیاران	۰/۲۳۳	۰/۲۱۵	۰/۳۲۳	۰/۳۶۳	۰/۴۲۹	۰/۳۸۲	۰/۳۱۶	۰/۳۲۶	۰/۳۱۱
کارمندان دفتری	۰/۳۶۹	۰/۳۶۱	۰/۴۲۴	۰/۴۵۷	۰/۴۴۲	۰/۳۷۵	۰/۲۸۶	۰/۲۹۶	۰/۲۶۹
کارکنان خدماتی و فروشندگان	۰/۴۴۲	۰/۴۷۷	۰/۵۲۴	۰/۵۵۹	۰/۵۲۱	۰/۴۶۶	۰/۳۸۳	۰/۳۹۹	۰/۳۸۲
کارکنان ماهر کشاورزی	۰/۵۶۴	۰/۵۶۴	۰/۶۳۰	۰/۶۳۴	۰/۶۹۹	۰/۶۶۲	۰/۵۹۰	۰/۵۷۵	۰/۵۸۷
صنعت‌گران و مشاغل مربوط	۰/۴۶۳	۰/۴۷۴	۰/۵۲۹	۰/۵۷۹	۰/۵۷۹	۰/۵۶۰	۰/۴۸۰	۰/۴۷۷	۰/۴۸۲
متصدیان ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ	۰/۳۷۳	۰/۳۶۹	۰/۴۴۶	۰/۴۸۹	۰/۵۷۲	۰/۵۳۹	۰/۴۳۷	۰/۴۴۶	۰/۴۵۱
کارگران ساده خدمات	۰/۵۱۹	۰/۴۹۶	۰/۵۶۷	۰/۶۲۳	۰/۷۵۵	۰/۷۳۲	۰/۶۶۹	۰/۶۸۰	۰/۶۷۳
سایر مشاغل	۰/۴۷۸	۰/۴۵۷	۰/۴۷۵	۰/۵۱۳	۰/۵۷۴	۰/۵۳۷	۰/۴۸۶	۰/۴۹۹	۰/۵۴۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

یافته‌های جدول (۴۷) دلالت بر آن دارد که از نظر فقر نسبی همانند فقر مطلق بیشترین فقر مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها به عنوان کارکن ماهر کشاورزی و کارگر ساده خدمات مشغول هستند و کمترین فقر مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها به عنوان قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه، متخصصان علمی - فنی، تکنسین‌ها و دستیاران مشغول به فعالیت هستند. این وضعیت، مشابه تصویر ارائه شده برای اندازه فقر مطلق است. تحول زمانی فقر نسبی متفاوت از روند فقر مطلق است زیرا برای برخی از گروههای شغلی نظیر قانونگذاران و مقامات

عالی‌رتبه، کارمندان امور دفتری، کارکنان خدماتی و فروشندگان و کارکنان ماهر کشاورزی اندازه فقر نسبی طی زمان کاهش یافته است و برای بقیه گروهها افزایش پیدا کرده است.

#### ۷-۵-۴- بررسی اندازه فقر برحسب نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار

در جدول (۴۸) اندازه فقر برحسب نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار برپایه خط فقر ۲۱۷۹ کالری طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ درج شده است.

جدول (۴۸)- اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم مطلق فقر و به تفکیک نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار- ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کارفرما	۰/۱۱۲	۰/۱۱۸	۰/۱۴۵	۰/۰۶۱	۰/۰۶۶	۰/۰۱۸	۰/۰۴۲	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳
کارکن مستقل	۰/۱۷۷	۰/۱۶۲	۰/۲۱۴	۰/۰۸۹	۰/۰۹۶	۰/۰۳۱	۰/۰۸۸	۰/۰۵۳	۰/۰۷۰
کارکن بخش عمومی	۰/۰۵۹	۰/۰۶۷	۰/۱۰۲	۰/۰۳۷	۰/۰۳۷	۰/۰۰۹	۰/۰۲۶	۰/۰۱۵	۰/۰۱۴
کارکن بخش خصوصی	۰/۲۴۱	۰/۲۰۸	۰/۲۶۴	۰/۱۳۷	۰/۱۳۷	۰/۰۳۶	۰/۱۰۳	۰/۰۵۷	۰/۰۴۰
کارکن فامیلی	۰/۲۱۶	۰/۱۹۸	۰/۲۱۴	۰/۱۳۰	۰/۱۲۹	۰/۰۵۲	۰/۱۱۴	۰/۰۷۲	۰/۱۲۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

یافته‌های فوق دلالت بر آن دارند که کمترین اندازه فقر مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها در بخش عمومی تصدی دارند و بیشترین اندازه فقر از سال ۷۱ تا ۷۵ مربوط به گروه کارکن بخش خصوصی بوده و از سال ۷۶ تا ۷۹ مربوط به گروه کارکن فامیلی بوده است. با اینحال در سالهای ۷۱ تا ۷۵ نیز این گروه بعد از کارکن بخش خصوصی در جایگاه چهارم از نظر اندازه فقر قرار داشته است. به عبارت دیگر دو گروه کارکن بخش خصوصی و کارکن فامیلی همواره در معرض فقر زیاد قرار داشته‌اند. برای تمامی گروههای مندرج در جدول فوق اندازه فقر مطلق در طی زمانی کاهش یافته است.

جدول (۴۹)- اندازه فقر برحسب شاخص سن و مفهوم نسبی فقر و به تفکیک نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار- ۷۱ تا ۷۹

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کارفرما	۰/۳۵۷	۰/۳۸۶	۰/۴۳۲	۰/۴۴۱	۰/۵۲۴	۰/۴۷۸	۰/۳۷۷	۰/۳۷۰	۰/۳۶۳
کارکن مستقل	۰/۴۹۸	۰/۴۸۷	۰/۵۴۳	۰/۵۶۹	۰/۶۴۳	۰/۶۰۸	۰/۵۴۰	۰/۵۴۰	۰/۵۴۳
کارکن بخش عمومی	۰/۳۰۶	۰/۳۱۴	۰/۳۹۹	۰/۴۴۲	۰/۴۹۱	۰/۴۴۶	۰/۳۵۴	۰/۳۳۹	۰/۳۱۱
کارکن بخش خصوصی	۰/۵۸۰	۰/۵۵۴	۰/۶۰۱	۰/۶۴۶	۰/۶۸۴	۰/۶۵۸	۰/۵۶۶	۰/۵۱۸	۰/۵۰۲
کارکن فامیلی	۰/۴۸۴	۰/۴۷۱	۰/۴۸۵	۰/۵۴۸	۰/۵۸۳	۰/۵۴۵	۰/۵۵۳	۰/۵۵۹	۰/۵۸۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش



تصویر بدست آمده از اندازه فقر نسبی برحسب تصدی در شغل سرپرست خانوار طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ برپایه خط فقر معکوس ضریب انگل تقریباً مشابه فقر مطلق است، به این معنا که کمترین اندازه فقر در گروه کارکن بخش عمومی و بیشترین فقر نسبی در گروه کارکن بخش خصوصی ملاحظه می‌شود. همچنین در مجموع برای فقر نسبی در طی زمان روند افزایشی دیده می‌شود که دقیقاً برعکس روند فقر مطلق است.

تا این بخش از گزارش با استفاده از شاخصهای مختلف، انواع شاخصهای فقر برپایه مفهوم فقر مطلق و فقر نسبی برآورد شود. اما همانطور که ملاحظه شد بدلیل گستردگی حجم اطلاعات تنها به بررسی نتایج مربوط به دو خط فقر یعنی نیاز به ۲۱۷۹ کالری و معکوس ضریب انگل اکتفا گردید. در ادامه به منظور بررسی و ارزیابی تفاوت بین انواع خط فقر برآوردی تلاش می‌گردد نتایج مربوط به درصد خانوارهای فقیر، شدت فقر و اندازه فقر (شاخص سن) برپایه کلیه خط فقرهای برآوردی سال ۱۳۷۹ مقایسه گردد.

#### **۶-۴- مقایسه درصد خانوارهای فقیر، شدت فقر و اندازه فقر برحسب خط فقرهای مختلف در سال ۱۳۷۹**

به منظور مقایسه نتایج برآورد شاخصهای فقر با استفاده از خط فقرهای مختلف درصد خانوارهای فقیر، شدت فقر و شاخص سن به تفکیک جوامع شهری و روستایی برحسب انواع خط فقر برآوردی به همراه رتبه هر کدام در جدول (۵۰) ارائه شده است.

در جدول (۵۰) رتبه‌بندی هر یک از شاخصهای فقر با توجه به انواع خط فقر برای سال ۱۳۷۹ ارائه می‌گردد. در این جدول اندازه هر یک از شاخصهای فقر (I, H شاخص سن) با توجه به هر یک از روشهای اندازه‌گیری خط فقر درج شده است و سپس بررسی می‌گردد کدامیک از روشهای خط فقر، اندازه بزرگتری را برای هر یک از شاخصها فراهم کرده است. در این بررسی به بزرگترین مقدار شاخص رتبه یک داده می‌شود. حاصل این رتبه‌بندی دلالت بر آن دارد که بیشترین مقدار شاخصهای P, I, H هنگامی بدست می‌آید که خط فقر برحسب مفهوم نسبی و به روش معکوس

جدول (۵۰) - رتبه شاخصهای فقر برحسب انواع خط فقر در جوامع شهری و روستایی برای سال ۱۳۷۹

روستایی		شهری										روش خط فقر برآوردی
		(۲) I		(۱) H		شاخص سن		(۲) I		(۱) H		
رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	درصد	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	درصد	
هفتم	۰/۰۴۸	هفتم	۰/۲۸۳	هفتم	۱۲/۲	هفتم	۰/۰۵۲	ششم	۰/۲۹۶	هفتم	۱۲/۳	نیاز به ۲۱۷۹ کالری
ششم	۰/۰۵۵	ششم	۰/۲۸۸	ششم	۱۳/۶	ششم	۰/۰۵۹	هفتم	۰/۲۹۴	ششم	۱۴/۱	نیاز به ۲۳۰۰ کالری
پنجم	۰/۰۶۹	پنجم	۰/۲۹۹	پنجم	۱۶/۵	پنجم	۰/۰۶۶	پنجم	۰/۲۹۸	پنجم	۱۵/۷	۵۰ درصد میانه مخارج خانوارهای نمونه
چهارم	۰/۱۲۶	چهارم	۰/۳۲۷	چهارم	۲۸/۱	چهارم	۰/۱۲۰	چهارم	۰/۳۲۵	چهارم	۲۶/۷	۶۶ درصد میانه مخارج خانوارهای نمونه
سوم	۰/۱۲۷	سوم	۰/۳۲۸	سوم	۲۸/۳	سوم	۰/۱۳۰	سوم	۰/۳۲۹	سوم	۲۸/۷	۵۰ درصد میانگین مخارج خانوارهای نمونه
دوم	۰/۲۱۱	دوم	۰/۳۶۸	دوم	۴۲/۶	دوم	۰/۲۱۶	دوم	۰/۳۶۳	دوم	۴۳/۹	۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارهای نمونه
اول	۰/۴۴۷	اول	۰/۴۷۷	اول	۷۳/۳	اول	۰/۵۰۲	اول	۰/۵۰۹	اول	۷۸/۳	معکوس ضریب انگل کل
هشتم	۰/۰۲۵	هشتم	۰/۲۷۵	هشتم	۶/۵	هشتم	۰/۰۴۴	هشتم	۰/۲۹۲	هشتم	۱۰/۵	معکوس ضریب انگل دهک اول

$$(۱) H = \text{درصد خانوارهای فقیر}$$

$$(۲) I = \text{شدت فقیر}$$

ضریب انگل محاسبه شده باشد. کمترین برآورد از شاخصهای فقر مربوط به روش خط فقر معکوس ضریب انگل دهک اول می‌باشد. قابل توجه است که این روش نیز ترکیبی از فقر نسبی و مطلق را برآورد می‌نماید با این تفاوت که ملاک مقایسه، کلیه خانوارها (اعم از ثروتمند و فقیر) نیستند بلکه در این روش، ملاک مقایسه تنها خانوارهایی هستند که از نظر درآمدی در دهک اول قرار می‌گیرند. بعد از این روش از نظر کوچکی شاخصهای فقر به ترتیب روش‌های خط فقر ۲۱۷۹ کالری، ۲۳۰۰ کالری، ۵۰ درصد میانه مخارج خانوارها، ۶۶ درصد میانه مخارج خانوارها، ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوارها و ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارها قرار دارند. شاخصهای فقر براساس خط فقر ۶۶ درصد میانگین مخارج ۱/۵ برابر شاخصهای فقر مربوط به ۵۰ درصد میانگین مخارج می‌باشند. روش معکوس ضریب انگل نسبت به روش ۶۶ درصد میانگین مخارج، شاخصهای فقر را نزدیک ۲ برابر بیشتر برآورد می‌نماید. این نتایج نشان دهنده این نکته هستند که روش برآورد خط فقر تا چه اندازه می‌تواند نتایج متفاوتی را در برداشته باشد. بنابراین توجه به این امر در اعلام میزان فقر جامعه و تصمیم‌گیری در خصوص مبارزه با فقر بسیار مؤثر است.

## ۷-۴- جمع‌بندی

در این مطالعه تلاش گردید با برآورد شاخصهای مختلف فقر از جمله درصد خانوارهای فقیر، شکاف نسبی فقر، شاخص ترکیبی "سن" برحسب خصوصیات مختلف اقتصادی، اجتماعی خانوارهای نمونه کشور نقشه فقر در ایران ترسیم شود. به عبارت دیگر تلاش گردید مشخص شود که فقرا بیشتر در کدام مناطق زندگی می‌کنند، در چه گروه سنی متمرکزند؛ چه شغلی دارند؛ در کدام بخشهای اقتصادی فعالیت می‌کنند، از چه سطح تحصیلاتی برخوردارند، بیشتر در شهرها مستقر هستند یا روستاها و بالاخره چه سمت شغلی دارند. به منظور ترسیم چنین نقشه‌ای از فقر برآورد خط فقر که تمیزدهنده فقیر از غیر فقیر است، ضروری می‌باشد. با توجه به اینکه روشهای متعددی برای برآورد خط فقر در بخشهای قبلی این مطالعه ارائه شد، حجم گسترده‌ای از اطلاعات بدست آمد که به منظور جلوگیری از تکرار مطالب تنها دو روش از برآوردهای صورت گرفته برای خط فقر انتخاب گردید. یکی برپایه مفهوم مطلق فقر (روش نیاز به ۲۱۷۹ کالری) و دیگری برپایه مفهوم فقر نسبی (روش معکوس ضریب انگل). بر این اساس نتایج حاصل دلالت بر آن داشت که اولاً برپایه فقر نسبی اندازه شاخصهای فقر در ایران بسیار بزرگتر از اندازه فقر بر حسب فقر مطلق می‌باشد. ثانیاً طی زمان فقر مطلق در ایران در مناطق شهری و روستایی کاهش یافته است در حالیکه فقر نسبی افزایش یافته است. به عبارت دیگر برنامه‌های کاهش فقر فقط بر روی فقر مطلق متمرکز بوده‌اند و به فقر نسبی کمتر توجه شده است. در خصوص سایر ویژگیهای مربوط به فقر در ایران، نتایج دلالت بر آن داشت که:

- ۱- درصد فقر مطلق در جوامع روستایی بیشتر از جوامع شهری است در حالیکه فقر نسبی در جوامع شهری بیشتر از جوامع روستایی است.
- ۲- درصد فقر در گروههای سنی کمتر از ۲۵ سال و بالاتر از ۵۵ سال بیشترین و در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال کمترین است.
- ۳- با افزایش سطح سواد درصد فقر نیز کاهش پیدا می‌کند بطوریکه خانوارهای با سرپرست بی‌سواد بیشترین درصد فقر را دارا هستند.

۴- درصد فقر در استانهای محروم چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، سیستان و بلوچستان بیشتر از سایر استانها و در مجموعه استانهای برخوردار مانند تهران، فارس و اصفهان کمترین درصد فقر وجود دارد.

۵- خانوارهایی که سرپرست آنها در بخش عمومی فعالیت می‌کند، کمترین درصد فقر را دارا هستند و در مقابل خانوارهایی که سرپرست آنها کارکن بخش خصوصی و یا فامیلی است بیشترین درصد فقر را دارا می‌باشند.

۶- به طور مشخص‌تر خانوارهایی که سرپرست آنها کارکن ماهر کشاورزی هستند دارای بیشترین درصد فقر و آنهایی که در مشاغل قانونگذاری و مقامات عالی‌رتبه، متخصصان علمی - فنی، تکنسین‌ها و دستیاران مشغول هستند کمترین درصد فقر را داشته‌اند.

۷- خانوارهایی که در بخش ساختمان و کشاورزی مشغول به فعالیت بوده‌اند بیشترین فقر را داشته‌اند در حالیکه خانوارهایی که در بخش واسطه‌گریهای مالی فعالیت داشته‌اند کمترین درصد فقر را داشته‌اند.

۸- تا سال ۱۳۷۵ شدت فقر در جامعه روستایی بیشتر از جامعه شهری بوده و بعد از این سال روند برعکس شده است و شدت فقر در جامعه شهری بیشتر جامعه روستایی بوده است.

۹- بیشترین شدت فقر برای گروه سنی ۵۵ سال به بالا بوده و کمترین شدت فقر در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال بوده است.

۱۰- کمترین شدت فقر مطلق مربوط به گروه بی‌سواد بوده و بیشترین شدت فقر نسبی نیز مربوط به همین گروه بوده است.

۱۱- بیشترین شدت فقر نسبی مربوط به مجموعه استانهای محروم (سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام و...) و کمترین شدت فقر مربوط به مجموعه استانهای برخوردار (تهران، فارس، اصفهان) بوده است.

۱۲- کمترین شدت فقر از آن کارکنان بخش عمومی و بیشترین شدت فقر از آن کارکنان فامیلی و بخش خصوصی بوده است.

۱۳- کمترین شدت فقر نسبی مربوط به بخش واسطه‌گریهای مالی و بیشترین شدت فقر نسبی مربوط به بخش ساختمان بوده است. در مقابل بیشترین شدت فقر مطلق مربوط به گروه واسطه‌گریهای مالی بوده است.

۱۴- شدت فقر نسبی برای کارکنان ماهر کشاورزی نسبت به سایر کارکنان بیشتر بوده است. در مقابل گروه قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه به همراه گروه متخصصان علمی - فنی دارای کمترین شدت فقر نسبی بوده‌اند.

۱۵- اندازه فقر مطلق (برحسب شاخص سن) در جامعه روستایی بیشتر از جامعه شهری بوده اما اندازه فقر نسبی در جوامع شهری بیشتر از جوامع روستایی بوده است.

۱۶- اندازه فقر مطلق (برحسب شاخص سن) در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال کمترین و در گروه سنی بالاتر از ۵۵ سال بیشترین بوده است.

۱۷- اندازه فقر (برحسب شاخص سن) با افزایش سطح تحصیلات سرپرست خانوار کاهش داشته است.

۱۸- اندازه فقر (برحسب شاخص سن) در مجموعه استانهای برخوردار کمترین و در مجموعه استانهای محروم بیشترین بوده است.

۱۹- اندازه فقر در بخشهای ساختمان و کشاورزی بیشترین و در بخش واسطه‌گریهای مالی کمترین بوده است.

۲۰- اندازه فقر (برحسب شاخص سن) برای کارکنان ماهر کشاورزی بیشترین و برای گروه قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه، متخصصان علمی - فنی و گروه تکنسین‌ها و دستیاران کمترین میزان بوده است.

۲۱- بیشترین اندازه فقر مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها کارکن بخش خصوصی و کمترین اندازه فقر مربوط به خانوارهایی است که سرپرست آنها کارکن بخش عمومی را بوده است.

۲۲- رتبه روشهای مختلف برآورد خط فقر در اندازه‌گیری شاخصهای فقر به ترتیب از بزرگ به کوچک عبارت است از ۱- روش معکوس ضریب انگل(کل) ۲- روش ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارهای نمونه ۳- روش ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوارهای نمونه ۴- روش ۶۶ درصد میانه مخارج خانوارهای نمونه ۵- روش ۵۰ درصد میانه مخارج خانوارهای نمونه ۶- روش نیاز به ۲۳۰۰ کالری ۷- روش نیاز به ۲۱۷۹ کالری ۸- روش معکوس ضریب انگل دهک اول.

## فصل ۵

# نحوه توزیع فقر بین خانوارها

### مقدمه

در مطالعات مربوط به فقر همواره تمیز خانوارهای فقیر از غیر فقیر بعنوان ملاکی برای شناخت فقر در جامعه محسوب می‌گردد. اما این ملاک که معمولاً بصورت درصد خانوارهای فقیر تعیین می‌گردد هیچ‌گونه اطلاعاتی راجع به پراکندگی خانوارهای فقیر و توزیع آنها بدست نمی‌دهد. برای مثال اگر از ۶ خانوار شهری مورد مطالعه ۳ خانوار فقیر باشند یعنی درآمدی کمتر از خط فقر داشته باشند در آن صورت درصد خانوارهای فقیر شهری برابر ۵۰ درصد می‌باشد. همچنین اگر از ۴ خانوار روستایی مورد مطالعه ۲ خانوار فقیر باشند یعنی درآمدی کمتر از خط فقر داشته باشند، در آن صورت ۵۰ درصد خانوارهای روستایی نیز فقیر خواهند بود. این نتایج هیچ اطلاعاتی راجع به اینکه از مجموع ۵ خانوار فقیر شهری و روستایی چند درصد مربوط به شهر و چند درصد مربوط به روستا می‌باشد بدست نمی‌دهد. بر همین اساس لازم است به منظور شناخت نحوه توزیع فقر بین خانوارها برحسب خصوصیات مختلف اقتصادی، اجتماعی (شهری یا روستایی)، پایه تحصیلی سرپرست خانوار، سن سرپرست خانوار، منطقه جغرافیایی سکونت خانوار، نوع شغل سرپرست خانوار، نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار و ..... سهم هر گروه از خانوارها از کل فقر جامعه مشخص گردد. در ادامه این گزارش سهم خانوارها با خصوصیات اجتماعی و اقتصادی مختلف از کل فقر جامعه برحسب دو معیار فقر مطلق و فقر نسبی محاسبه می‌گردد.

## ۱-۵- سهم خانوارهای فقیر شهری و روستایی از کل فقر جامعه

در جدول (۵۱) سهم خانوارهای شهری و روستایی از کل فقر جامعه بر اساس مفهوم فقر مطلق ( ۲۱۷۹ کالری) طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ به همراه نسبت سهم فقر به سهم جمعیتی خانوارهای شهری و روستایی درج شده است.

جدول(۵۱)- توزیع فقر در جوامع شهری و روستایی طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ برپایه مفهوم مطلق فقر

درصد

شرح	۷۱	۷۲	۷۴	۷۵	۷۷	۷۸	۷۹
شهری	۴۴	۴۲	۴۵	۴۶	۴۴	۴۷	۴۶
روستایی	۵۶	۵۸	۵۵	۵۴	۵۶	۵۳	۵۴
سهم شهرنشینان از کل فقر سهم جمعیتی شهرنشینان	۴۸	۵۳	۵۵	۵۰	۴۷	۴۶	۴۶
سهم روستائیان از کل فقر سهم جمعیتی روستائیان	۵۲	۴۷	۴۵	۵۰	۵۳	۵۴	۵۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج مندرج در جدول (۵۱) دلالت بر آن دارد که سهم جوامع روستایی از کل فقر خانوارهای ایرانی در کلیه سالهای مطالعه همواره به میزان قابل توجهی بیشتر از سهم جوامع شهری بوده است. اما در طی زمان سهم جوامع شهری افزایش و سهم جوامع روستایی کاهش یافته است بطوریکه طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ سهم فقر جوامع شهری از ۴۴ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۴۷ درصد در سال ۱۳۷۸ و ۴۶ درصد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته در حالیکه برای جوامع روستایی سهم فقر از ۵۶ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۵۳ درصد در سال ۷۸ و ۵۴ درصد در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است.

به نظر می‌رسد بررسی نتایج سهم فقر به تنهایی و بدون توجه به سهم جمعیتی جوامع شهری و روستایی تا حدی مشکل آفرین باشد زیرا هر چه سهم جمعیتی یک گروه ( مثلا روستائیان) بیشتر باشد احتمال بالا بودن سهم این گروه از کل فقر جامعه افزایش می‌یابد. براین اساس برای درک بهتر نحوه توزیع فقر در جوامع شهری و روستایی نتایج مربوط به سهم فقر جوامع شهری و روستایی به سهم جمعیتی این جوامع تقسیم گردید و در سطر سوم و چهارم جدول (۵۱) ارائه شد



تا مشکل مذکور مرتفع گردد. براساس این شاخص نیز ملاحظه می‌شود که سهم فقر جوامع روستایی بیشتر از سهم جوامع شهری است با این تفاوت که تا حد زیادی نتایج اولیه تعدیل شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود سهم نسبی شهرنشینان و روستائیان از کل فقر جامعه نزدیک به ۵۰ درصد سهم جمعیتی آنها می‌باشد.

## ۲-۵- سهم گروههای مختلف سنی از فقر جامعه

در جدول (۵۲) سهم گروههای مختلف سنی از فقر جامعه بر پایه خط فقر ۲۱۷۹ کالری طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ درج شده است. این اطلاعات مربوط به ۵ گروه سنی زیر ۲۵ سال، ۲۶ تا ۳۵ سال، ۳۶ تا ۴۵ سال، ۴۶ تا ۵۵ سال و بالای ۵۵ سال می‌باشد.

جدول (۵۲)- سهم گروههای مختلف سنی از فقر جامعه برپایه مفهوم مطلق فقر - ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹

درصد

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
زیر ۲۵ سال	۵/۹	۵	۴/۳	۳/۹	۵/۳	۵/۱	۳/۵	۳/۲	۸/۲
۲۶-۳۵ سال	۲۲/۹	۲۲	۲۳/۵	۱۹/۵	۲۲/۴	۲۱/۸	۲۱/۶	۲۰	۱۸/۶
۳۶-۴۵ سال	۲۳/۵	۲۲/۸	۲۵/۴	۲۶/۴	۲۵/۳	۲۳/۸	۲۴/۹	۲۷/۲	۲۵/۶
۴۶-۵۵ سال	۱۶/۳	۱۶	۱۵/۹	۱۵/۱	۱۵/۲	۱۵	۱۶/۶	۱۶/۸	۱۶/۷
۵۵ سال به بالا	۳۱/۴	۳۴/۲	۳۰/۹	۳۵/۱	۳۱/۸	۳۴/۳	۳۳/۴	۳۲/۸	۳۰/۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج مندرج در جدول فوق دلالت بر آن دارد که در طی سالهای مختلف تنها ۴ تا ۸ درصد فقر جامعه مربوط به گروه سنی زیر ۲۵ سال است در حالیکه بیش از ۳۰ درصد فقر جامعه مربوط به گروه سنی بالای ۵۵ سال است. این نتیجه کاملاً منطقی است، زیرا خانوارهای با سرپرست دارای سن بالای ۵۵ سال عمدتاً در گروه بازنشستگان قرار دارند که از افت شدید درآمدی برخوردارند. یافته‌های فوق دلالت بر آن دارد که خانوارهایی که سرپرست آنها بین ۳۶-۴۵ سال می‌باشند پس از گروه ۵۵ سال به بالا سهم بیشتری از فقر جامعه را بخود اختصاص می‌دهند، این یافته‌ها با یافته‌های قبلی شاید چندان سازگار نباشد. برای درک بهتر موضوع می‌باید سهم جمعیتی هر یک از گروه‌های سنی فوق مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که تعداد خانوارهایی که سرپرست

آنها زیر ۲۵ سال می‌باشند در مقایسه با خانوارهایی که سرپرست آنها در گروه سنی ۳۶-۴۵ سال می‌باشند بسیار کمتر می‌باشد، لذا نتایج جدول ۵۲ زیاد دور از انتظار نیست. طبیعی است که سهم گروه زیر ۲۵ سال از کل فقر جامعه پائین و سهم گروه ۳۶-۴۵ سال بالا می‌باشد. بررسی‌های ما دلالت بر آن دارد که نسبت سهم فقر گروه زیر ۲۵ سال به سهم جمعیتی آنها بزرگتر از یک می‌باشد در حالیکه این نسبت برای گروه ۳۶-۴۵ سال کمتر از گروه فوق‌الذکر می‌باشد. در ادامه بحث با توجه به مفهوم فقر نسبی نحوه توزیع فقر بین گروههای مختلف سنی بررسی می‌شود.

جدول (۵۳)- سهم گروههای مختلف سنی از فقر جامعه با توجه به مفهوم فقر نسبی

درصد

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
زیر ۲۵ سال	۶/۵	۵/۳	۴/۴	۳/۷	۴/۶	۴/۶	۳/۶	۳/۳	۴/۴
۲۶ تا ۳۵ سال	۲۵	۲۳/۶	۲۴/۵	۲۲/۶	۲۴/۶	۲۳/۹	۲۳/۸	۲۱/۹	۲۱/۹
۳۶ تا ۴۵ سال	۲۲/۵	۳۳/۴	۲۵/۸	۲۶/۲	۲۵/۷	۲۶/۶	۲۶/۳	۲۷/۴	۲۶/۶
۴۶ تا ۵۵ سال	۱۶	۱۵/۵	۱۶	۱۵/۹	۱۵/۹	۱۶/۱	۱۶/۳	۱۶/۸	۱۶/۸
بالای ۵۵ سال	۳۰	۳۲/۲	۲۹/۳	۳۱/۶	۲۹/۲	۲۸/۸	۳۰	۳۰/۶	۳۰/۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تصویر مشاهده شده از نتایج مربوط به سهم گروههای سنی مختلف از فقر جامعه بر پایه فقر نسبی مشابه تصویر ارائه شده برای نتایج فقر مطلق می‌باشد بطوریکه کمترین میزان فقر برای گروه زیر ۲۵ سال و در فاصله ۳ تا ۶ درصد می‌باشد و بالاترین درصد فقر مربوط به گروه سنی بالای ۵۵ سال و بیش از ۲۹ درصد می‌باشد. با مقایسه سهم گروههای مختلف سنی از فقر جامعه چه برحسب مفهوم مطلق و چه بر حسب مفهوم نسبی فقر، تغییر قابل ملاحظه‌ای در طی سالهای مورد بررسی مشاهده نشد.

### ۳-۵- سهم خانوارها از فقر جامعه برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار

در جدول (۵۴) سهم خانوارها از فقر جامعه به تفکیک پایه تحصیلی سرپرست آنها طی سالهای ۷۹ تا ۷۹ و بر پایه مفهوم مطلق فقر (۲۱۷۹ کالری) درج شده است.

جدول (۵۴) - سهم خانوارها از فقر جامعه به تفکیک پایه تحصیلی سرپرست خانوار براساس مفهوم مطلق فقر (۲۱۷۹ کالری) ۱۳۷۱-۷۹

درصد

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
بی سواد	۶۳/۱	۶۱	۵۴/۷	۶۳/۲	۶۰/۵	۶۶	۶۱/۹	۶۵/۸	۵۹/۹
ابتدایی	۲۴/۳	۲۵	۲۷/۷	۲۳/۳	۲۰/۱	۱۶/۹	۱۹/۶	۱۹/۶	۱۹/۲
راهنمایی	۳/۵	۴/۵	۶/۶	۴/۶	۵/۱	۵/۲	۵/۷	۴/۸	۵/۴
دبیرستان و دیپلم	۲/۷	۳/۵	۴/۷	۳/۱	۳/۱	۲/۷	۲/۷	۱/۷	۲/۲
فوق دیپلم و لیسانس	۰/۴	۰/۵	۱/۲	۰/۷	۰/۶	۰/۵	۰/۴	۰/۶	۰/۵
بالتر از لیسانس و دکترا	۰	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۱	۰/۴	۰/۶	۰/۳۱	۰/۲	۰/۲
سایر	۶	۵/۴	۵/۰۴	۵	۱۰/۲	۸/۱	۹/۳	۷/۳	۱۲/۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج مربوط به سهم فقر گروه‌های مختلف تحصیلی دلالت بر آن دارد که در تمامی سالهای مطالعه یعنی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ در مجموع سهم گروه بی سواد و دارای سواد ابتدایی بالای ۸۰ درصد بوده که نشان دهنده وضعیت نگران کننده فقر این دو گروه است. کمترین فقر نیز مربوط به گروه بالاتر از لیسانس و دکترا می باشد که کاملا منطقی است زیرا این گروه از مشاغل دارای درآمد بالا هستند و عموما نباید از فقر مطلق برخوردار باشند.

در جدول (۵۵) اطلاعات مربوط به توزیع فقر برای گروه‌های مختلف تحصیلی بر پایه مفهوم فقر

نسبی (روش معکوس ضریب انگل) ارائه شده است

جدول (۵۵) - سهم خانوارها از فقر جامعه به تفکیک پایه تحصیلی سرپرست خانوار براساس مفهوم نسبی فقر

طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ - درصد

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
بی سواد	۵۲/۴	۴۹/۹	۴۴/۴	۴۵/۵	۴۲/۲	۴۱/۵	۴۳/۹	۴۴/۲	۴۳/۴
ابتدایی	۲۷/۳	۲۸/۲	۲۹/۶	۲۸/۵	۲۴/۷	۲۵/۷	۲۵/۲	۲۵/۹	۲۵/۶
راهنمایی	۶/۴	۷/۴	۸/۹	۸/۵	۱۰/۱	۱۰/۸	۱۰/۳	۱۰/۳	۱۱/۱
دبیرستان و دیپلم	۶/۸	۷/۲	۹/۱	۸/۶	۸/۸	۸/۶	۷/۸	۷/۸	۷/۲
فوق دیپلم و لیسانس	۱/۳	۱/۶	۲/۶	۳/۱	۳/۲	۳/۴	۲/۵	۲/۷	۲/۹
بالتر از لیسانس و دکترا	۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۲	۰/۲	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۳	۰/۴
سایر	۵/۸	۵/۶	۵/۱	۵/۶	۱۰/۵	۹/۵	۹/۸	۸/۸	۹/۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ارقام مندرج در جدول (۵۵) همانند تصویر مشاهده شده در جدول ۵۴ می‌باشد یعنی ۸۰ درصد فقر جامعه نصیب خانوارهای با سرپرست بی‌سواد و یا دارای سواد ابتدایی شده است. کمترین سهم فقر نیز مربوط به خانوارهای دارای سرپرست دکترا و بالاتر از لیسانس می‌باشد بطوریکه در تمامی سالهای مطالعه کمتر از ۰/۵ درصد می‌باشد. همچنین نتایج مربوط به سهم فقر برای خانوارها در گروههای مختلف تحصیلی براساس مفهوم فقر مطلق و نسبی دلالت بر آن دارد که سهم فقر خانوارهای دو گروه اول یعنی دارای سرپرست بی‌سواد و دارای سواد ابتدایی طی زمان کاهش یافته در حالیکه برای سایر گروهها این سهم طی زمان افزایش یافته است. توجیه این مسئله آسان است زیرا با توجه به ساختار جمعیتی جوان کشور و با توجه به گسترش آموزش عالی در کشور و افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار، در طی سالهای اخیر می‌توان انتظار افزایش فقر در گروههای تحصیلکرده را داشت.

#### ۴-۵- سهم خانوارها از فقر جامعه برحسب مناطق جغرافیایی مختلف

استانهای کشور به لحاظ نزدیکی شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی به ۷ منطقه تقسیم شدند و برای هر کدام شاخصهای فقر محاسبه گردید. در این قسمت به بررسی توزیع فقر خانوارها برحسب مناطق مختلف جغرافیایی می‌پردازیم. این نتایج در جدول (۵۶) بر پایه مفهوم فقر مطلق طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ درج شده است.

جدول (۵۶) - سهم خانوارها از فقر جامعه به تفکیک مناطق جغرافیایی برپایه مفهوم فقر مطلق (۲۱۷۹ کالری) طی سالهای ۷۱-۷۹

درصد

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد	۱۱/۱	۵/۲	۷/۲	۱۶/۷	۹/۹	۱۲/۳	۱۰	۲۰/۶	۱۶/۸
فارس، اصفهان، تهران، قم	۱۰/۲	۱۵/۶	۱۹/۱	۱۱/۲	۱۵/۹	۱۳/۹	۱۲/۹	۷/۹	۸
مرکزی، کرمان، سمنان، یزد	۱۱/۳	۱۳/۳	۷/۸	۱۶/۹	۸/۷	۹/۹	۹	۱۱/۶	۱۲/۶
آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، زنجان، قزوین	۲۱/۶	۷/۲	۱۶/۲	۱۶/۲	۱۵/۳	۱۶/۸	۱۵/۹	۲۱/۶	۲۰/۵
گیلان، مازندران، گلستان و خراسان	۲۱/۸	۳۳/۸	۲۹/۹	۱۹/۲	۳۱/۸	۳۱/۱	۲۹/۸	۱۴	۲۰/۵
خوزستان، لرستان، بوشهر و هرمزگان	۱۲/۲	۹/۲	۱۰/۸	۱۱/۳	۸/۵	۷/۶	۱۰/۹	۱۰/۵	۹/۹
کرمانشاه، کردستان و همدان	۱۱/۸	۱۵/۷	۹	۸/۵	۱۰	۸/۲	۱۱/۴	۱۳/۶	۱۱/۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج مربوط به سهم فقر مناطق مختلف نشان دهنده این است که بیشترین سهم مربوط به استانهای گیلان، مازندران، گلستان، خراسان و فارس، اصفهان، تهران و قم و کمترین سهم فقر مربوط به استانهای سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد است. این نتایج با سایر ملاحظات مربوط به فقر در خصوص این مناطق مخصوصاً شاخصهای فقر که در بخشهای قبلی ارائه گردید سازگار نمی‌باشد. در واقع ارقام مندرج در جدول ۵۶ موید آن است که استانهای سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد که در زمره استانهای محروم می‌باشند در مقایسه با استانهای برخوردار همچون تهران، فارس، اصفهان و قم کمتر دچار فقر می‌باشند شاخصهای قبلی دلالت بر آن داشت که استانهای گروه اول نسبت به استانهای گروه دوم از فقر بیشتری رنج می‌برند. این مشکل با توجه به سهم جمعیتی این استانها قابل توضیح می‌باشد. در جدول (۵۷) سهم هر یک از گروههای ۷ گانه از کل فقر جامعه بر سهم جمعیتی آنان تقسیم شده است.

جدول (۵۷) - سهم نسبی فقر مناطق مختلف جغرافیایی از کل فقر جامعه ۷۱ تا ۷۹

درصد

منطقه	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
۱	۱/۳	۱/۱	۱/۵	۱/۴	۱/۸	۲/۲	۱/۸	۱/۹	۱/۶
۲	۰/۵	۰/۶	۰/۶	۰/۵	۰/۵	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
۳	۰/۹	۰/۹	۱/۰۲	۱/۱	۱/۱	۱/۳	۱/۱	۰/۹	۰/۹
۴	۱/۲	۱/۳	۱/۱	۱/۱	۱/۲	۱/۳	۱/۱	۱/۳	۱/۲
۵	۱/۰۴	۱/۲	۱/۳	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۳	۰/۸	۱/۱
۶	۰/۹۸	۱/۰۲	۱/۱	۱/۰	۰/۸	۰/۷	۱/۰۴	۰/۹	۰/۹
۷	۱/۳۲	۱/۲	۱/۲	۱/۱	۱/۳	۱/۰۳	۱/۴	۱/۷	۱/۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همانطور که از نتایج مندرج در جدول (۵۷) ملاحظه می‌گردد مطابق انتظار سهم نسبی فقر مناطق مختلف جغرافیایی به جمعیت مورد مطالعه آنها در مناطق محروم مانند استانهای سیستان و بلوچستان و .... بیش از دو برابر مناطق برخوردار مانند استانهای تهران، فارس و ..... است. بدین ترتیب این نتایج با شاخصهای فقر مورد مطالعه در بخشهای قبلی کاملاً سازگار است، برای مثال استانهای گروه اول ( سیستان و بلوچستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد) در مقایسه با استانهای گروه دوم نسبت به جمعیتشان از فقر بیشتری برخوردار هستند و چنانکه ملاحظه می‌شود در تمامی

سالهای مورد مطالعه نسبت فقر گروه اول به سهم جمعیت آنها همواره بالاتر از یک می باشد در حالیکه در مورد گروه دوم، این نسبت در اکثر سالها برابر ۰/۵ و یا کمتر از آن می باشد.

### ۵-۵- سهم فقر خانوارها برحسب نوع شغل سرپرست خانوار

جدول (۵۸) سهم فقر خانوارها را از کل فقر جامعه به تفکیک بخش اقتصادی که سرپرست خانوار در آن فعالیت می کند و بر پایه مفهوم فقر مطلق (۲۱۷۹) کالری طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ نشان می دهد.

جدول (۵۸) - سهم فقر خانوارها از کل فقر جامعه به تفکیک نوع شغل سرپرست خانوار و برپایه مفهوم فقر مطلق

درصد

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران	۱/۲	۱/۲	۲/۲	۱/۴	۰/۳	۰/۱	۰/۴	۰/۳	۰/۲
متخصصان علمی و فنی	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۱	۰/۱	۰/۷۷	۰/۶	۰/۷	۰/۴	۰/۴
تکنسینها و دستیاران	۱	۰/۸	۱/۶	۰/۹	۱/۲	۱/۰	۱/۲	۱/۲	۱/۲
کارمندان امور دفتری	۶/۵	۶/۸	۷/۸	۶/۳	۰/۷	۰/۳	۰/۵	۰/۴	۰/۴
کارمندان خدماتی و فروشندگان	۳/۶	۳/۸	۴/۹	۳/۵	۵/۲	۴	۴/۴	۳/۴	۳/۸
کارکنان ماهر کشاورزی	۳۷/۴	۳۸/۸	۳۱	۳۴/۹	۳۲/۳	۳۰/۸	۳۲	۲۹/۷	۲۸/۲
صنعتگران و مشاغل مربوط	۴/۸	۴/۴	۵/۵	۴/۹	۹/۴	۹/۲	۸/۸	۷/۷	۷/۹
اپراتور ماشین آلات و مونتاژکارها	۳/۸	۳/۶	۵/۳	۳/۳	۵/۹	۳/۸	۵/۶	۴/۲	۴/۶
کارگران ساده خدمات	۱۹/۷	۱۸/۵	۲۰/۶	۲۳/۴	۲۷/۱	۲۶/۲	۲۸/۱	۳۱/۲	۲۶/۸
سایر	۲۱/۹	۲۲/۱	۲۰/۸	۲۱/۱	۱۷/۲	۲۳/۹	۱۸/۲	۲۱/۱	۲۶/۴

مأخذ: یافته های پژوهش

نتایج فوق نشان می دهد خانوارهایی که سرپرست آنها دارای مشاغلی از نوع تخصصهای علمی - فنی، قانونگذاری می باشند از کمترین سهم فقر برخوردار هستند در حالیکه خانوارهایی که سرپرست آنها دارای مشاغلی مانند کشاورزی، کار ساده خدمات، کار امور دفتری هستند از بالاترین سهم فقر جامعه برخوردار هستند. این نتایج کاملا با نتایج شاخصهای فقر که قبلا ارائه گردید سازگار است. نتایج فوق همچنین نشان می دهد سهم گروههای فقیر از کل فقر جامعه در طی زمان کاهش یافته است و سهم فقر گروههای کمتر فقیر، افزایش یافته است. این امر بر بهبود وضعیت توزیع فقر در جامعه بین مشاغل مختلف دلالت دارد اما هنوز نابرابری زیاد می باشد.

از آنجا که وضعیت مربوط به توزیع فقر برحسب فقر نسبی (خط فقر معکوس ضریب انگل) مشابه تصویر ارائه شده برای فقر مطلق است لذا از تکرار آن خودداری گردید. نتایج در جداول ضمیمه آمده است.

#### ۶-۵- سهم فقر خانوارها از فقر جامعه برحسب نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار

در جدول (۵۹) سهم فقر خانوارها از فقر جامعه برحسب نوع تصدی در شغل سرپرست خانوار بر پایه مفهوم فقر مطلق (۲۱۷۹ کالری) طی سالهای ۷۱ تا ۷۹ درج شده است.

جدول (۵۹)- سهم خانوارها از فقر جامعه برحسب نوع تصدی در شغل سرپرست خانوارها برپایه خط فقر ۲۱۷۹ کالری طی سالهای ۷۱ تا ۷۹

درصد

شرح	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹
کارفرما	۴/۴	۶/۱	۶/۵	۴/۴	۶	۳/۴	۴/۱	۲/۸	۳
کارکن مستقل	۴۱/۹	۴۱/۲	۳۷/۵	۳۶/۸	۳۸/۱	۳۷/۴	۳۹/۷	۳۷/۹	۳۵/۲
کارکن بخش عمومی	۸/۱	۸/۶	۱۲/۶	۸/۲	۶/۸	۳/۸	۵/۲	۳/۷	۲/۶
کارکن بخش خصوصی	۳۰/۴	۲۷/۴	۲۸/۱	۳۰/۳	۳۲/۲	۳۱/۹	-	-	-
کارکن فامیلی	۱۵	۱۶/۷	۱۵/۳	۲۰/۳	۱۶/۹	۲۳/۵	۵۰	۵۵	۵۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج فوق دلالت بر آن دارد که سهم فقر خانوارها با سرپرست کارکن مستقل و کارکن بخش خصوصی بین ۳۰ تا ۴۰ درصد در نوسان بوده است در حالیکه سهم فقر خانوارها با سرپرست کارفرما در بیشترین حالت ۶/۵ درصد (۱۳۷۳) می‌باشد و در بقیه سالها نیز کمتر از ۴ درصد بوده است. برای خانوارهای با سرپرست کارکن بخش عمومی نیز حداکثر سهم فقر در سال ۷۳ برابر ۱۲/۶ درصد بوده و در بقیه سالها کمتر از ۸ درصد بوده است. همچنین برای خانوارهایی که کارکن فامیلی بوده‌اند سهم فقر جز در سه سال آخر مطالعه بین ۱۵ تا ۲۳ درصد بوده و در طی ۳ سال آخر مطالعه یعنی سالهای ۷۷ تا ۷۹ به شدت افزایش یافته است بطوریکه در سال ۷۹ سهم فقر این گروه از کل فقر جامعه معادل ۵۹ درصد می‌باشد.

## ۶-۵- جمع‌بندی

در مجموع نتایج مربوط به توزیع فقر بین خانوارها برحسب خصوصیات مختلف اقتصادی، اجتماعی خانوارها دلالت بر آن دارد که:

سهم فقر جوامع روستایی بیشتر از جوامع شهری است. این نتایج حتی با توجه به سهم نسبی جمعیت تشدید می‌گردد.

روند زمانی سهم فقر در جوامع شهری افزایشی و در جوامع روستایی کاهش یافته است.

طی سالهای مطالعه یعنی ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ سهم فقر گروه سنی بالای ۵۵ سال بیشترین و سهم گروه سنی زیر ۲۵ سال از فقر جامعه کمترین درصد بوده است.

طی سالهای مطالعه سهم فقر خانوارهای با سرپرست بی‌سواد یا دارای سواد ابتدایی، بیشترین و سهم خانوارهایی که سرپرست آنها دارای مدارک لیسانس و بالاتر بوده کمترین درصد بوده است. تحول زمانی فقر برحسب پایه تحصیلی سرپرست خانوار دلالت بر آن دارد که در گروههای دارای سواد ابتدایی و بی‌سواد سهم فقر کاهش یافته و برعکس در گروههای دارای مدارک بالا سهم فقر افزایش یافته است.

سهم فقر در مناطق ( استانهای ) برخوردار مانند استانهای فارس، تهران، اصفهان پایین و برعکس سهم فقر در استانهای محروم مانند سیستان و بلوچستان و ایلام، کهگیلویه و بویراحمد بیشترین مقدار است.

سهم فقر خانوارهایی که سرپرست آنها جزء قانونگذاران، مقامات عالی‌رتبه و ..... متخصصان علمی و فنی، تکنسین‌ها و دستیاران آنها و صنعتگران هستند کمترین و سهم فقر خانوارهایی که سرپرست آنها در مشاغل کشاورزی، فعالیتهای ساده خدماتی و امور دفتری مشغولند بیشترین می‌باشند.



## منابع و مأخذ

- ۱- اخوی ، احمد. "آیا فقیران افزایش یافته اند ؟" - تحلیل و بررسی اقتصادی فقر / موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی - ۱۳۷۵.
- ۲- پروین ، سهیلا و زیدی ، راضیه. "اثر سیاستهای تعدیل بر فقر و توزیع درآمد" - مجله تحقیقات اقتصادی / شماره ۵۸ / بهار و تابستان ۸۰.
- ۳- حسن زاده ، علی. "اثرات تعدیل اقتصادی بر فقر" - پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد - دانشکده اقتصاد علامه طباطبایی - سال ۷۳-۷۲. شماره ۲۴۷.
- ۴- فاتحی، علی. "بررسی تعادل فقر از دیدگاه سیستمی" - مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم) - سازمان برنامه و بودجه ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۵.
- ۵- فطرس، محمدحسن. "بررسی برخی عوامل ایجاد فقر در اقتصاد ایران" - مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم) - سازمان برنامه و بودجه ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۵.
- ۶- صمدی، سعید. "کاهش فقر، کارایی و نابرابری در ایران". پایان نامه دکترا - دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۶۳۵.
- ۷- سیدکاظم ، مهدی. "اثرات پرداخت یارانه کالاهای اساسی بر فقر و شاخصهای فقر". فصلنامه ناظر اقتصاد - شماره ۳، تابستان ۸۰.
- ۸- اسلامی، سیف الله. "بررسی یارانه و خط فقر". پژوهشها و سیاستهای اقتصادی (فصلنامه علمی ، ترویجی) سال هفتم / شماره ۴ / زمستان ۱۳۷۹.
- ۹- ملک، فردریک. "اندازه گیری و تجزیه و تحلیل فقر و نابرابری". نشریه روند (تخصصی بانک مرکزی ج.ا.ا.) شماره ۲۶ و ۲۷ سال ۱۳۷۸.
- ۱۰- خانقاهی، سیروس. "شاخص فقر انسانی HPI"، گزیده مطالب آماری، تابستان ۷۸ / شماره ۴۱.

- ۱۱- نیلی - فرهاد، "مقایسه وضعیت رفاهی خانوارهای شهری در شروع و پایان برنامه اول". مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم) - سازمان برنامه و بودجه ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۷۵.
- ۱۲- خدادادکاشی، فرهاد. "اندازه گیری فقر در ایران برحسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص "سن" در ایران". پژوهشنامه بازرگانی - فصلنامه شماره ۸ - پاییز ۱۳۷۷.
- ۱۳- غلامی نتاج امیری، سعید. "بررسی مقایسه ای فقر در مناطق شهری استان مازندران و کشور" رساله کارشناسی ارشد - سال ۱۳۷۷ - شماره ۵۵۷.
- ۱۴- نجم آبادی، شهاندرخت. "وضعیت تغذیه کودکان ۲ تا ۵ ساله روستاهای حومه بندرعباس و عوامل مؤثر بر آن". مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم). سازمان برنامه و بودجه، اردیبهشت ۱۳۷۵.
- ۱۵- پروین، سهیلا. "زمینه های اقتصادی فقر در ایران". رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس - سال ۱۳۷۲.
- ۱۶- حکمتی فرید، صمد. "برآورد خط فقر در مناطق شهری استان تهران و مقایسه تطبیقی آن با کل کشور" دانشکده اقتصاد - دانشگاه تهران - شماره ۶۹۲ - سال ۱۳۷۹.
- ۱۷- اصغرزاده، عبد... . "نقش الگوی مناسب و متعادل مصرف خوراک در امحا فقر شهری" تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، دی ۱۳۷۵.
- ۱۸- علافر، الهه. "مبارزه با فقر از طریق ایجاد اشتغال". مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم). سازمان برنامه و بودجه. اردیبهشت ۱۳۷۵.
- ۱۹- داداش زاده، نوروز. "بررسی و رشد فقر و آثار آن در ایران". دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران مقطع کارشناسی ارشد - شماره ۲۷۰ - سال ۱۳۶۹.
- ۲۰- رحیمی، عباس. "ساختار بازرگانی و مقایسه تطبیقی خط فقر در کالاهای اساسی طی برنامه اول توسعه". موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۷۵.

- ۲۱- نوروژی، فرح آرا و صمیمی، بیتا. "ارزیابی وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی در برنامه اول و دورنمای آن در برنامه دوم عمرانی کشور" مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم). سازمان برنامه و بودجه - اردیبهشت ۷۵.
- ۲۲- دکتر کازرونی، علیرضا. "تحلیلی بر اندازه گیری و منشاء فقر و سیاستهای فقرزدایی در ایران" مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم). سازمان برنامه و بودجه. اردیبهشت ۷۵.
- ۲۳- میرخانی، سیدمجید. "فقر و معلولیت". مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم). سازمان برنامه و بودجه. اردیبهشت ۱۳۷۵.
- ۲۴- دکتر کشاورز حداد، غلامرضا. "گستره و عمق فقر در سیستان و بلوچستان". مجموعه مقالات همایش شناخت استعدادهای بازرگانی اقتصادی - ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۹.
- ۲۵- تقوی، سیدرضا. "فقر از دیدگاه اسلام". مجموعه مقالات گردهمایی. بررسی مسئله فقر و فقرزدایی (جلد دوم). سازمان برنامه و بودجه. اردیبهشت ۷۵.
- ۲۶- جزایری، ابوالقاسم و صمیمی بیتا. "بررسی الگوی مصرف مواد غذایی در گروههای کم درآمد شهری و روستایی در سال ۱۳۷۱ و مقایسه با یک الگوی پیشنهادی مصرف خوراک". مجموعه مقالات فقر و فقرزدایی (جلد دوم) برنامه و بودجه. ۱۳۷۵.
- ۲۷- دینی ترکمانی، علی. رساله کارشناسی ارشد - دانشکده اقتصاد - دانشگاه تهران - شماره ۳۴۵.
- ۲۸- دینی ترکمانی، علی. "بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران" - تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، ۱۳۷۵.
- ۲۹- مهریار، امیر هوشنگ. "فقر: تعریف و اندازه گیری آن"، برنامه و توسعه. دوره ۲. شماره ۸. تابستان ۱۳۷۳.
- ۳۰- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل. "درآمدی بر شاخص های نابرابری درآمد و فقر". مرکز آمار ایران. ۱۳۷۱.

۳۱- "اندازه شاخص های فقر و نابرابری توزیع درآمد در ایران طی سالهای ۷۵-۱۳۶۵". مرکز آمار ایران، دفتر حسابهای اقتصادی. خرداد ۱۳۷۷.

- 32- Atkinson, Anthony, 1994 , Measurement of poverty and differences in family composition, *Econometrica*, 49
- 33- Atkinon, Anthony, 1987, "On the Measurement of poverty" *Econometrica*, 55, 749-60.
- 34- Deaton, Angus and Muellbauer, John, 1980, "Economics and Consumer Behavior", Cambridge Univers press.
- 35- Foster, James, J. Greer , and Erik Thorbecke, 1984, "A Class of Decomposable Poverty Measure" *Econometrica*, 52 , 761-60.
- 36- Foster, James and A.F. Shorrocks, 1991, "Subgrouf Consistent poverty Indices", *Econometrica*, 59, 687-709.
- 37- Sen, Amartya, 1976m "Econometrica, 46,437-4.
- 38- Johansen, Frida 1993, "Poverty Reduction in East Asia", World Bank Discussion Papers , World Bank.
- 39- Ravallion, Martin, 1998, "Poverty Lines in Theory and Practice" LSMS, Working Paper No.133, World Bank.
- 40- Foster, James and Shorrocks, 50, 1988 , "Poverty Orderings", *Econometrica*, 56,173-7.
- 41- Dean, Angus, 1992, "Understanding Consumption" Oxford Economic Press.
- 42- Kakwani, Nanak, 1993, "Statistical Inference in the Measurement of Poverty", *Review of Economics and Statistics*, 75, 632-39.
- 43- United Nations (UN), 1995", UN Decade for Dradication of Poverty: General Assembly Resolution".
- 44- World Bank, 1999, "A World Free of Poverty" , Available : [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)
- 45- Townsend, Peter, 1985, "Asociological Approach to Measurement of Poverty: a Rejoinder to Professor Amartya Sen" Oxford Economic Papers.
- 46- Alcock, Pete, 1997, "Understanding Poverty ", Second Edition, Macmilan Press.
- 47- Wolff, Edward N., "Economics of Poverty, Inequality & Discrimination, South – Western Collage Publishing.